

صاحب امتیاز: اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان جنوبی

سر دبیر: دکتر زهرا علیزاده بیرجندی

مدیر مسؤول: احمد محبی

کارشناس اجرایی: مهین زرنگ

مدیر داخلی: حامد رضایی

اعضای هیأت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

۱. دکتر محمدباقر آخوندی
 ۲. دکتر حبیب احمدی
 ۳. دکتر بی بی اقدس اصغری
 ۴. دکتر محمدعلی بیدختی
 ۵. دکتر هادی پورشافعی
 ۶. دکتر محمدتقی راشد محصل
 ۷. دکتر مفید شاطری
 ۸. دکتر حبیب اله عباسی
 ۹. دکتر زهرا علیزاده بیرجندی
 ۱۰. دکتر احمد کامیابی مسک
 ۱۱. دکتر محمدرضا مجیدی
 ۱۲. دکتر جواد میکانیکی
- استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه بیرجند
- استاد جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه شیراز
- استادیار مردم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گناباد
- استادیار پژوهش و هنر دانشگاه بیرجند
- دانشیار علوم تربیتی دانشگاه بیرجند
- استاد فرهنگ و زبان‌های باستانی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه بیرجند
- استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خوارزمی تهران
- دانشیار تاریخ دانشگاه بیرجند
- استاد تئاتر و ادبیات دانشگاه تهران
- دانشیار گروه مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران
- دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه بیرجند

مترجم و ویراستار انگلیسی: حمیده محمدی

ویراستار ادبی: سیدنورالله نصراللهی

چاپ: مهرنگ

امور فنی: انتشارات فکربر

شمارگان: ۱۰۰۰

قیمت: ۲۰۰۰۰ ریال

نشانی دفتر نشریه: خراسان جنوبی، بیرجند، خیابان شهید محلاتی، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان

دورنگار: ۰۵۶-۳۲۳۲۳۲۷۷

تلفن: ۰۵۶-۳۲۳۲۳۳۹۳-۴

جنوبی، دبیرخانه شورای پژوهشی

آدرس: <http://Farhangekhorasan.ir>

آراء و نظرهای مندرج در این شماره مبین نظرها و آرای فصلنامه نیست.
نویسندگان و مترجمان، مسؤول نظرهای مندرج در نوشته خود هستند.
نوشته‌های ارسالی که مناسب چاپ نباشند، پس فرستاده نمی‌شوند.
فصلنامه در ویرایش و حذف مطالب آزاد است.

داوران این شماره (به ترتیب حروف الفبا):

۱. دکتر محمدباقر آخوندی استادیار دانشگاه بیرجند
۲. دکتر علیرضا اسلام استادیار دانشگاه بیرجند
۳. دکتر مرتضی اسماعیل نژاد استادیار دانشگاه بیرجند
۴. دکتر بی بی اقدس اصغری استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد گناباد
۵. دکتر محمد اکبری بورنگ استادیار دانشگاه بیرجند
۶. دکتر مهناز امیرپور استادیار دانشگاه آزاد اسلامی تربت جام
۷. دکتر احمد بخشی استادیار دانشگاه بیرجند
۸. دکتر محمدعلی رستمی نژاد استادیار دانشگاه بیرجند
۹. دکتر حسین شکوهی فرد استادیار دانشگاه بیرجند
۱۰. علی محمد طالبی مربی دانشگاه فرهنگیان بیرجند
۱۱. دکتر علی عسگری استادیار دانشگاه بیرجند
۱۲. دکتر محمود فال سلیمان دانشیار دانشگاه بیرجند



به استناد نامه‌ی شماره ۱۳۹۶۰۱ مورخ ۱۳۹۱/۰۷/۰۴

کمیسیون بررسی نشریات علمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، فصلنامه

"مطالعات فرهنگی - اجتماعی خراسان" حائز درجه‌ی علمی - ترویجی گردیده

است. پروانه انتشار این مجله به شماره ۹۲/۷۲۶۰ مورخ ۹۲/۳/۲۵ از وزارت فرهنگ و ارشاد

اسلامی صادر شده است. فصلنامه مطالعات فرهنگی - اجتماعی خراسان در پایگاه استنادی

علوم کشورهای اسلامی (ISC) به نشانی www.srlst.com و پایگاه بانک اطلاعات

نشریات کشور به نشانی www.into@magiran.com و پایگاه مجلات تخصصی نور به

نشانی www.noormags.com نمایه می‌شود.

شرایط پذیرش مقاله

فصلنامه علمی- ترویجی "مطالعات فرهنگی- اجتماعی خراسان"، مقاله‌هایی در موضوعاتی با جهت‌گیری فرهنگ، تمدن، آداب و رسوم، تاریخ، جغرافیا و آموزش در گستره‌ی خراسان که با توجه به نکات زیر تدوین شده باشد، منتشر می‌کند.

۱. ساختار مقاله دارای چکیده، مقدمه، بیان مسأله، روش‌شناسی، یافته‌ها، نتیجه، منابع و نیز ارجاعات دقیق و در صورت لزوم پیوست‌ها باشد.
۲. مقاله در محیط واژه پرداز Microsoft Word 2007 و قلم B nazanin، اندازه ۱۴ از طریق رایانامه به نشانی <http://Farhangekhorasan.ir> ارسال شود. صفحات مقاله حداکثر ۲۰ صفحه و هر صفحه ۲۴ سطر باشد.
۳. چکیده فارسی بین ۲۵۰ تا ۳۰۰ کلمه باشد و چکیده انگلیسی هم، همراه مقاله باشد.
۴. معادل‌های لاتین اسامی غیرفارسی و اصطلاحات غیر رایج با علامت شماره‌گذاری مستقل برای هر صفحه، در پانویس آورده شود.
۵. جداول، نمودارها، نقشه‌ها و عکس‌ها (حداقل درجه وضوح 300 dpi)، با شماره و عنوان گویا آورده شود.
۶. ارجاعات درون متنی با ذکر نام خانوادگی نویسنده، سال نشر منبع و شماره صفحه مورد استفاده، درون کمانک آورده شود. مثال: (رضوانی، ۱۳۸۳: ۹۲).
۷. فهرست منابع در انتهای مقاله و بر اساس حروف الفبا همراه با مشخصات کامل کتابشناختی مطابق نمونه‌های ذیل آورده شود.

۷-۱- کتاب

باستانی پاریزی، محمد ابراهیم (۱۳۷۹). *از سیر تا پیاز*. تهران: نشر علم.

۷-۲- مقاله

شاطری، مفید (۱۳۸۵). "گذاری بر جغرافیای تاریخی قهستان". *فرهنگ خراسان جنوبی*، سال اول، ش ۱ (بهار): ۴۹-۶۶.

۷-۳- مجموعه مقالات همایش

میکانیک، جواد (۱۳۸۹). "اثرات مهاجرت‌های روستایی بر ساختار جمعیتی و ناپایداری سکونتگاه‌های روستایی". در: مجموعه مقالات برگزیده اولین همایش مهاجرت، نظم و امنیت، ج ۱. مشهد: فرماندهی انتظامی استان خراسان رضوی، دفتر تحقیقات کاربردی: ۷۳-۹۱.

۷-۴- پایان نامه

علیزاده بیرجندی، زهرا (۱۳۷۰). "رویارویی اهل شریعت و اهل طریقت در عصر صفوی". پایان‌نامه کارشناسی ارشد تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد.

۷-۵- گزارش‌های چاپ نشده

سروش، محمدرضا (۱۳۸۵). گزارش فصل اول آواربرداری قلعه کوه قاین. بیرجند: اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی خراسان جنوبی [چاپ نشده].

۷-۶- وب‌گاه‌های اینترنتی

فاضلی، نعمت (۱۳۸۶). "شهروندی فرهنگی و فرهنگی شدن شهروندی". [پیوسته] قابل دسترس در:

<http://WWW.farhangshenasi.com/article/s/9/5/html>. [۱۳۸۸/۸/۲]

۸. نام و نام خانوادگی، وابستگی سازمانی نویسندگان، میزان تحصیلات و رشته مربوطه، نشانی کامل پستی (نام استان، شهر، رایانامه)، شماره تلفن ثابت یا همراه و دورنگار نویسنده بر روی صفحه‌ی جداگانه درج گردد. چنانچه مقاله بیش از یک نویسنده داشته باشد، ضمن مشخص کردن نویسنده مسؤول عهده‌دار مکاتبات، اسامی سایر نویسندگان هم به ترتیب ذکر شود.

۹. مقاله ارسالی نباید به منظور چاپ در دیگر مجلات ارسال شده باشد.

مقاله‌های دریافت شده، نخست توسط هیأت تحریریه مورد بررسی قرار خواهد گرفت و در صورت تأیید، برای دو نفر از داوران صاحب‌نظر ارسال خواهد شد. مقاله‌ها ابتدا به ترتیب تاریخ دریافت و سپس به ترتیب دریافت نظر مثبت داوران منتشر می‌شوند.

فهرست مطالب

بررسی وضعیت اعتماد سازمانی در بین دبیران مقطع اول متوسطه آموزش و پرورش
شهر بیرجند

محمد آخوندی، هادی پورشافعی، علی عسگری ۷

استانی شدن انتخابات؛ تمرکزگرایی یا تمرکززدایی، با تأکید بر حوزه‌های انتخابیه
استان خراسان جنوبی

قاسم اکبری، عمران راستی، جواد میکانیکی ۲۳

بررسی فرهنگ مطالعه در دانش آموزان شهر بیرجند

محمد اکبری بورنگ، سید نورالله نصراللهی ۴۹

اثر نظم اجتماعی خُرد در خانواده بر اقدامات زمینه ساز طلاق به واسطه ی کشمکش؛
مطالعه موردی: فرزندان شاهد مشهد

مریم اسکافی، حمید مسعودی ۶۳

نخل گردانی محرم در درخش: نگاهی انسان شناختی

سمیه حمیدی، مفید شاطری ۸۵

برنامه‌ریزی استراتژیک توسعه شهر بیرجند بر اساس رویکرد راهبرد توسعه شهر با مدل
SWOT و QSPM

محمد اجزاء شکوهی، محمد اسکندری ثانی، جواد محمدآبادی ۱۰۵

بررسی وضعیت اعتماد سازمانی در بین دبیران مقطع اول متوسطه آموزش و پرورش شهر بیرجند

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۵/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۸/۲۰

محمد آخوندی^۱

هادی پورشافعی^۲

علی عسگری^۳

چکیده

اعتماد عاملی مهم در توسعه جوامع و هم چنین از عناصر مهم شکل گیری سرمایه اجتماعی است. سطح اعتماد در جامعه تا حدودی متأثر از سطح اعتماد درون نهادهای اجتماعی و فرهنگی آن جامعه است که در این میان آموزش و پرورش و در رأس آن مدرسه، از اهمیت بسزایی برخوردار است. اعتماد لازمه شکل گیری روابط صحیح در محیط کار است و بدون اعتماد اعمال و رفتارهای افراد با یکدیگر ساختگی بوده و از عمق لازم برخوردار نخواهد بود. لذا پژوهش حاضر به دنبال بررسی سطح اعتماد دبیران و ارائه راهکارهایی برای افزایش میزان اعتماد سازمانی می باشد. روش پژوهش، پیمایشی از نوع توصیفی و از نظر هدف، کاربردی است. جامعه آماری این پژوهش، دبیران مقطع متوسطه اول شهر بیرجند بودند که از این تعداد ۱۹۶ نفر (۱۰۹ نفر دبیر مرد و ۸۷ نفر دبیر زن) به عنوان گروه نمونه به روش نمونه گیری طبقه ای و تصادفی ساده انتخاب شدند. جهت جمع آوری اطلاعات از پرسش نامه اعتماد سازمانی رودر (۲۰۰۳) استفاده شد. در تنظیم پرسش نامه و بررسی روایی صوری و محتوایی، از نظر اساتید مجرب استفاده و برای بررسی پایایی پرسش نامه آلفای کرونباخ برای این پرسش نامه ۰/۸۸

۱. کارشناس ارشد مدیریت آموزشی، دبیر آموزش و پرورش سربیشه، نویسنده مسؤول

m.akhondi@birjand.ac.ir

۲. دانشیار مدیریت آموزشی دانشگاه بیرجند، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی

hpourshafei@birjand.ac.ir

۳. استادیار مدیریت منابع انسانی دانشگاه بیرجند، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی

Ali.asgari@birjand.ac.ir

به دست آمد. تحلیل داده‌ها با نرم‌افزار SPSS و با استفاده از شاخص‌های توصیفی مانند میانگین و انحراف معیار و هم‌چنین آزمون T تک‌نمونه‌ای و مستقل انجام شد. نتایج پژوهش نشان داد که اعتماد نهادی، کمترین میزان و سپس اعتماد عمودی قرار دارد و اعتماد به همکاران، بالاترین میانگین را دارا می‌باشد و در انتها، راهکارهایی برای افزایش اعتماد نهادی و عمودی ارائه شده است.

واژگان کلیدی: اعتماد اجتماعی، اعتماد سازمانی، دبیران، آموزش و پرورش بیرجند

مقدمه و بیان مسأله

جامعه‌شناسان به این واقعیت ساده و مشخص پی برده‌اند که بدون اعتماد، زندگی روزمره اجتماعی که امری مسلم و بدیهی به نظر می‌رسد، غیرممکن بوده و اعتماد مؤلفه اصلی همه روابط اجتماعی پایدار خواهد بود. از این رو، اعتماد نوعی راهبرد در شرایط ناایمن و نامطمئن است (زتومکا، ۱۳۸۴: ۳). اعتماد به عنوان یک عنصر اساسی در همه جوامع وجود دارد و به دو روش می‌توان آن را فعال نمود یکی، توجه به گروه‌ها به عنوان منبع تقویت هویت مشترک و احساس تعلق فرد و دیگری، نهادهای جامعه که بر اساس توانمندی خود می‌توانند اعتماد را به سطح جامعه گسترش دهند (اوفه، ۱۳۸۴: ۲۰۹). یکی از مهم‌ترین نهادهای تأثیرگذار بر سطح جامعه، بی‌شک نهاد آموزش و پرورش و در رأس آن مدرسه است. آموزش و پرورش و مدرسه به مثابه یک نهاد اجتماعی است که همانند سایر نهادهای اجتماعی، از جامعه تأثیر پذیرفته و می‌تواند بر جامعه اثرگذار باشد.

مدیریت بر مبنای اعتماد، بیانی نوین از اندیشه‌ای کهن است که جای آن در روابط امروزی به خوبی نمایان و آشکار است و به کارگیری سازوکارهای آن می‌تواند در راه کسب اثربخشی فردی و سازمانی، مؤثر واقع شود (احمدی مهربانی، ۱۳۸۱: ۳۸). در عصری که روابط بین افراد و گروه‌ها سست‌تر شده و به سرعت در حال تغییر است، اعتماد که عمده‌تأ مبتنی بر استنتاج‌ها و تفاسیر در مورد انگیزه‌ها و باطن دیگران است، موضوع محوری سازمان‌هاست که رشد و حیات آن‌ها را تضمین می‌نماید. اهمیت اعتماد

به این دلیل است که مدیران به دنبال درک چگونگی ایجاد همکاری مؤثر در سازمان ها می باشند (Tyler, 2003: 559)، بنابراین، اعتماد در فضای سازمان به عنوان یکی از مهم ترین عناصر شکل گیری روابط سالم در محیط کار است.

اعتماد در جامعه پذیری موفق، همکاری، کارگروهی مؤثر و کمک های بلندمدت برای حداقل کردن خطرات و کاهش هزینه های عملیاتی مهم است (Lamsa & Pucetaite, 2006: 130). اعتماد عاملی ضروری در مدارس و سازمان های آموزشی نیز هست که اثربخشی و سودمندی در سازمان های آموزشی را نیز افزایش می دهد. در مدارس، اعتماد کلیه مبادلات اجتماعی معلمان با دانش آموزان و والدین و با معلمان دیگر و با همه گروه های درگیر درون مدرسه را تحت تأثیر قرار می دهد و بر اثربخشی مدارس تأثیر مثبتی به جای خواهد گذاشت (Van Maele & Van Houtte, 2009: 560). وجود اعتماد در بین کارکنان نظام آموزشی، ضمن تأثیر مستقیم بر فعالیت دبیران و دانش آموزان، بر سرنوشت دانش آموزان و جامعه تأثیرگذار خواهد بود، ضمن این که به دلیل رابطه تنگاتنگ بین مدرسه و جامعه، فرهنگ حاکم بر مدرسه مستقیم بر فرهنگ جامعه اثر گذاشته و می تواند به افزایش سرمایه اجتماعی کمک کند. با توجه به اهمیت موضوع اعتماد در بین دبیران و سازمان و تأثیرات آن بر سرنوشت جامعه، پژوهش حاضر با هدف بررسی وضعیت اعتماد در سطح فردی، گروهی و سازمانی در جامعه مورد نظر به دنبال ارائه راهکارهایی برای افزایش سطح اعتماد و رسیدن به محیط مطلوب برای کارکنان و در نتیجه برای دانش آموزان است و با توجه به اهداف پژوهش به سؤال هایی در رابطه با وضعیت اعتماد، ابعاد آن و تفاوت های آن در دبیران مرد و زن پاسخ داده خواهد شد.

مفهوم و نتایج اعتماد

با بررسی مفاهیم اعتماد که یک مفهوم کلی است، می توان گفت که آنچه مورد اعتماد قرار می گیرد فرد، گروه یا خود سازمان و اهداف و ارزش های سازمان است و اگر این اعتماد در سازمان میان افراد یا بین فرد و خود سازمان وجود داشته باشد، اعتماد سازمانی است. در تعریف اعتماد سازمانی شاکلی- زالاباک، الیس و وینوگراد

(Shockley-Zalabak, Ellis & Winograd, 2000: 39) عنوان می کنند که اعتماد سازمانی، ادراکات فردی مثبتی است که افراد درباره محتوا و رفتارهای اعضای سازمان دارند و برپایه نقش ها، ارتباطات، تجارب و وابستگی های سازمانی شکل می گیرد. اعتماد را تمایل به تعامل داوطلبانه با فرد یا گروه دیگر نیز تعریف کرده اند و در یک تعریف کلی از اعتماد، رونالد و لورنس (Ronald & Lawrence, 2007: 170) معتقدند که اعتماد سازمانی در توجه به جنبه های نظامند سازمان به معنی پذیرش ارزش ها و اهداف سازمان و تمایل قوی به مشارکت با سازمان است. بالا بودن اعتماد، مساوی با بهبود رضایت، تعهد سازمانی، افزایش بین کارکنان، افزایش هم فکری بین کارکنان، و افزایش عدالت سازمانی و دیگر عواملی که موجب افزایش بهره وری سازمانی می شود. برای موفقیت سازمانی، انجام تغییرات مداوم نقش ها، روش ها و ابزار و هم چنین طراحی مشاغل و مسئولیت ها، وجود اعتماد ضروری است (Hart & Cooper, 2001: 101) و می توان گفت که پایین بودن اعتماد سازمانی، افزایش تعارضات، ترک خدمت، افزایش شایعات و اعتصابات و مانع تراشی بر سر تحقق اهداف را در پی خواهد داشت (همان: ۱۰۹).

ارکان اعتماد

اعتماد پدیده ای است که بر مبنای چند ویژگی یا عنصر شکل می گیرد و از نگاه محققین، این عناصر تا حدودی با هم هم پوشانی دارند که در ادامه به مهم ترین ارکان شکل گیری اعتماد پرداخته خواهد شد.

شایستگی: شایستگی به قابلیت های دیگران برمی گردد که بر اساس آن می توانند وظایف خود را انجام دهند.

اعتبار: به معنی اعتقاد به این که یک فرد یا سازمان، آنچه را که قول داده، انجام خواهد داد و بی تناقض با آن عمل خواهد کرد.

خیرخواهی: به معنای انگیزه های مهربانانه و میزان محبت یک شخص نسبت به گروه مقابل و توجه صادقانه به رفاه دیگران است (Dietz & Hartog, 2006: 560). در

واقع، به درجه باور فرد مورد اعتماد در این ارتباط اشاره دارد که بدون در نظر گرفتن منفعت شخصی باید به دنبال انجام دادن کارهای خوبی برای فرد اعتمادکننده باشد که مستلزم دل بستگی فرد مورد اعتماد است (Tan & Lim, 2009: 56).

صداقت: بر درستی و شرافت دلالت دارد که در ارزیابی میزان قابل اعتماد بودن، از دیگر ابعاد اعتماد با اهمیت تر باشد (Robbins, 2003: 337).

ثبات: به پایایی، پیش بینی پذیری و قضاوت مناسب در برخورد با وضعیت ها دلالت دارد. نداشتن ثبات در گفتار و عمل، از اعتماد می کاهد که تأثیر این بعد در مدیریت بسیار زیاد است (Robbins, 2003: 33).

ابعاد اعتماد

اتکینسون و بوچر (Atkinson & Butcher, 2003: 292) معتقدند که اعتماد در سه سطح بروز می کند در سطح فردی، سطح گروهی و سطح کل نظام یا سازمان. اعتماد در سطح فردی به رابطه بین افراد، شامل کارکنان و دیگران و سرپرست یا مدیر است. اعتماد در سطح گروهی، یک پدیده جمعی است که گروه ها، ارزش ها و هویت های جمعی به نمایش می گذارند. اعتماد در سطح سیستم، نهادی است و مبتنی بر نقش ها، دستگاه ها یا شهرت است که از طریق آن استنباط هایی درباره قابلیت اعتماد یک فرد انجام می شود. الونن، بلمکوست و پومالاین (Ellonen, Blomqvist, & Puumalainen, 2008: 168) اعتماد سازمانی را به دو بعد اعتماد بین شخصی (ارتباطی) و غیرشخصی تفکیک کرده اند که اعتماد شخصی به دو بعد اعتماد افقی (اعتماد بین کارکنان) و اعتماد عمودی (اعتماد بین کارکنان و مدیران شان) اشاره دارد و اعتماد غیرشخصی یا نهادی بر اعتماد افراد نسبت به راهبرد و چشم انداز سازمان، شایستگی ها، ساختارها و فرایندهای منصفانه و سیاست های منابع انسانی تأکید می کند که در ادامه به بررسی انواع اعتماد در سازمان پرداخته شده است.

الف) اعتماد کارمند به مدیر

شیوه های ارتباطی رهبران، بر اعتماد پیروان نسبت به آنان تأثیر می گذارد. اعتماد به

مدیر، حاصل یک فرایند مبادله اجتماعی است که در آن کارمندان مدیریت را به منزله آذوقه رسان اولیه اعمال سازمانی تلقی می کنند و عمل متقابل آن را انجام می دهند (Whitener, 2001: 540). به عقیده محققان، مدیران یک نقش محوری در تعیین سطح کلی اعتماد در درون سازمان ایفا می کنند. برای مثال، مدیران، سیستم کنترل و پاداش طراحی می کنند که جلوه های بارز در سطوح بالای اعتماد یا عدم اعتماد در درون سازمان ها را متأثر می سازد. باورها و اقدامات مدیران نیز به طور مستقیم یا غیرمستقیم، باعث اعتماد در سازمان ها می شود (Creed & Milez, 1996: 17).

ب) اعتماد به همکاران

لازمه ایجاد اعتماد، درک مشترک همکاران از یکدیگر و خواسته های طرف مقابل و همچنین ارزش قائل شدن برای امیال یکدیگر است (Robbins, 2003: 134). اگر کارکنان معتقد باشند که می توانند به همکاران خود اعتماد کنند، آن ها می توانند انرژی خود را صرف بهبود عملکردشان کنند. اعتماد به همکاران، هم چنین برقراری روابط صمیمانه را تسهیل می کند و موجب درک صحت اطلاعات می شود. این اعتماد به فرایند کار کمک می کند و در نتیجه موجب عملکرد بهتر می شود (Tan & Lim, 2009: 52).

ج) اعتماد به سازمان

فرایندهای سازمانی، دیدگاه های سازمان به کارکنان و نیز نقش هایشان را ابلاغ می کند و کارکنان به روابط ابلاغ شده توسط سازمان، با اعتماد واکنش نشان می دهند (Tan & Tan, 2000: 245). اعتماد به سازمان تا حد زیادی در گرو اعتماد افراد به مدیران و مدیران ارشد است و وجود رفتارهای با ثبات در مدیران ارشد، بر میزان اعتماد افراد نسبت به سازمان تأثیرگذار است. اعتماد به سازمان، اعتماد به اهداف، خط مشی ها و احکام سازمانی یا اعتماد به سازمان، شامل اعتماد کارکنان به رویه های سازمان، فناوری، مدیریت، اهداف، چشم انداز، شایستگی ها و عدالت است (Krot & Lewicka, 2012: 230). وایتنر (Whitener, 1997: 393) معتقد است که اعتماد کارمندان در یک سطح، بر اعتماد آن ها بر سطح یا سطوح دیگر نیز اثر می گذارد. برای مثال، اعتماد کارمندان به سرپرست، بر اعتماد آن ها به سازمان نیز تأثیر می گذارد.

اعتمادسازی در سازمان

اعتماد در سازمان زمانی ایجاد می شود که کارکنان اطمینان داشته باشند که نتایج تلاش هایشان برای آن ها مؤثر است و اهداف فرد و سازمان در یک راستا قرار می گیرد. بدون اعتمادسازی هیچ گونه شانس برای تحقق اهداف استراتژیک سازمان وجود ندارد. اعتماد، یک ارزش انسانی اساسی است که باید در همه سازمان ها توسعه یابد (Smith, Birney, 2005: 474).

رابینز (Robbins, 2003: 145)، سه مرحله برای اعتمادسازی در روابط و در سازمان پیشنهاد می کند:

گام اول، فرهنگ سازی: اعتمادسازی نیازمند یک فرهنگ بر مبنای ارزش های مشترک در بین کارکنانی است که به آن معتقد باشند. اعتماد دو طرفه در محیطی می تواند توسعه پیدا کند که در آن ارزش های مشترک، صداقت و انسجام، پایه و اساس اعتماد در بین افراد قلمداد شوند.

گام دوم، رهبری: رهبری بر اساس ارزش ها و دید مشترک است که در صورت نبود این ارزش ها، رهبر باید از کنترل تحمیلی خارجی، قوانین و رسمیت زیاد استفاده کند. اگر یک سازمان بر مبنای ارزش های مشترک ایجاد شده باشد، کارکنان بیشتر به آن متعهد خواهند شد.

گام سوم، ایجاد ارتباطات: مدیریت و کارکنان در رابطه با ایجاد یک فرهنگ بر مبنای ارزش های مشترک و توانمند کردن کارکنان، به ایجاد ارتباطات با زیربنای صداقت، انسجام و توجه واقعی به افراد و دیگران متعهد می شوند.

توسعه اعتماد نیازمند این است که مدیریت و کارکنان هر دو، از انتظارات یکدیگر آگاه باشند و خود را برای ساختن محیط آکنده از اعتماد، مسؤول بدانند. اعتماد سازمانی و اعتماد در روابط بین کارکنان، تأثیر مستقیمی بر میزان اعتماد اجتماعی دارد و این رابطه مستقیم، در بعضی از نهادها (مانند نظام آموزشی) به دلیل تأثیرگذاری بیشتر بر جامعه، از اهمیت بیشتری برخوردار است. با توجه به مطالب فوق، تحقیق حاضر به

بررسی وضعیت اعتماد و ابعاد آن در بین دبیران و هم‌چنین تفاوت آن در بین دبیران مرد و زن پرداخته و در نهایت، راهکارهایی را در جهت افزایش سطح اعتماد بین کارکنان و در کل سازمان ارائه کرده است.

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر، پیمایشی از نوع توصیفی و از نظر هدف، کاربردی است. جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش، شامل تمامی دبیران مقطع متوسطه اول مدیریت آموزش و پرورش شهر بیرجند است که در سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳ به خدمت اشتغال داشته‌اند که از این بین، ۱۹۶ نفر (۱۰۹ نفر دبیر مرد و ۸۷ نفر دبیر زن) با روش طبقه‌ای و تصادفی ساده به عنوان گروه نمونه انتخاب شده‌اند. ابزار مورد استفاده در این پژوهش، پرسش‌نامه اعتماد سازمانی اسکات^۱ بوده که به وسیله رودر و همکاران (Ruder & et al., 2003) استفاده شده است که نگارندگان سه مؤلفه اعتماد به سازمان (اعتماد نهادی)، اعتماد به مدیران و سرپرستان (اعتماد عمودی) و اعتماد به همکاران (اعتماد افقی) را مورد مطالعه و بررسی قرار خواهند داد. ابزار مورد استفاده با این که در داخل کشور استفاده شده و استاندارد می‌باشد، اما جهت بررسی روایی محتوایی و صوری آن، از نظر اساتید رشته مدیریت استفاده شده و برای بررسی پایایی ابزار، ضریب آلفای کرونباخ مورد سنجش قرار گرفت که مقدار آن برای کل پرسش‌نامه ۰/۸۸ و برای اعتماد افقی، عمودی و نهادی به ترتیب ۰/۸۷، ۰/۷۹ و ۰/۷۴ به دست آمد، لذا پایایی پرسش‌نامه و مؤلفه‌های آن مورد تأیید قرار گرفت.

برای گردآوری اطلاعات در زمینه مبانی نظری و پیشینه پژوهش، از منابع کتابخانه‌ای و نیز شبکه جهانی اطلاعات و جهت جمع‌آوری اطلاعات میدانی، از پرسش‌نامه استفاده شده است. بعد از جمع‌آوری پرسش‌نامه‌ها، به تجزیه و تحلیل داده‌ها به کمک نرم‌افزار آماری SPSS با توجه به آزمون‌های توصیفی و هم‌چنین آزمون T تک‌نمونه‌ای پرداخته شد.

یافته های پژوهش

نمونه مورد پژوهش، تقریباً شامل ۵۶٪ دبیر مرد و ۴۴٪ دبیر زن می باشد. هم چنین طبق داده های به دست آمده از نمونه، تقریباً ۹۰٪ افراد حاضر در مطالعه، سابقه ای بیش از ده سال داشتند (جدول ۱).

جدول ۱) توزیع فراوانی و درصد نمونه پژوهش بر حسب جنسیت و سابقه

متغیر	متغیر	نمونه آماری	درصد نمونه
جنسیت	مرد	۱۰۹	۵۵/۶٪
	زن	۸۷	۴۴/۴٪
سابقه خدمت	کمتر از ده سال	۱۶	۱۰/۱٪
	ده تا بیست سال	۲۹	۱۸/۴٪
	بیشتر از بیست سال	۱۱۳	۷۱/۵٪

در جدول ۲، وضعیت میانگین و انحراف معیار متغیر اعتماد سازمانی و ابعاد آن، شامل اعتماد افقی، عمودی و نهادی را نمایش می دهد و در ادامه از آزمون T تک نمونه ای برای سنجش وضعیت میانگین این متغیر استفاده شده است.

جدول ۲) میانگین و انحراف معیار نمرات متغیر اعتماد سازمانی و ابعاد آن

متغیرها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	میانگین خطای انحراف استاندارد
اعتماد سازمانی	۱۹۶	۳/۴۳	۰/۶۰	۰/۰۴۴
اعتماد افقی	۱۹۶	۳/۷۳	۰/۷۹	۰/۰۵۷
اعتماد عمودی	۱۹۶	۳/۴۱	۰/۶۵	۰/۰۴۷
اعتماد نهادی	۱۹۶	۳/۲۲	۰/۷۵	۰/۰۵۴

با توجه به جدول ۲، در بین ابعاد اعتماد سازمانی، اعتماد افقی با میانگین ۳/۷۳ از میانگین بالاتری نسبت به سایر ابعاد اعتماد برخوردار بوده و اعتماد عمودی با میانگین ۳/۴۱ و اعتماد نهادی با میانگین ۳/۲۲ در مرتبه های بعدی قرار دارند.

در جدول ۳، نتایج آزمون T تک نمونه ای برای متغیر اعتماد سازمانی و ابعاد آن ارائه شده است. بر اساس این جدول که با میانگین نظری (۳) مقایسه شده است میزان آزمون معنادار بوده، یعنی تفاوت معناداری بین میانگین نظری و مقدار محاسبه شده برای

متغیر اعتماد سازمانی و ابعاد آن وجود دارد. بنابراین می توان گفت تمام میانگین های محاسبه شده برای اعتماد، بیش از میانگین نظری در نظر گرفته شده است. در میان ابعاد اعتماد سازمانی، اعتماد نهادی با میانگین ۳/۲۲ پایین ترین میزان را دارا می باشد، یا می توان گفت هر چه از محیط مدرسه به سمت بالای هرم سازمان حرکت می کنیم، میزان اعتماد کاهش پیدا می کند.

جدول ۳) آزمون T تک نمونه ای متغیر اعتماد سازمانی و ابعاد آن

۳= میانگین نظری					نام متغیر	
۹۵٪ فاصله اطمینان		تفاوت میانگین	سطح معناداری Sig	درجه آزادی Df		T
حد بالا	حد پایین					
۰/۵۱	۰/۳۴	۰/۴۳	۰/۰۰۱	۱۹۵	۹/۷۴	اعتماد سازمانی
۰/۵۰	۰/۳۱	۰/۴۱	۰/۰۰۱	۱۹۵	۸/۷۳	اعتماد عمودی
۰/۳۳	۰/۱۲	۰/۲۲	۰/۰۰۱	۱۹۵	۴/۱۱	اعتماد نهادی
۰/۸۵	۰/۶۲	۰/۷۳	۰/۰۰۱	۱۹۵	۱۲/۵۰	اعتماد افقی

برای مقایسه میزان اعتماد بر حسب جنسیت از آزمون T مستقل استفاده شده است. در جدول ۴، نتایج میانگین بر حسب جنسیت و جدول ۵، نتایج آزمون T مستقل در مورد تفاوت سطح اعتماد در دبیران زن و مرد را نشان می دهد.

جدول ۴) میانگین و انحراف معیار بر حسب جنسیت

متغیر	جنسیت	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	میانگین خطای انحراف استاندارد
اعتماد سازمانی	مرد	۱۰۷	۳/۲۵	۰/۶۰	۰/۰۵۸
	زن	۸۰	۳/۶۷	۰/۵۲	۰/۰۵۸

جدول ۵) نتایج آزمون T درباره تفاوت اعتماد سازمانی بر حسب جنسیت

T نتایج آزمون			آزمون لوین برای برابری واریانس ها		متغیرها		نسبت
			مقدار F	سطح معناداری			
سطح معناداری	درجه آزادی	مقدار T	۰/۱۴	۲/۲۴	برابری واریانس	اعتماد سازمانی	
۰/۰۰۱	۱۸۵	-۵/۰۹			نابرابری واریانس		
۰/۰۰۱	۱۸۰/۸۹	-۵/۱۹					

بر اساس نتایج حاصل از آزمون لوین^۱ برای سنجش برابری یا عدم برابری واریانس ها برای اعتماد سازمانی مقدار به دست آمده در سطح معناداری ۰/۰۵، فرض برابری واریانس ها پذیرفته می شود. با در نظر گرفتن فرض برابری واریانس ها، فرضیه صفر رد و فرضیه پژوهش، مبنی بر این که بین میانگین دو جامعه دبیران زن و مرد از اعتماد سازمانی تفاوت وجود دارد، پذیرفته می شود. به بیان دیگر می توان گفت میانگین اعتماد در دبیران زن نسبت به دبیران مرد، بیشتر است.

نتیجه گیری

اعتماد مهم ترین شاخص سرمایه اجتماعی است که به میزان زیادی به اعتماد گروهی و اعتماد درون سازمان ها وابسته است و یکی از نهادهای تأثیرگذار بر سطح اعتماد جامعه، آموزش و پرورش است که در رأس آن، مدرسه به عنوان مرکز مهم فرهنگی جامعه است. اعتماد، لازمه شکل گیری تعاملات صحیح و سلامت سازمانی است که سبب ایجاد محیطی مناسب و امن برای فعالیت در راستای اهداف فردی و سازمانی است و شکل گیری آن، نیازمند رابطه بلندمدت و باثبات فرد و سازمان است. بررسی ها نشان می دهد میزان اعتماد نهادی و عمودی، نسبت به اعتماد افقی در سطح پایین تری قرار دارد و از آن جایی که اعتماد در یک سطح بر اعتماد در سطح دیگر نیز اثر می گذارد، باید تلاش شود تا اعتماد به مدیران و هم چنین اعتماد نسبت به سازمان بهبود یابد که

این مهم در اثر تعامل بلندمدت و حمایت‌های مناسب مدیران و سازمان از کارکنان‌شان، حاصل می‌شود.

امروزه اهمیت اعتماد بر کسی پوشیده نیست و وجود اعتماد یکی از لوازم مهم موفقیت هر سازمان در رسیدن به اهداف و چشم‌اندازهای تعریف شده است. اعتماد نیروی بالقوه‌ای است که اگر به درستی هدایت شود می‌تواند باعث تحول عظیم در سازمان‌ها شود. اعتماد به سازمان که اعتماد به برنامه‌های کلان، خط‌مشی‌ها و رفتار باثبات مدیران ارشد هر سازمان است، در سطح پایین‌تری نسبت به سایر سطوح اعتماد سازمانی است که می‌تواند سرمایه اجتماعی و اعتماد نسبت به سایر نهادها و حاکمیت را کاهش دهد. اعتماد به سازمان تا حد زیادی در گروه اعتماد افراد به مدیران و مدیران ارشد است و وجود ثبات در گفتار و رفتار مدیران ارشد، بر میزان اعتماد افراد نسبت به سازمان تأثیرگذار است؛ یعنی راه‌های افزایش سطح اعتماد در سازمان، شامل ثبات در برنامه‌ریزی و اهداف، رعایت عدالت در برخوردها و پای‌بندی و تعهد شخصی مدیران به راهبردها و مأموریت‌های سازمانی خواهد بود.

اعتماد عمودی یا اعتماد به مدیر مستقیم و مدیران میانی نسبت به اعتماد به همکاران، در سطح پایین‌تری قرار دارد. مدیران با عمل به وعده‌ها و برآوردن خواسته‌های کارکنان، تا حد توان و تلاش برای رفع نیازهای آن‌ها می‌توانند به افزایش اعتماد در درون سازمان کمک کنند. شیوه‌های ارتباطی رهبران، بر اعتماد پیروان نسبت به آنان تأثیر می‌گذارد. شاید مهم‌ترین نکته در ایجاد اعتماد عمودی، رعایت عدالت در برخوردها و عدالت در ارزشیابی‌هاست که اگر به درستی انجام نشود، سبب شکستن فضای اعتماد بین مدیر و کارکنان می‌شود. با توجه به نتایج تحقیق، اعتماد به همکاران در بستری از صمیمیت و همکاری شکل می‌گیرد و لازمه افزایش آن، افزایش فعالیت‌های گروهی و داشتن رابطه بلندمدت در زمینه فعالیت‌های آموزشی است.

اعتماد در سازمان بر پایه‌هایی مانند صداقت، شایستگی و خیرخواهی استوار است که اگر این ارکان به درستی شکل گیرد، اعتماد درون سازمان تقویت خواهد شد. به عنوان مثال، افزایش شایستگی‌های حرفه‌ای و اخلاقی مدیران سبب افزایش اعتماد کارکنان

به آن مدیر خواهد شد، یا افزایش صداقت در برخوردها بین مدیر و کارمند، سبب تقویت حس اعتماد در سازمان می شود. البته شاید به طور مشخص نتوان اعتماد به سازمان را از اعتماد به مدیران (به خصوص مدیران ارشد) جدا دانست، لذا این نکته حائز اهمیت است که مجموع عوامل، از جمله جو و فرهنگ حاکم بر سازمان و رفتار و قول های مدیران، همه بر افزایش یا کاهش سطح اعتماد نهادی نیز مؤثر خواهد بود.

اهمیت اعتماد در پیوند دادن اهداف فرد به سازمان است که ضمن برآورده شدن نیازهای فرد و افزایش رضایت و کاهش تنش ها و استرس شغلی، سبب تسهیل دستیابی سازمان به اهداف مورد نظر می شود. با توجه به نقش محوری اعتماد در جامعه و در سازمان، لازم است تا مدیران حداکثر توان خود را برای افزایش سطح اعتماد به کار گیرند. اعتماد فرایندی بلندمدت است که در بستری از تعاملات دو یا چندجانبه شکل می گیرد و توجه به عوامل شکل دهنده و فرایند شکل گیری آن از اهمیت فراوانی برخوردار است. صداقت، عدالت، شایستگی، خیرخواهی و ثبات از کلیدی ترین نکات، در شکل گیری اعتماد در تعاملات همکاران و مدیران است.

با توجه به نتایج عملی و نظری پژوهش و با نظر به این که اعتماد به سازمان و اعتماد به مدیران در سطح پایین تری قرار دارد، در پایان به دو نکته کاربردی که به افزایش اعتماد بین کارکنان در سازمان کمک می کند، اشاره می شود. یک نکته مهم در افزایش اعتماد به مدیران، رعایت عدالت در برخوردها و ارزشیابی ها و هم چنین برقراری نظام شایسته سالاری و تقدیر و تشکر از کارکنانی است که تلاش بیشتری دارند و نکته دوم، داشتن برنامه ریزی دقیق و با ثبات مدیران ارشد سازمان، در مورد کارکنان و نحوه ارتقاء و پاداش دهی به آن ها می باشد. در پایان پیشنهاد می شود مدیران در هر سطحی در برخورد با کارکنان، عدالت را رعایت کنند و انتصاب یا ارتقاء در درون سازمان را بر حسب شایستگی افراد انجام دهند. مدیران باید به وعده هایی که به کارکنان می دهند عمل کرده و در صورت ناتوانی، علت عدم انجام وعده ها را توضیح دهند و همواره به صداقت در برخوردها و شفافیت در عملکرد در محیط کار، اهمیت دهند.

منابع

- احمدی مهربانی، محمدرضا (۱۳۸۱). "مدیریت بر مبنای اعتماد". توسعه مدیریت، دوره ۴۶ (بهمن): ۳۷-۴۰.
- اوفه، کلاس (۱۳۸۴). سرمایه/اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه. ترجمه حسن پویان و افشین خاکباز. تهران: شیرازه.
- زتومکا، پیوتر (۱۳۸۴). اعتماد، نظریه جامعه‌شناختی. ترجمه غلامرضا غفاری. تهران: شیرازه.
- Atkinson, S.; Butcher, D. (2003). "Trust in managerial relationship". Journal of managerial psychology, Vol. 18, No. 4: 283- 304.
- Creed, W. E. D.; Miles, R. E. (1996). "A Conceptual Framework Linking Organizational Forms, Managerial Philosophies and the Opportunity Costs of Controls". Frontiers of Theory and Research, Sage Publications, Thousand Oaks: 16-38.
- Dietz, G.; Hartog, D. N. (2006). "Measuring trust inside organizations". Personnel Review, Vol. 35, No. 5: 557-588.
- Ellonen, R.; Blomqvist, K.; Puumalainen, K. (2008). "The role of trust in organizational innovativeness". European Journal of Innovation Management, Vol. 11, No. 2: 160-181.
- Hart, P.; Cooper, C. (2001). "Occupational stress: Toward a more integrative Framework". Handbook of industrial work and organizational psychology. Thousand Oaks, CA: Sage: 91-105.
- Krot, K.; Lewicka, D. (2012). "The Importance of trust in manager-employee relationship". International Journal of Electronic Business Management, Vol. 10, No. 3: 224-233.
- Lamsa, A. M.; Pucetait, R. (2006). "Development of organizational trust among employees from a contextual perspective". Business

- Ethics, Vol. 15, No. 2: 130- 141.
- Robbins, S. P., (2003), "organizational Behavior", New Dehli: practice, Published by Prentice Hall. Retrieved from <http://www.abebooks.com>. [2015/1/7].
 - Ronald, W. P.; Lawrence, D. M. (2007). "Organizational Trust, Trust in the chief executive and work satisfaction". Public Personnel Management, Vol. 36, No. 2: 165-182.
 - Ruder, Gary J. (2003). "The Relationship among Organizational Justice, Trust, and Role Breadth Self-Efficacy", Dissertation, Virginia: March.
 - Shockley-Zalabak, P.; Ellis, K.; Winograd, G. (2000). "Organizational trust: what it means, why it matters". Organization Development Journal, Vol. 18, No. 4: 35-48.
 - Smith, P. A.; Birney, L. L. (2005). "The organizational trust of elementary schools and dimensions of student bullying". International Journal of Educational Management, Vol. 19, No. 6: 469-485.
 - Tan, H. H.; Lim, A. K. H. (2009). "Trust in coworkers and trust in organizations". Journal of Psychology, Vol. 11, No. 143: 45-66.
 - Tan, H. H.; Tan, C. S. F. (2000). "Toward the differentiation of trust in supervisor and trust in organization". Genetic, Social, and General Psychology Monographs, Vol. 126, No. 2: 241-260.
 - Tyler, R. (2003). "Trust within organizations". Personnel Review, Vol. 32, No. 5: 556-568.
 - Van Maele, D.; Van Houtte, M. (2009). "Faculty Trust and Organizational School Characteristics: An Exploration across Secondary Schools in Flanders". Educational Administration

Quarterly, Vol. 11, No. 45: 556-590.

- Whitener, E. M. (1997). "The Impact of Human Resource Activities on Employee Trust". Human Resource Management Review, Vol. 2, No. 7: 389-404.
- Whitener, E. M. (2001). "Do high commitment human resource practices affect employee commitment? A cross-level analysis using hierarchical linear modeling". Journal of Management, Vol. 27, No. 5: 515-535.

استانی شدن انتخابات؛ تمرکزگرایی یا تمرکززدایی، با تأکید بر حوزه های انتخابیه استان خراسان جنوبی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۴/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۷/۲۸

قاسم اکبری^۲

عمران راستی^۳

جواد میکانیکی^۴

چکیده

موضوع طراحی و گزینش یک نظام انتخاباتی مطلوب و کارآمد همواره از دغدغه ها و مباحث مهم در میان صاحب نظران عرصه جغرافیای انتخابات و مسئولین امر بوده است و اندیشمندان و صاحب نظران این حوزه، نظریات گوناگونی در این خصوص مطرح داشته اند. در همین راستا در کشور ما نیز، طرح استانی شدن انتخابات مجلس شورای اسلامی قریب به دو دهه در ادوار مختلف مجلس، مطرح و عرصه ای برای تقابل استدلال های موافقان و مخالفان این طرح بوده است. طراحان این طرح، از طریق تغییر حدود و مقیاس حوزه های انتخابیه از سطح فعلی شهرستان ها به سطح استان، در صدد رسیدن به اهدافی از جمله ارتقای سطح کیفی مجلس، ارتقای فرهنگ تحزب، افزایش میزان مشارکت مردم و احزاب در انتخابات، کاهش تخلفات انتخاباتی نظیر خرید و فروش رأی و جری مندرینگ، کاهش رقابت های خشونت آمیز فرقه ای و قومی و نهایتاً دستیابی به نظام انتخاباتی عادلانه تر هستند. علی رغم مزایا و محاسن ذکر شده از سوی موافقان، معایب و کاستی های فراوانی نیز از جانب مخالفان مطرح شده که هر یک در جای خود قابل تأمل اند و نشان می دهد که برخلاف داشتن اهداف خوب و عادلانه، این طرح پیامدهای منفی و گاه ناعادلانه متعددی نیز به دنبال خواهد داشت. در این

۱. مقاله حاضر، برگرفته از پایان نامه ی دوره ی کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی دانشگاه بیرجند تحت عنوان «تغییر مقیاس

انتخابات پارلمانی به مقیاس استانی؛ محاسن و معایب؛ مطالعه موردی: استان خراسان جنوبی» می باشد.

gh.akbari10@gmail.com

۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی دانشگاه بیرجند

orasti@birjand.ac.ir

۳. استادیار جغرافیای سیاسی دانشگاه بیرجند

javadmikaniki@birjand.ac.ir

۴. دانشیار جغرافیای برنامه ریزی روستایی دانشگاه بیرجند

پژوهش به روش توصیفی- تحلیلی به بررسی یکی از ابعاد پیامدهای اجرای این طرح در زمینه تمرکزگرایی و تمرکززدایی در سطح استان ها پرداخته می شود. تجزیه و تحلیل یافته ها حاکی از آن است که طرح استانی شدن انتخابات، علی رغم اهداف و دعاوی طراحان و موافقان، سبب تشدید تمرکزگرایی در سطح ملی و استانی، انزوای مناطق حاشیه ای و کم جمعیت و کاهش مشارکت مردم این مناطق در انتخابات، بویژه انتخابات مجلس شورای اسلامی خواهد شد. تحلیل و مقایسه وزن آرای حوزه های انتخابیه استان خراسان جنوبی با یکدیگر، بیانگر غلبه فاحش دو شهرستان بیرجند و قاینات و علی الخصوص شهر بیرجند بر سایر مناطق و حوزه های انتخابیه استان است که در صورت استانی شدن انتخابات، توجه و تمرکز شدید همه ی کاندیداها به این شهر و مغلوب شدن سایر حوزه ها در برابر وزن بالای آن، علاوه بر تشدید تمرکزگرایی، با توجه به پراکنش و بافت قومی استان، تنش آفرین خواهد بود.

واژگان کلیدی: تمرکز گرایی، تمرکززدایی، استانی شدن انتخابات مجلس شورای اسلامی، خراسان جنوبی

مقدمه

امروزه اغلب نظام های سیاسی جهان، مدعی مردم سالاری یا به نوعی دارای سطوح مختلفی از دموکراسی اند. دموکراسی، جغرافیایی ترین شکل حکومت به شمار می رود (کاوایانی راد و عزیزی کاوه، ۱۳۹۲: ۱) که مبتنی بر باور به خاستگاه مردمی قدرت است و امروزه مشروعیت و اعتبار این نظام ها و احزاب سیاسی در سطح ملی و فراملی، با پایگاه مردمی و مقبولیت آنها سنجیده می شود. در این راستا، اساسی ترین معیار سنجش دموکراتیک بودن نظام های سیاسی، حق رأی شهروندان در انتخاب یا برکناری حکومت و حکومت کنندگان در همه سطوح به شمار می رود (جونز، جونز و وودز، ۱۳۸۶: ۲۵۲). به دیگر سخن، انتخابات مجرای ارتباطی میان حکومت کنندگان و مردم تحت لوای حکومت است (تیلور و جانستون، ۱۳۸۶: ۱۶).

در نظام های دموکراتیک کشورهای مختلف، مجلس قانون گذاری تأسیس شده است

که افراد منتخب به نمایندگی عامه در آن حضور می یابند تا به تصویب قوانین بپردازند. مجلس شورای اسلامی که طبق قانون اساسی، یکی از قوای سه گانه نظام جمهوری اسلامی ایران معرفی شده، مهمترین نماد و مظهر دموکراسی در جمهوری اسلامی ایران است که نه تنها اقوام و گروهها و احزاب سیاسی ایران، بلکه حتی اقلیت های دینی ساکن کشور نیز در آن دارای نماینده می باشند. انتخاب این نمایندگان در چارچوب قوانین و مقررات انتخاباتی و فرایندی صورت می گیرد که متأثر از نظام سیاسی، قانون اساسی و به تبع نظام انتخاباتی خاص کشور است.

قوانین و نظام انتخابات در همه کشورها دارای نقاط قوت و ضعف گوناگونی بوده که در گذر زمان و تجربه انتخابات مختلف، خود را نمایان می کنند و طبیعتاً انتخابات ایران نیز با سابقه بیش از یک قرن برگزاری انتخابات و تجربه چندگونه مختلف نظام سیاسی، از این قاعده مستثنی نیست (احمدی پور و خوجم لی، قرنجیک، ۱۳۹۲: ۶۱۲). نظام انتخاباتی فعلی مجلس شورای اسلامی ایران که جزء خانواده نظام اکثریتی (اکثریت نسبی) به شمار می رود (غمامی، ۱۳۹۰: ۳۵)، دارای کاستی ها و نواقص نظری و عملی متعددی است. از این رو، در دوره های گوناگون مجلس، نمایندگان کوشیده اند تا اصلاحاتی را در مقررات انتخاباتی انجام دهند که برطرف کننده نیازهای شرایط سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی کشور باشد. در این راستا، طرح تغییر نظام انتخاباتی مجلس شورای اسلامی به استانی، در جهت دستیابی به نظام انتخاباتی کارآمد و عدالت محور در دوره های مختلف مجلس شورای اسلامی مطرح و با فراز و فرودهایی همراه و عرصه ی تقابل استدلال های موافقان و مخالفان، پیرامون محاسن و معایب اجرای این طرح بوده است.

یکی از پیامدهای منفی اجرای این طرح از نظر منتقدان، تشدید تمرکزگرایی به سمت مراکز استان ها و کم توجهی به مناطق کم جمعیت و حاشیه ای است. از این منظر، توجه و تمرکز کاندیداها به مراکز استان برای کسب پیروزی، ارجحیت یافتن مطالبات مراکز استان بر سایر مناطق به دلیل تعیین کنندگی در نتیجه نهایی انتخابات و تعیین تکلیف مراکز برای سایر شهرستان ها، علاوه بر کاهش مشارکت مردم مناطق

کم جمعیت، به دلیل ایجاد حس سرخوردگی، انفعال و عدم تأثیرگذاری در مناطق کم جمعیت در نتایج انتخابات، سبب تشدید تمرکزگرایی به سود مراکز استان ها در ابعاد گوناگون می شود.

تمرکزگرایی به تجمیع و انحصار قدرت سیاسی گفته می شود که اغلب با مرکزیت گرایی جغرافیایی یا پایتخت و مراکز استان، همراه و همگام است (شیرودی، ۱۳۸۷: ۳). در این شیوه خاص اعمال مدیریت، حکومت تمامی اختیارات از تصمیم گیری تا برنامه ریزی و اجرا را در دستگاه دیوان سالاری واحد متمرکز می کند.

مسأله تمرکزگرایی در کشورهای مختلف بویژه جهان سوم به دو صورت عمده بیان می شود: اول، تمرکز مدیریت و تصمیم گیری برای تخصیص امکانات و منابع یا "تمرکز کارکردی" و دوم، تمرکز در بعد فضایی از حوزه های پیرامونی به مراکز اصلی یا "تمرکز فضایی" (روستایی، ۱۳۷۷: ۸۹). تمرکز فضایی عبارت است از توزیع جغرافیایی درآمدهای دولتی، صنایع، تجارت، جمعیت و اشتغال در یک یا چند مکان معین (شکویی، ۱۳۸۴: ۴۰۳).

تصمیم گیری متمرکز که از بطن تمرکزگرایی سیاسی برمی آید، موجد نظام اطلاعات متمرکز و به تبع آن برنامه ریزی متمرکز می شود و این برنامه ریزی متمرکز نیز، تمرکز اداری، تجاری و تولیدی را به وجود می آورد. تمرکزگرایی در بعد جمعیتی، تمرکزگرایی خدماتی در ابعاد بهداشتی، آموزشی، خدمات عمومی و غیره را در بردارد و این روند باعث تداوم عدم تعادل بین مناطق می گردد (افروغ، ۱۳۷۳: ۱۳۱). کشور ما ایران از جمله کشورهایی است که بر اساس نظام متمرکز اداره می شود. بررسی الگوی توسعه فضایی در ایران بیانگر آن است که ساختار فضایی کشور دارای دو بخش مرکز و پیرامون است. به طوری که این ساختار در درون خود زیرنظام هایی را دارد که در مقیاس پایین تر قابل تقسیم به بخش های مرکز و پیرامون است. این مرکز - پیرامون به طور موزون و هماهنگ توسعه نیافته اند، بلکه یک رابطه استعماری بین مرکز و نواحی پیرامونی برقرار بوده است (اسدزاده، ۱۳۹۲: ۵). تجمع و انحصار فزاینده قدرت در مراکز و بویژه پایتخت، ضمن طولانی ساختن روند بوروکراتیک سیاست گذاری ها، تصمیمات و اقدامات، کارایی

و انعطاف‌پذیری این گونه سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌ها را بویژه در جوامعی با تنوع قومی، جغرافیایی، فرهنگی و ... با چالش‌هایی گاهاً جدی مواجه می‌سازد و علاوه بر آن، سبب تجمع و تمرکز سرمایه‌ها، امکانات و فرصت‌ها در مراکز خاص بویژه پایتخت و شکل‌گیری بخش‌های متضاد مرکز-پیرامون، برخوردار-نابرخوردار و ... شده و رشد و توسعه نامتوازن بخش‌های مختلف کشور را به دنبال خواهد داشت.

نقطه مقابل تمرکزگرایی، تمرکززدایی است که عبارت است از انتقال یا واگذاری اختیارات برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری و مدیریت از دولت مرکزی یا کارگزاری‌های وابسته آن به سازمان‌های میانی، مقامات محلی، واحدهای تابعه دولت - مقامات اجرایی یا سازمان‌های غیردولتی (سرور، بی‌تا) و در ساده‌ترین و خلاصه‌ترین تعریف، رساندن تجمع قدرت به حد نازل (گولد و کولب، ۱۳۸۴: ۲۶۹). امروزه تمرکززدایی و واگذاری اختیارات به سطوح پایین در سیاست‌گذاری‌های کشورهای توسعه یافته نهادینه شده و حتی این امر طبق گزارش سازمان‌هایی نظیر بانک جهانی، به عنوان یک استراتژی توسعه محسوب می‌گردد (اطاعت و موسوی، ۱۳۸۹: ۹۲). اساس تقسیم و تفویض اختیارات در این سیاست، بر این اصل است که ناحیه‌ها و منطقه‌های بزرگ تنها به اموری بپردازند که جامعه‌های محلی کوچک توانایی انجام آن را ندارند. با حاکم شدن و عملی‌گشتن نگرش تمرکززدایی، ضمن تفویض برخی اختیارات به سطوح پایین‌تر، علاوه بر کاهش فرایندهای پیچیده و اغلب غیرضروری بوروکراتیک، چابکی و کارایی تصمیمات و اقدامات اجرایی افزایش یافته و هم‌چنین توزیع مناسب قدرت در سطوح مختلف به توزیع متناسب فرصت‌ها، امکانات، سرمایه‌ها و ... نهایتاً به توسعه موزون و پایدار می‌انجامد.

بیان مسأله

با وجود سابقه انتخابات استانی، در انتخابات "مجلس شورای ملی" پس از مشروطه و "مجلس سنا" قبل از انقلاب اسلامی، طرح این موضوع پس از انقلاب، به مجلس پنجم برمی‌گردد و در دوره‌های بعدی نیز در دستور کار مجلس قرار گرفته و هر بار با ایراداتی

از سوی شورای نگهبان مواجه شده است (مجلس شورای اسلامی، مرکز پژوهش، دفتر مطالعات حقوقی، ۱۳۸۹). پس از قریب به دو دهه فراز و فرود، طرح استانی شدن انتخابات در مجلس نهم نیز مطرح گردید و در نهم آذر ۱۳۹۳ با یک فوریت آن در مجلس شورای اسلامی موافقت شد (طرح استانی شدن حوزه‌های انتخابیه انتخابات مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۳) و با ارجاع به کمیسیون تخصصی پس از بررسی و اصلاحات نهایی در تاریخ ۱۳۹۴/۱/۲۳ با اصلاحاتی در کمیسیون به تصویب رسید و جهت طرح در صحن علنی تقدیم شد. در تاریخ ۱۳۹۴/۱/۲۹ پیشنهادات اصلاحی تعدادی از نمایندگان پیرامون این طرح در مجلس مطرح شد و پس از اصلاحات در عنوان و محتوا، در جلسه علنی مورخ ۱۳۹۴/۳/۳۱ طرح یک فوریتی استانی - شهرستانی شدن حوزه‌های انتخابیه انتخابات مجلس شورای اسلامی با ۱۵۳ رأی موافق، ۲۷ رأی مخالف و ۹ رأی ممتنع از مجموع ۲۲۱ نماینده حاضر، به تصویب رسید و جهت اظهار نظر به شورای نگهبان فرستاده شد (مصوبه مجلس شورای اسلامی درباره طرح استانی شدن حوزه‌های انتخابیه انتخابات مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۴).

طبق این مصوبه، محدوده جغرافیایی هر استان به عنوان حوزه انتخابیه اصلی و حوزه‌های انتخابیه موجود تابعه استان به عنوان حوزه‌های انتخابیه فرعی محسوب می‌شوند و رأی‌دهندگان در هر حوزه انتخابیه می‌توانند به تعداد نمایندگان لازم برای استان از بین نامزدهای انتخاباتی استان، یعنی برای کلیه کرسی‌های استانی، نمایندگان مورد نظر خود را انتخاب کنند. از هر حوزه انتخابیه موجود در حوزه استانی، نامزد یا نامزدهایی که حداقل ۱۵٪ آرای صحیح مأخوذه حوزه انتخابیه ثبت نام شده خود را کسب کنند و بالاترین رأی را در کل استان به دست آورند، نماینده یا نمایندگان استان از آن حوزه انتخابیه محسوب می‌شوند. البته حوزه‌های انتخابیه اقلیت‌های دینی از شمول این قانون مستثنی هستند (همان). این طرح که از طریق تغییر و تعیین حدود جدید حوزه‌های انتخابیه در پی کسب اهدافی نظیر ارتقای سطح کیفی مجلس، افزایش میزان مشارکت عمومی در انتخابات و جلوگیری از وقوع برخی تخلفات هم‌چون خرید رأی است (مجلس شورای اسلامی، مرکز پژوهش، دفتر مطالعات حقوقی، ۱۳۹۲)، یکی از بحث برانگیزترین موضوعات

در دوره‌های اخیر قانون‌گذاری بوده و موافقان و مخالفان آن استدلال‌های گوناگونی در خصوص آن ارائه نموده‌اند. از سویی، موافقان این طرح معتقدند با اجرای این طرح، نمایندگان به وظایف اصلی خود پرداخته و کارایی مجلس افزایش خواهد یافت، رقابت‌های خشونت‌آمیز فرقه‌ای و قومی کاهش یافته، نظام انتخاباتی عادلانه‌تر شده و در جهت انطباق بیشتر با قانون اساسی اصلاح می‌شود، فرهنگ تحزب در کشور تقویت می‌شود، هزینه اجرایی انتخابات کاهش می‌یابد، تخلفاتی نظیر خرید رأی، جری مندرینگ^۱ و ... کاهش یافته و نامزدهای با صلاحیت و شایسته‌تر به مجلس راه خواهند یافت. در مقابل، منتقدان و مخالفان این طرح بر این باورند که اجرای این طرح سبب شرکت و پیروزی کاندیداهای برخوردار از امکانات مالی و دولتی، افزایش هزینه‌های انتخاباتی، بی‌پاسخ ماندن خواسته‌های مردم، افزایش تنش‌ها، در حاشیه قرار گرفتن شهرستان‌های کم جمعیت و کاهش مشارکت مردم خواهد شد.

اگر چه این بار نیز، در اظهار نظر جلسه شورای نگهبان مورخ ۱۳۹۴/۴/۱۰ این طرح از نظر آن شورا با ایراداتی مواجه و بعضی مفاد آن مغایر با شرع و قانون اساسی خوانده و نهایتاً رد شد (نظر شورای نگهبان در خصوص طرح استانی - شهرستانی شدن حوزه‌های انتخابیه مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۴)، اما ماهیت کلی این طرح و توجه نمایندگان به آن در ادوار مختلف مجلس، پرداختن به ابعاد مختلف این طرح را ایجاب می‌کند که در این مقال، در حد بضاعت، به واکاوی یکی از ابعاد احتمالی اجرای آن در زمینه تأثیر بر تمرکزگرایی یا تمرکززدایی در سطح استان‌ها و به صورت موردی، استان خراسان جنوبی با توجه به ویژگی‌های جمعیتی آن پرداخته می‌شود.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نظر هدف از نوع کاربردی بوده و ماهیتاً از نوع تحقیقات توصیفی-تحلیلی است که به روش پیمایشی، با استفاده از اسناد کتابخانه‌ای، استناد به آمارهای

1. Jerry Mandring

ترسیم جانب‌دارانه حوزه‌های انتخاباتی به نفع شخص یا گروهی خاص و جلوگیری از پیروزی رقیب با این عمل، اصطلاحاً جری مندرینگ نامیده می‌شود.

رسمی، به کارگیری شیوه های پرسش نامه، مصاحبه و استفاده از نظر نخبگان و کارشناسان انجام شده است. سوابق طرح و مبانی نظری آن از طریق منابع کتابخانه ای مورد مطالعه قرار گرفته، اثرات و پیامدهای اجرای آن با مراجعه به نظر کارشناسان و نخبگان، تهیه پرسش نامه، توزیع در جامعه آماری انتخاب شده و تجزیه و تحلیل داده های آن و هم چنین نتایج رسمی نهمین و دهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی در حوزه های انتخابیه تک کرسی و چندکرسی چهار استان پرجمعیت و چهار استان کم جمعیت کشور و بالأخص حوزه های انتخابیه ی استان خراسان جنوبی، با استفاده از نرم افزارهای SPSS و Excell انجام و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. جامعه آماری این پژوهش، دانشجویان دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته های علوم سیاسی و کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی دانشگاه بیرجند بوده که با توجه به حجم جامعه (۲۲۵ نفر) تمام شماری انجام گرفت. ابزار مورد استفاده پرسش نامه بوده که با توجه به این که پرسش نامه از قبل طراحی شده ای برای این موضوع یافت نشد، متناسب با چهار فرضیه تحقیق، پرسش نامه محقق ساخته ای با مقیاس پنج طیفی لیکرت، حاوی ۴۸ سؤال و شامل چهار مؤلفه اصلی تأثیر استانی شدن انتخابات بر میزان مشارکت احزاب، کاندیداها و مردم؛ تأثیر بر احتمال پیروزی کاندیداهای خاص؛ مسائل و مشکلات فراروی طرح و تأثیر اجرای این طرح بر تمرکزگرایی، توسط محقق طراحی و استفاده شد.

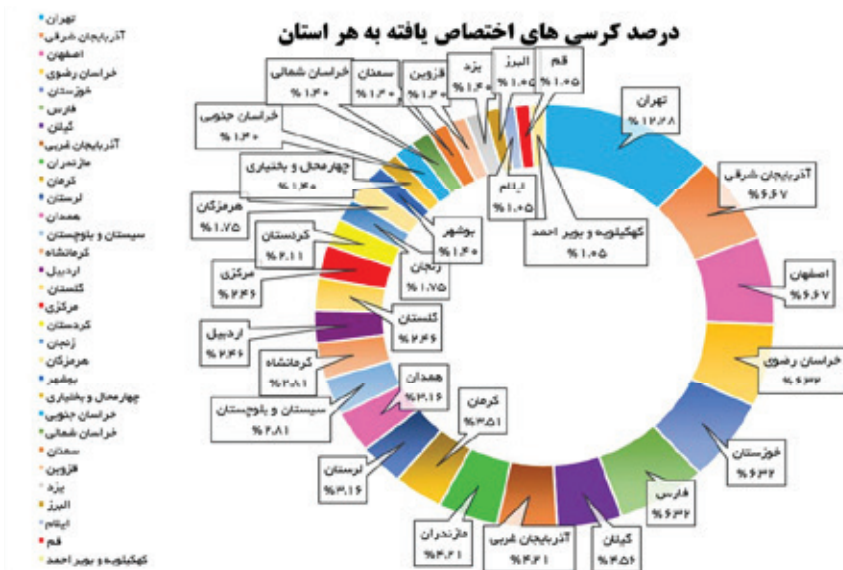
روایی این پرسش نامه با مراجعه به صاحب نظران و اساتید محترم جغرافیای سیاسی مورد تأیید قرار گرفت و برای پایداری آن از آلفای کرونباخ استفاده شد که نتیجه آن برای هر یک از مؤلفه های مورد سنجش در پرسش نامه بیشتر از مقدار $0/7$ به دست آمد. از آنجایی که گویه های مربوط به متغیرهای اصلی تحقیق دارای مقیاس ترتیبی و آزمون های مربوط به این گویه ها از نوع ناپارامتریک است و هم چنین، با توجه به این که متغیرهای اصلی پژوهش، از میانگین این گویه ها به دست آمده اند، بنابراین مقیاس آن ها از نوع فاصله ای است. جهت بررسی نرمال بودن توزیع متغیرها، آزمون کولموگروف اسمیرنوف به عمل آمد و نتیجه آزمون نشان داد که داده های مربوط به

متغیرهای اصلی تحقیق، از توزیع نرمال تبعیت نمی کند. بنابراین در بررسی فرضیه ها، از آزمون های ناپارامتری کای اسکور و ویلکاکسون استفاده شد.

یافته های پژوهش

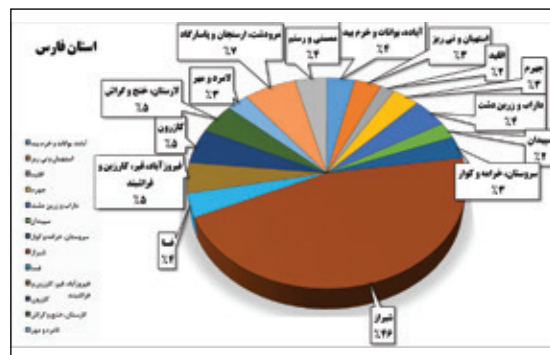
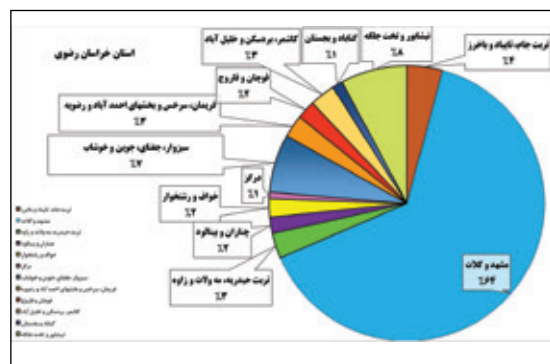
تمرکز و پراکنش آراء و کرسی ها در انتخابات مجلس شورای اسلامی

بر اساس تحلیل نتایج نهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی، در خصوص وضعیت تمرکز و پراکنش آراء و کرسی های پارلمانی، وضعیت کلی استان های کشور (نمودار ۱)، و سپس برای نمونه به چهار استان تهران، خراسان رضوی، اصفهان و فارس که به ترتیب، پرجمعیت ترین و استان های ایلام، خراسان جنوبی، سمنان، کهگیلویه و بویراحمد و خراسان شمالی، که جزو کم جمعیت ترین استان های کشورند، در نمودارهای شماره ۲ و ۳ نشان داده شده است. در اینجا استان خراسان جنوبی نیز به طور جداگانه مورد بحث قرار می گیرد.

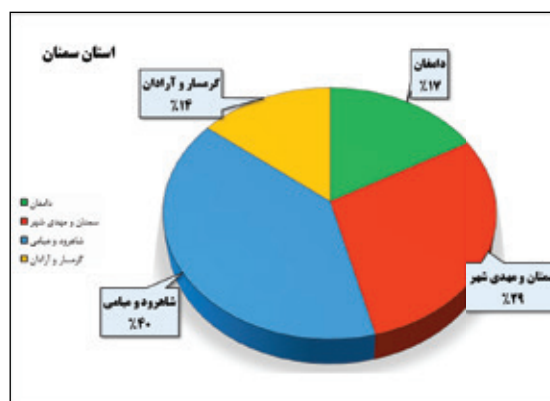


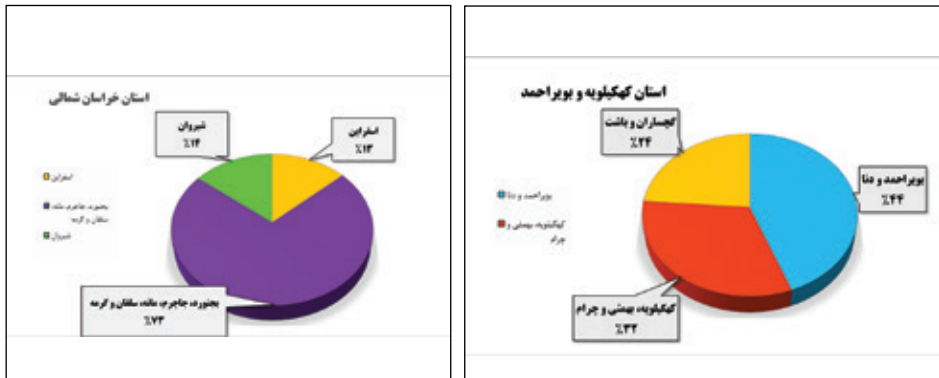
نمودار ۱) درصد سهم هر یک از استان های کشور از کرسی های مجلس شورای اسلامی بر اساس

نتایج نهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی، ترسیم: (نگارندگان، ۱۳۹۵)



دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی، ترسیم: (نگارندگان، ۱۳۹۵)





نمودار ۳) نسبت سهم (وزن) حوزه های انتخابیه چند استان کم جمعیت کشور بر اساس نتایج نهمین

دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی، ترسیم: (نگارندگان، ۱۳۹۵)

با مطالعه و بررسی پراکنش کرسی های پارلمانی در حوزه های انتخابیه مجلس شورای اسلامی در سطح کشور و هم چنین در سطح استان ها، دو نوع از تجمع و تمرکز یا به عبارتی دو سطح از تمرکزگرایی به چشم می خورد. سطح کلان و کشوری نشان دهنده ثقل و تمرکز آراء و کرسی ها به سمت استان های پرجمعیت به ویژه تهران است (نمودار شماره ۱). به عنوان مثال، استان تهران که دارای ۳۵ کرسی نمایندگی مجلس است به تنهایی از مجموع کرسی های ۹ استان خراسان جنوبی، خراسان شمالی، سمنان، قزوین، یزد، البرز، ایلام، قم و کهگیلویه و بویراحمد بیشتر و بالطبع، در تصمیم گیری ها تأثیرگذارتر است. پس از استان تهران، به ترتیب استان های آذربایجان شرقی و اصفهان با ۱۹ کرسی، خراسان رضوی، خوزستان و فارس با ۱۸ کرسی، گیلان با ۱۳ کرسی، آذربایجان غربی و مازندران با ۱۲ کرسی، بیشترین سهم از کرسی های مجلس شورای اسلامی را در اختیار دارند. پراکنش و تمرکز تعداد کرسی ها به گونه ای است که تنها ۱۰ استان از میان ۳۰ استان کشور بیش از نیمی از کرسی های را در اختیار داشته و از این حیث بر ۲۱ استان دیگر غلبه دارند. اگر چه این وضعیت متناسب با جمعیت هر استان در حال حاضر وجود داشته و ارتباطی به استانی شدن انتخابات ندارد، لیکن نگاهی به وضعیت پراکنش درون هر یک از این استان ها، جالب توجه است.

سطح دیگر و مهم این تمرکز، در سطح خود استان ها به چشم می خورد که تمرکز یاد شده به سمت مراکز استان است (نمودارهای ۲ و ۳) و یک یا دو حوزه انتخابیه که مرکز استان و یا شهرهای پرجمعیت است بر سایر حوزه ها، علی رغم تعداد فراوان شان غلبه دارد و این مورد، بدون استثناء در همه استان های کشور مشاهده می شود.

انتخابات در استان خراسان جنوبی

مردم استان خراسان جنوبی تاکنون سابقه حضور ۳۵ بار شرکت در انتخابات را در کارنامه خود دارند. مردم این استان مانند سایر هموطنان پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در ۱۲ انتخابات ریاست جمهوری، ۱۰ انتخابات مجلس شورای اسلامی، ۵ انتخابات مجلس خبرگان رهبری، ۴ انتخابات شورای های اسلامی شهر و روستا و ۴ همه پرسی رأی هایشان را به صندوق ها ریختند و در تمامی سال های پس از پیروزی انقلاب؛ چه در زمان ۸ سال دفاع مقدس و چه قبل یا بعد از تقسیم استان خراسان بزرگ - به سه استان خراسان جنوبی، رضوی و شمالی در سال ۱۳۸۳- حضور پررنگی در صحنه انتخابات داشته اند.

در عمر دوازده ساله استان، مردم خراسان جنوبی شاهد برگزاری ۱۱ انتخابات بودند و در تمامی این دوره ها مشارکت مردم استان بیش از ۷۲٪ و جزو استان های پیشتاز در این عرصه بوده است (استانداری خراسان جنوبی. معاونت سیاسی، امنیتی و اجتماعی. دفتر امور سیاسی و انتخابات، ۱۳۹۴). اطلاعات تفصیلی انتخابات برگزار شده در استان خراسان جنوبی پس از تشکیل استان در جدول ۱ آورده شده است.

جدول (۱) نگاهی به ۱۱ انتخابات استان خراسان جنوبی پس از تشکیل استان

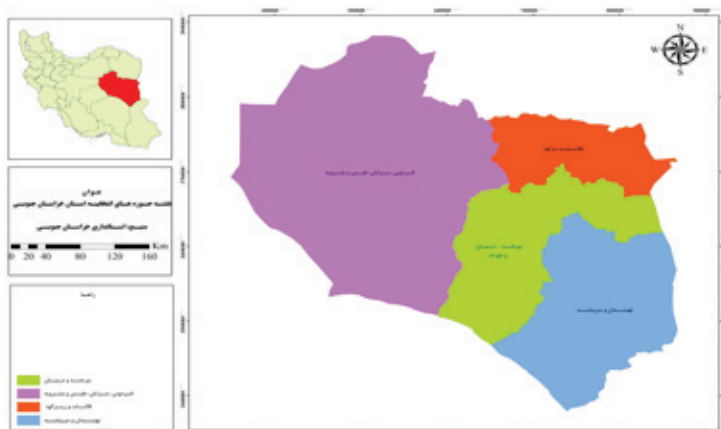
انتخابات برگزار شده در استان خراسان جنوبی پس از تشکیل استان						
ردیف	نام انتخابات	تاریخ رأی گیری	درصد مشارکت در کشور	آرای مأخوذه در استان	درصد مشارکت در استان	منتخب
۱	مرحله اول نهمین دوره ریاست جمهوری	۱۳۸۴/۳/۲۷	۶۲/۶۶	۲۹۰۸۷۹	۷۹	احمدی نژاد، هاشمی رفسنجانی

۲	مرحله دوم نهمین دوره ریاست جمهوری	۱۳۸۴/۴/۳	۵۹/۶	۲۶۶۰۴۰	۷۲	محمود احمدی نژاد (رئیس قوه مجریه)
۳	چهارمین دوره مجلس خبرگان رهبری	۱۳۸۵/۹/۲۴	۵۲/۹۲	۲۹۵۴۳۳	۸۷	سیدابراهیم رئیس الساداتی
۴	سومین دوره شوراهای اسلامی	۱۳۸۵/۹/۲۴	۶۰/۷۵	۲۷۴۸۰۳	۷۹	۲۶۶ منتخب اصلی
۵	هشتمین دوره مجلس شورای اسلامی	۱۳۸۶/۱۲/۲۴	۶۰	۳۴۳۳۲۸	۸۵	حسین ابراهیمی، محمدکریم عابدی، موسی قربانی، محمدرضا صابری
۶	دهمین دوره ریاست جمهوری	۱۳۸۸/۳/۲۲	۸۵	۳۸۳۱۵۷	۹۱	محمود احمدی نژاد (رئیس قوه مجریه)
۷	نهمین دوره مجلس شورای اسلامی	۱۳۹۰/۱۲/۱۲	۶۴	۳۹۷۲۹۷	۸۴/۵	سیدمحمدباقر عبادی، جواد هروی، محمدعلی عبدالله زاده، مراد هاشم زهی
۸	یازدهمین دوره ریاست جمهوری	۱۳۹۲/۳/۲۴	۷۲/۷	۴۳۸۶۸۶	۸۹/۴	حسن روحانی (رئیس قوه مجریه)
۹	چهارمین دوره شوراهای اسلامی	۱۳۹۲/۳/۲۴	۷۲/۷	۴۰۳۱۱۵	۸۲/۱	۲۷۹۴ منتخب اصلی
۱۰	پنجمین دوره مجلس خبرگان رهبری	۱۳۹۴/۱۲/۷	۶۲	۴۳۰۹۳۰	۷۲/۱۱	سیدابراهیم رئیس الساداتی
۱۱	دهمین دوره مجلس شورای اسلامی	۱۳۹۴/۱۲/۷	۶۲	۴۳۱۲۵۵	۷۲/۱۱	سید محمدباقر عبادی، فرهاد فلاحی، محمدرضا امیرحسنخانی، نظر افضلی

منبع: (استانداری خراسان جنوبی. معاونت سیاسی، امنیتی و اجتماعی. دفتر امور سیاسی و انتخابات، ۱۳۹۴)

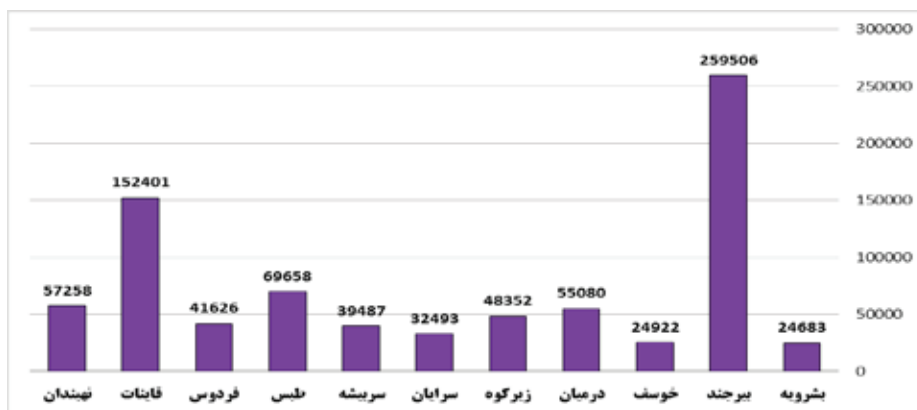
در انتخابات مجلس شورای اسلامی تا قبل از سال ۱۳۷۸، مردم خراسان جنوبی سه نماینده به مجلس می فرستادند اما پس از آن یک نماینده به این تعداد افزوده شد (شاطری و رجبی، ۱۳۸۶: ۱۸). در این استان طبق آخرین تغییرات چهار نماینده از چهار حوزه شامل:

- ۱- بیرجند، خوسف و درمیان
- ۲- نهبندان و سربیشه
- ۳- قائنات و زیرکوه
- ۴- فردوس، سرايان، بشرويه و طبس، به مجلس می روند.

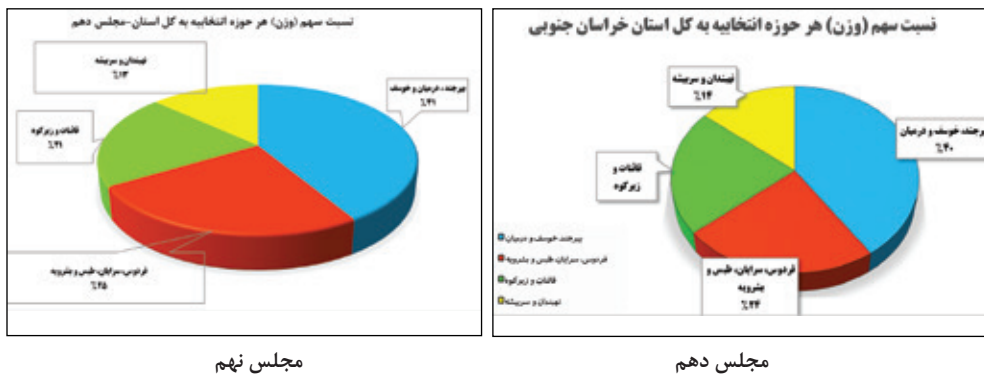


نقشه ۱) حوزه‌های انتخابیه استان خراسان جنوبی (وزارت کشور، ۱۳۹۴)

جمعیت شهرستان‌های مختلف استان خراسان جنوبی طبق آخرین سرشماری رسمی کشور و وزن حوزه‌های انتخابیه در انتخابات نهمین و دهمین دوره مجلس شورای اسلامی، در نمودارهای ۴ و ۵ مقایسه می‌شود.



نمودار ۴) جمعیت شهرستان‌های استان خراسان جنوبی طبق سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ (درگاه ملی آمار ایران، ۱۳۹۴)

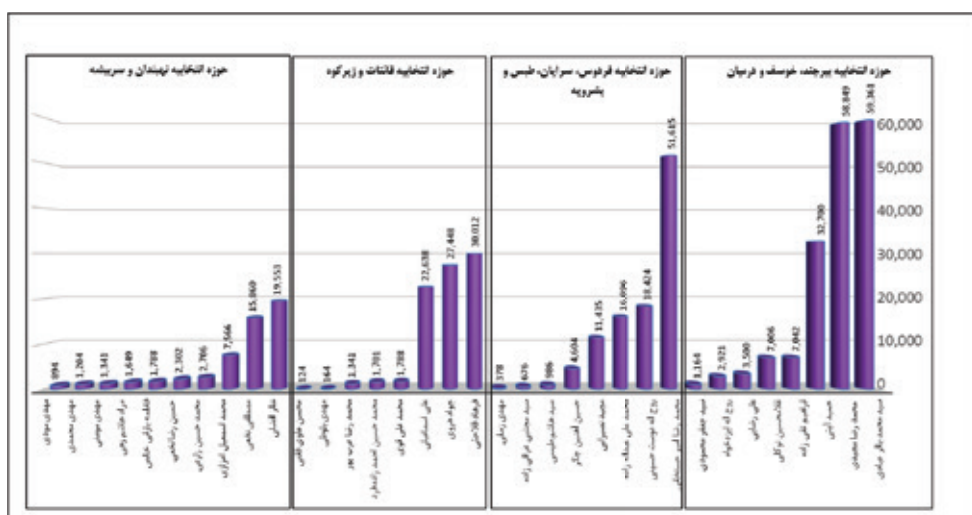


نمودار ۵) نسبت سهم (وزن) هریک از حوزه های انتخابیه به کل استان بر اساس نتایج نهمین و

دهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی، ترسیم: (نگارندگان، ۱۳۹۵)

همان طور که در نمودار ۵ مشخص است تنها دو شهرستان بیرجند و قاینات دارای جمعیت بسیار بالاتری از دیگر شهرستان ها هستند و سایر شهرستان ها در جمعیت بین ۲۴۰۰۰ تا ۶۹۰۰۰ نفر قرار دارند. اما نکته مهم آن است که ۵۰٪ از جمعیت استان در این دو شهرستان گرد آمده است که این موضوع می تواند تأثیر آرای نامزدهای این دو شهرستان را بر انتخابات استانی پررنگ کند و در درازمدت منجر به احساس سرخوردگی مردم شهرهای کوچک از عدم انتخاب نامزدهای آن شهرها در انتخابات استانی و در نهایت کاهش مشارکت سیاسی آنان گردد. منتقدان و مخالفان استانی شدن انتخابات معتقدند که با اجرایی شدن این طرح، عملاً مراکز جمعیتی بالا بویژه مراکز استان ها برای سایر نواحی کوچک، تعیین تکلیف خواهند کرد (مجلس شورای اسلامی. مرکز پژوهش. دفتر مطالعات سیاسی، ۱۳۸۱: ۱۷). نگاهی به آرای کاندیداهای دهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی در استان نیز نکته جالب توجهی ارائه می دهد (نمودار ۶) مبنی بر این که مقایسه آرای مکتسبه کاندیداها در چهار حوزه انتخابیه استان، نشان می دهد که آرای فرد دوم و گاه سوم حوزه انتخابیه بیرجند که به مجلس راه نیافته اند، از آرای فرد اول و منتخب سایر حوزه ها بیشتر است. غلبه فاحش حوزه انتخاباتی مراکز استان بر سایر حوزه های انتخابیه در تمام استان ها به چشم می خورد (نمودارهای

شماره ۲ و ۳)، به گونه ای که آرای حوزه ای خاص بر دیگر حوزه ها تعیین کننده تر از خود آن حوزه ها خواهد بود. در نتیجه، کاندیداها به جای توجه به حوزه انتخابیه خاص خود، بیشتر به مراکز جمعیتی و حوزه های تعیین کننده بهاء خواهند داد و بدیهی است که امر توزیع امکانات، بودجه، فرصت ها، وعده وعیدها و پیگیری مطالبات این گونه مراکز جمعیتی، بر مناطق دیگر ارجحیت خواهد یافت.



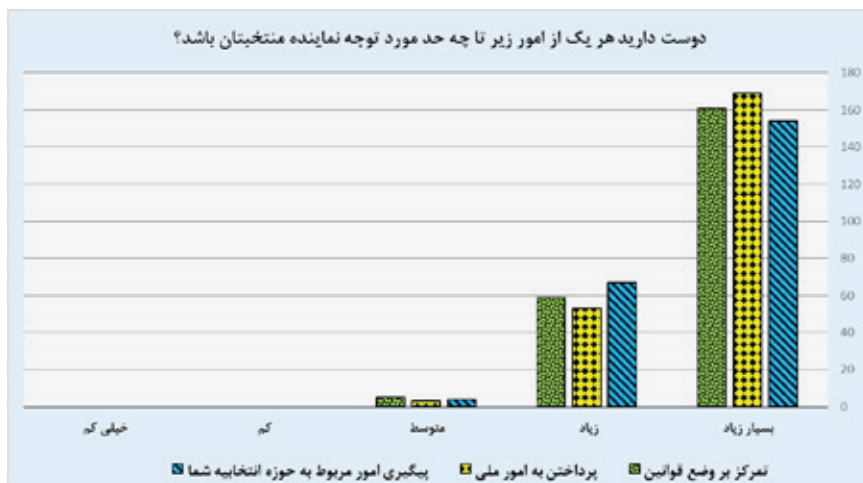
نمودار ۶) آرای کاندیداهای استان خراسان جنوبی در انتخابات مجلس دهم براساس نتایج دهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی، ترسیم: (نگارندگان، ۱۳۹۵)

استانی شدن انتخابات و تمرکزگرایی

یکی از نکات بسیار مرتبط با مقوله استانی شدن انتخابات، تمرکزگرایی است که از نظر موافقان و مخالفان این طرح، نتایج متفاوتی در این خصوص به بار خواهد آورد. از نظر طراحان و موافقان استانی شدن انتخابات، این مسأله یکی از نقاط ضعف فعلی مجلس شورای اسلامی است که اگر چه بر طبق قانون اساسی نمایندگان مجلس، نماینده تمام ملت بوده و وظیفه اصلی آنها قانون گذاری و نظارت است، اما نمایندگان مجلس در

بسیاری موارد به امور جزئی و محلی مربوط به محدوده حوزه انتخابیه خود که باید از سوی مدیران استانی و محلی دنبال و انجام شود، پرداخته و از مسائل کلان ملی و قانون گذاری فاصله می گیرند. استانی شدن انتخابات می تواند ضمن محول کردن امور جزئی به مدیران و شوراهای محلی، وقت و توجه نمایندگان را به امور مهم ملی و کلان متمرکز کند (مجلس شورای اسلامی. مرکز پژوهش. دفتر مطالعات حقوقی، ۱۳۸۵: ۲) و هم چنین در تصمیم گیری ها و سیاست گذاری ها "برنامه محوری"، جایگزین "شخص محوری" گشته و سطح کیفی مجلس ارتقا خواهد یافت. از این منظر، تقویت نقش شوراهای استانی و محلی و واگذاری اختیارات بیشتر به آنها، سبب تمرکززدایی در سطوح مختلف خواهد شد.

در مقابل از دیدگاه مخالفان، اولاً قانون گذاری و پرداختن به مسائل کلان ملی، تنها وظیفه نمایندگان نیست، بلکه آنها وکیل و نماینده حوزه انتخابیه خود محسوب شده و در برابر آنها مسؤولند و رسیدگی به امور آن حوزه را نیز باید مد نظر قرار دهند (مجلس شورای اسلامی. مرکز پژوهش. دفتر مطالعات سیاسی، ۱۳۸۱: ۱۵) و این امر منافاتی با وظیفه ملی آنها ندارد. بسیاری از رأی دهندگان، از نماینده خود انتظار پیگیری امور و رفع مشکلات و مطالبات محلی حوزه خود را دارند و در فرهنگ انتخاباتی فعلی جامعه ایران، انتظارات و وعده وعیدهای محلی در خصوص جذب امکانات و رسیدگی به مشکلات محلی حوزه های انتخابیه، جزئی لاینفک از نگرش انتخاباتی رأی دهندگان و کاندیداها است. در این پژوهش که اکثریت قریب به اتفاق پاسخگویان از میان جامعه آماری ۲۲۵ نفری از دانشجویان کارشناسی و کارشناسی ارشد علوم سیاسی و جغرافیای سیاسی دانشگاه بیرجند بودند، از بین انتظارات خود از نماینده منتخب شان، رسیدگی به امور محلی حوزه انتخابیه خود را در درجه اهمیت بسیار بالا اعلام نمودند (نمودار ۷).



نمودار ۷) میزان اهمیت امور محلی حوزه انتخابیه، امور ملی و وضع قوانین از منظر پاسخگویان (نگارندگان، ۱۳۹۵)

ثانیاً اگر چه طراحان و مدافعان طرح استانی شدن انتخابات، از واگذاری امور مناطق به شوراهای محلی سخن می گویند، ولی در شرایط فعلی این شوراها فاقد توانایی ها، اختیارات و صلاحیت های لازم در جنبه های حقوقی و عملی برای تصمیم گیری، انجام و پیگیری این امورند. نگاهی به قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور (شوراهای روستا، بخش، شهر، شهرستان، استان و عالی استان ها) نشان می دهد که صلاحیت و اختیاراتی که به این شوراها واگذار شده، بجز موارد محدودی مانند تعیین شهردار، در اغلب موارد به سطوحی مانند ارائه پیشنهاد، نظارت و پیگیری، جلب مشارکت و خودیاری مردم، تبیین و توجیه سیاست های دولت، همکاری با سازمان ها و نهادهای دولتی و ایجاد تسهیلات لازم در جهت ایفای وظایف آنان، حل و فصل مشکلات و اختلافات در مواردی که قابل پیگیری قضائی نیست و ... محدود می شود (قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور ...، ۱۳۹۵) که این سطوح نازل از صلاحیت و اختیارات، برای ایفای نقش اداره مؤثر امور محلی کافی نیست.

نتایج آزمون فرضیه

در خصوص آزمون فرضیات، نتایج آزمون کای اسکور در مورد بررسی گویه‌های هر یک از متغیرهای مورد نظر در این آزمون، فرض‌های H_0 و H_1 به صورت زیر است:

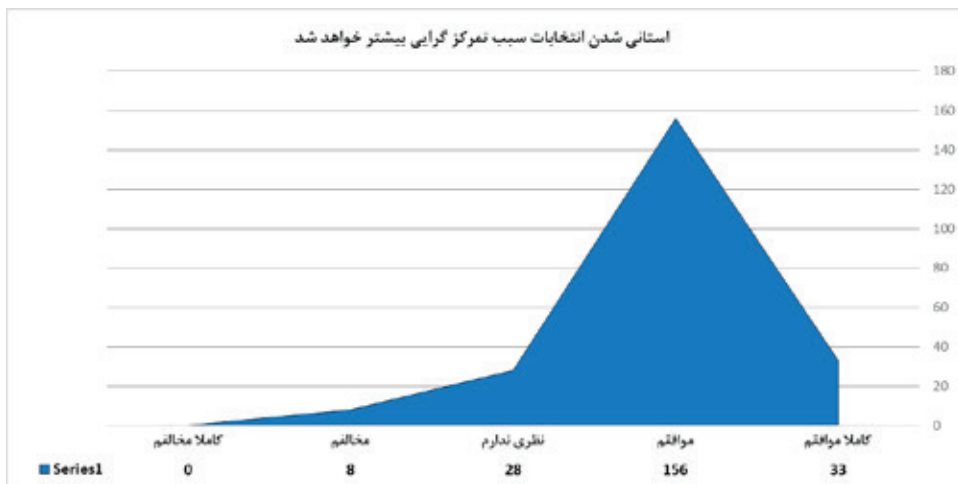
H_0 : توزیع افراد در سه گروه مخالف، بدون نظر و موافق در ارتباط با نظرشان در مورد گویه‌ها یکسان است.

H_1 : توزیع افراد در سه گروه مخالف، بدون نظر و موافق در ارتباط با نظرشان در مورد گویه‌ها یکسان نیست و در یک گروه، تعداد افراد بیشتری مشاهده می‌شود (فرضیه مورد ادعای پژوهش).

جدول ۲ نتایج آزمون کای اسکور گویه‌های مربوط به فرضیه تمرکزگرایی به سبب اجرای طرح استانی شدن انتخابات را نشان می‌دهد، با توجه به ستون مقدار sig، از آنجایی که مقدار sig در همه گویه‌ها برابر صفر شده است و این مقدار کمتر از $0/05$ است، پس فرض H_0 رد می‌شود، یعنی توزیع افراد در سه گروه مخالف، بدون نظر و موافق یکسان نیست و در یک گروه، تعداد افراد بیشتری مشاهده می‌شود که ستون آخر این جدول نشان می‌دهد که اکثریت افراد در چه گروهی (مخالف، بدون نظر و موافق) قرار دارند.

جدول ۲) نتیجه آزمون کای اسکور مربوط به تمرکزگرایی به سبب اجرای طرح استانی شدن انتخابات

بیشترین فراوانی مشاهده در گروه	sig	فراوانی مشاهده شده			موارد
		موافق	بدون نظر	مخالف	
موافق	۰/۰۰۰	۱۹۲	۲۰	۸	توجه و تمرکز نامزدها به مراکز جمعیتی استان و بی توجهی به مناطق حاشیه‌ای به سبب استانی شدن انتخابات
موافق	۰/۰۰۰	۱۹۳	۱۸	۷	معمولاً نمایندگان مراکز استان از نفوذ و قدرت بیشتری نسبت به نمایندگان سایر شهرستان‌ها برخوردارند
موافق	۰/۰۰۰	۱۹۱	۲۳	۷	تأثیر دادن آرای سایر شهرستان‌های یک استان در انتخاب نماینده یک شهرستان و غلبه‌ی وزن آرای استان بر شهرستان و تضییع حق مردم آن شهرستان
موافق	۰/۰۰۰	۱۷۵	۲۶	۱۸	افزایش شکاف فعلی بین مراکز استان و مناطق حاشیه با اجرای طرح استانی شدن انتخابات
موافق	۰/۰۰۰	۱۸۹	۲۸	۸	استانی شدن انتخابات سبب تمرکزگرایی بیشتر خواهد شد



نمودار ۸) نتیجه نهایی آزمون فرضیه مربوط به تمرکزگرایی به سبب اجرای طرح استانی شدن انتخابات، ترسیم: (نگارندگان، ۱۳۹۵)

نتیجه

با بررسی جوانب مختلف اجرای طرح استانی شدن انتخابات، نقاط ضعف متعدد آن آشکار می شود که یکی از آنها، تأثیر نامطلوب در خصوص تمرکزگرایی در سطح استان ها به نفع مرکز استان و مراکز جمعیتی عمده است. از آنجا که استان های پرجمعیت که تراکم فضایی و امکانات فعلی در آنها تمرکز آشکاری نسبت به مناطق پیرامونی دارد، تعداد بیشتری از نمایندگان را در مجلس به خود اختصاص می دهند، بالطبع تأثیرگذاری و تعیین کنندگی آنها نیز در کلیه امور قانون گذاری، تصمیم گیری و اجرایی بیشتر از سایر مناطق است. در سطح پایین تر، یعنی در خود استان ها نیز غلبه وزن آرای مراکز استان و شهرهای پرجمعیت بر سایر مناطق در انتخاب نماینده، عملاً می تواند برای آنها تعیین تکلیف کند و آنها را به حاشیه براند و هم چنین توجه کاندیداهای دیگر حوزه های انتخابیه استان برای کسب آرای کافی و پیروزی در انتخابات، بیش از حوزه خود به مراکز جمعیتی و مرکز استان معطوف شود که این امر نیز به نوبه

خود تبعاتی از جمله ارجحیت مطالبات مراکز جمعیتی بر سایر مناطق، انزوای مناطق حاشیه‌ای، تشدید تمرکزگرایی و افزایش شکاف میان مرکز- پیرامون در سطح ملی و استانی را به دنبال خواهد داشت. استانی شدن انتخابات توجه و تمرکز کاندیداها و نمایندگان انتخاب شده را بیشتر به مراکز پرجمعیت و تأثیرگذار، یعنی مراکز استان‌ها معطوف می‌سازد، زیرا با توجه به محدودیت زمان تبلیغات، سطح وسیع‌تر استان در مقایسه با یک حوزه انتخابیه و هم‌چنین وزن بالا و تعیین‌کننده مراکز جمعیتی نسبت به سایر بخش‌های پیرامونی در پیروزی کاندیداها، ایجاب می‌کند که نامزدها هر چند دارای گرایش عادلانه باشند، اما طبق برنامه‌ریزی عادلانه برای پیروزی، الزاماً توجه بیشتری به مراکز استان داشته و این امر، توزیع عادلانه امکانات، بودجه، فرصت‌ها و پیگیری مطالبات در سایر مناطق استان را با تهدید روبه‌رو می‌کند. ضمن این‌که احساس نابرابری در مناطق و تحریک عطش آنها برای تبدیل شدن به واحدهایی نظیر بخش و شهرستان و ... برای بهره‌مندی از امکانات مشابه، تنش‌های اجتماعی و معضلات متعددی به همراه خواهد داشت.

با اجرای این طرح، نامزدهایی که به شهرهای پرجمعیت‌تر منسوب هستند، به دلیل حس ناسیونالیستی که در ساکنان هر شهری وجود دارد، بخت بیشتری برای انتخاب خواهند داشت. با افزایش سهم شهرهای پرجمعیت در تعداد نمایندگان مجلس، نامزدهای کمتری از شهرهای کم‌جمعیت به مجلس راه خواهند یافت و این موجب تمرکزگرایی در تصویب آراء به سمت شهرهای پرجمعیت و مراکز استان‌ها، سرخوردگی و انزوای مناطق کم‌جمعیت و کاهش مشارکت این مناطق، عدم توجه کافی به مناطق پیرامونی، شهرستان‌ها و مناطق دورافتاده به خصوص در کلان‌شهرها شده و سبب می‌شود که کسی پیگیر مطالبات و پروژه‌های این مناطق نباشد و این امر به روشنی منجر به تمرکزگرایی بیشتر سیاسی در کشور می‌شود. با توجه به آمارهای رسمی مشارکت در انتخابات که همیشه مبین درصد مشارکت بالای مردم مناطق روستایی و محروم نسبت به کلان‌شهرها در صحنه‌ی انتخابات است، سرخوردگی، ناامیدی و انزوای این مناطق در رقابتی نابرابر با مراکز جمعیتی عمده و کاهش انگیزه و مشارکت آنان در

صحنه‌ی انتخابات با روح قانون اساسی، آرمان‌های نظام و برنامه‌های توسعه مبنی بر تمرکززدایی، سازگاری ندارد و می‌تواند در آینده عواقب خاصی برای کشور داشته باشد. مقایسه وزن آرای حوزه‌های انتخابیه خراسان جنوبی با یکدیگر، بیانگر غلبه فاحش دو شهرستان بیرجند و قاینات و علی‌الخصوص شهر بیرجند بر سایر مناطق و حوزه‌های انتخابیه استان است، به‌طوری که آرای کاندیدای دوم و حتی سوم حوزه انتخابیه بیرجند، از آرای کاندیداهای اول سایر حوزه‌ها بیشتر است و مسلماً در صورت طرح استانی شدن انتخابات، توجه و تمرکز بر شهر بیرجند حتی از خود هر حوزه انتخابیه بیشتر و تعیین کننده تر خواهد بود و سایر شهرستان‌ها خود را مغلوب آرای مرکز استان خواهند یافت. این امر با توجه به بافت قومی استان، تنش‌زا به نظر می‌رسد.

نتایج آزمون فرضیات پژوهش نگارندگان در خصوص تأثیر اجرای این طرح بر تمرکزگرایی نیز، مؤید تشدید تمرکزگرایی در صورت اجرای این طرح بوده و این فرضیه را اثبات می‌نماید. با توجه به دلایل متعددی که ذکر شد، تأثیر اجرایی شدن این طرح بر تمرکزگرایی سیاسی در کشور، بسیار جدی خواهد بود.

منابع

- احمدی پور، زهرا؛ خوجم لی، عبدالوهاب؛ قرنچیک، امان دوردی (۱۳۹۲). "زمینه‌های تدوین و اصلاح قانون انتخابات مجلس در ایران". در: مجموعه مقالات همایش ملی جغرافیای انتخابات. تهران: دانشگاه خوارزمی: ۶۱۵-۶۲۴.
- استانداری خراسان جنوبی. معاونت سیاسی، امنیتی و اجتماعی. دفتر امور سیاسی و انتخابات (۱۳۹۴). "انتخابات پنجمین دوره مجلس خبرگان رهبری و دهمین دوره مجلس شورای اسلامی در استان خراسان جنوبی". دفتر امور سیاسی و انتخابات معاونت سیاسی، امنیتی و اجتماعی: ۱-۲۸.
- اسدزاده، هانیه (۱۳۹۲). "چگونگی شکل‌گیری تمرکزگرایی در ایران- تهران قبل از انقلاب". در: اولین همایش ملی جغرافیا، شهرسازی و توسعه پایدار. تهران: انجمن محیط زیست کومش؛ دانشگاه صنعت هوایی: ۱-۲۱.

- اطاعت، جواد؛ موسوی، سیده زهرا (۱۳۸۹). "تمرکز زدایی و توسعه پایدار در ایران". پژوهش‌های جغرافیایی/انسانی، سال چهل و دوم، ش ۷۱ (بهار): ۸۹-۱۰۶.
- افروغ، عماد (۱۳۷۳). "شهری شدن و توسعه و نظریه شهری پیشنهادی مرکز-پیرامون". در: مجموعه مقاله‌های سمینار جامعه شناسی. تهران: دانشگاه تهران: ۱۲۸-۱۴۳.
- تیلور، پی. جی؛ جانستون، آر. جی. (۱۳۸۶). جغرافیای انتخابات. ترجمه زهرا پیشگاهی فرد و رسول اکبری. تهران: قومس.
- جونز، مارتین؛ جونز، رایس؛ وودز، مایکل (۱۳۸۶). مقدمه‌ای بر جغرافیای سیاسی. ترجمه زهرا پیشگاهی فرد و رسول اکبری. تهران: دانشگاه تهران.
- روستایی، شهریور (۱۳۷۷). "سازمان فضایی نظام سکونتگاهی و نقش آن در تعامل ناحیه ای". پایان نامه دکتری جغرافیای شهری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.
- سرور، رحیم (بی تا). حقوق شهری و قوانین شهرسازی. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات [جزوه درسی کارشناسی].
- شاطری، مفید؛ رجبی، نجیب الله (۱۳۸۶). "بررسی روند انتخابات در استان خراسان جنوبی از آغاز انقلاب اسلامی تاکنون". بیرجند: استانداری خراسان جنوبی، دفتر امور اجتماعی، انتخابات و شوراها: ۱-۲۷.
- شکویی، حسین (۱۳۸۴). دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری. تهران: سمت.
- شیروودی، مرتضی (۱۳۸۷). "تمرکز و توسعه سیاسی در تاریخ معاصر ایران (مقایسه دو مقطع مشروطه و انقلاب اسلامی)". فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال چهارم، ش ۱۳ (تابستان): ۴۹-۸۳.
- طرح استانی شدن حوزه های انتخابیه انتخابات مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۳). [پیوسته] قابل دسترس در:

http://rc.majlis.ir/fa/legal_draft/state_popup/914281?fk_legal_draft_oid=914280&a=download&sub=p. [۱۳۹۳/۱۲/۱۵]

- غمامی، سید مهدی (۱۳۹۰). "الگوی انتخابات استانی مجلس شورای اسلامی و نظام کمیسیون ملی انتخابات". ماهنامه دادرسی، سال پانزدهم، ش ۸۸ (مهر و آبان): ۳۵-۴۰.
- قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱۳۷۵/۳/۱ با اعمال آخرین اصلاحات (۱۳۹۵). [پیوسته] قابل دسترس در: <http://www.shora-gc.ir/Portal/Home/ShowPage.aspx?Object=News&ID=0f7b1716-add6-4f60-92b2-df1e656003df&LayoutID=26486264-caf3-4edb-b140-ba753a5c0890&CategoryID=ff0668dd-649c-4d53-a9ba-23ec1caed3be>. [۱۳۹۵/۱/۱۶]
- کاویانی راد، مراد؛ عزیزی کاوه، علی (۱۳۹۲). "تبیین نسبت جغرافیا با انتخابات (جغرافیای انتخابات)". در: مجموعه مقالات همایش ملی جغرافیای انتخابات. تهران: دانشگاه خوارزمی: ۱-۱۲.
- گولد، جولیوس؛ کولب، ل. ویلیام (۱۳۸۴). فرهنگ علوم/اجتماعی. ترجمه محمد جواد زاهدی. تهران: نشر مازیار.
- مجلس شورای اسلامی. مرکز پژوهش. دفتر مطالعات سیاسی (۱۳۸۱). "گزارش کارشناسی درباره طرح استانی شدن حوزه های انتخابیه". شماره مسلسل ۶۴۵۸: ۱-۲۱.
- مجلس شورای اسلامی. مرکز پژوهش. دفتر مطالعات حقوقی (۱۳۸۵). "مقدمه ای بر نقش نمایندگان مجلس شورای اسلامی در امور استانی". شماره مسلسل ۸۲۷۴: ۱-۱۴.
- ----- (۱۳۸۹). "نگاهی به نظرات موافقان و مخالفان استانی شدن حوزه های انتخابیه در انتخابات مجلس شورای اسلامی". شماره مسلسل ۱۰۶۳۲: ۱-۲۷.
- ----- (۱۳۹۲). "مقدمه ای بر استانی شدن حوزه های انتخابیه در انتخابات مجلس شورای اسلامی". شماره مسلسل ۱۳۳۸۰: ۱-۳۳.

- مرکز آمار ایران (۱۳۹۴). "استان خراسان جنوبی". [پیوسته] قابل دسترس در:
<https://www.amar.org.ir/%D8%B5%D9%81%D8%AD%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D8%B7%D9%84%D8%A7%D8%B9%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D8%B3%D8%A>. [۱۳۹۴/۱۰/۱۲]
- مصوبه مجلس شورای اسلامی درباره طرح استانی شدن حوزه های انتخابیه انتخابات مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۴). [پیوسته] قابل دسترس در:
http://rc.majlis.ir/fa/legal_draft/state_popup/954813?fk_legal_draft_oid=914280. [۱۳۹۴/۵/۲]
- نتایج نهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۴). [پیوسته] قابل دسترس در:
<http://www.moi.ir/portal/Home/Default.aspx?CategoryID=afe40347-7b31-497d-8fbf-5ecf2c72679f>. [۱۳۹۴/۹/۵]
- نظر شورای نگهبان در خصوص طرح استانی - شهرستانی شدن حوزه های انتخابیه انتخابات مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۴). [پیوسته] قابل دسترس در:
<http://www.shora-rc.ir/Portal/Home/ShowPage.aspx?Object=NEWS&CategoryID=4aaeb13f-14f1-457b-81b3-a4bd70dfdcee&WebPartID=ab520dd2-c624-4e76-8f88-2a72b447d48e&ID=18b55384-a637-4e64-bcab-13e7ff00ab89>. [۱۳۹۴/۶/۲۳]

بررسی فرهنگ مطالعه در دانش آموزان شهر بیرجند

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۹/۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۱/۲

محمد اکبری بورنگ^۱

سید نورالله نصراللهی^۲

چکیده

میزان مطالعه در جوامع از اهمیت زیادی برخوردار است، چرا که یکی از شاخص‌های مهم توسعه یافتگی محسوب می‌گردد. بنابراین بررسی عوامل و مؤلفه‌های تأثیرگذار بر میزان مطالعه، مورد توجه پژوهشگران این حوزه قرار گرفته است. از این رو، یکی از عوامل تأثیرگذار بر میزان مطالعه، فرهنگ مطالعه است. این پژوهش با هدف بررسی فرهنگ مطالعه دانش‌آموزان شهر بیرجند از منظر جنسیت، سواد والدین و محل سکونت طراحی اجرا گردید. این تحقیق توصیفی از نوع پیمایشی می‌باشد. جامعه آماری شامل کلیه دانش‌آموزان دختر و پسر پایه ی پنجم و ششم شهر بیرجند در سال ۹۳-۹۲ بود که بر اساس جدول مورگان و به شیوه‌ای خوشه‌ای تصادفی، تعداد ۳۰۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب و مورد بررسی قرار گرفتند. ابزارهای مورد استفاده در این پژوهش، پرسش‌نامه محقق ساخته فرهنگ مطالعه بود. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون T مستقل و تحلیل واریانس استفاده شد. نتایج نشان داد در بررسی فرهنگ مطالعه بر حسب جنسیت در بُعد هنجار تفاوت معناداری مشاهده شد، دانش‌آموزان پسر در مقایسه با دانش‌آموزان دختر، در سطح بالاتری قرار داشتند. بر حسب سواد پدر و مادر در بُعد هنجار و خانواده، تفاوت معناداری به لحاظ آماری مشاهده شد. دانش‌آموزان دارای والدین با سواد بالاتر، از فرهنگ مطالعه در سطح بالاتری برخوردار بودند. بر حسب محل سکونت در بُعد ارزش تفاوت معناداری به لحاظ آماری مشاهده

۱. استادیار برنامه ریزی درسی، گروه علوم تربیتی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه بیرجند
Akbarborng2003@birjand.ac.ir

۲. عضو هیأت علمی گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه بیرجند، نویسنده مسؤول
nnasrollahi@birjand.ac.ir

شد. دانش آموزان پایین شهر در مقایسه با دانش آموزان بالا شهر مولفه ارزش به مطالعه را در سطح بالاتری ارزش گذاری نمودند. با توجه به نتایج پژوهش در بررسی فرهنگ مطالعه بر حسب جنسیت، توجه به فرهنگ مطالعه دختران ضروری می نماید. هم چنین با توجه به نتایج پژوهش مربوط به نقش سواد والدین در فرهنگ مطالعه دانش آموزان، لزوم توجه و برگزاری کارگاه هایی بدین منظور ضروری می نماید.

واژگان کلیدی: فرهنگ مطالعه، دانش آموزان، بیرجند

مقدمه

کتاب دریچه ای است به سوی جهان شگفت انگیز علم و معرفت و مطالعه راهی است بسیار ساده و عملی برای پرورش استعداد های خدادادی انسان و آموزش علوم و فنونی که او را در مسیر رشد و تکامل راهنمایی کند (غفاری، ۱۳۸۱: ۱۶). از طرف دیگر، فرهنگ مجموعه ای از شیوه های تفکر، احساس و عمل است که «کم و بیش مشخص است و توسط تعداد زیادی افراد فراگرفته می شود و بین آنها مشترک است و در شیوه عینی و نمادین به کار گرفته می شود، تا این اشخاص را به یک جمع خاص و متمایز مبدل سازد. تبیین این تعریف به ما امکان می دهد تا خصوصیات اساسی را روشن کنیم که انسان شناسان و جامعه شناسان برای بازشناسی فرهنگ بر آن توافق دارند» (روشه، ۱۳۷۹: ۱۲۳). میزان توجه به مطالعه و کتاب خوانی، نشانگر رشد فرهنگی و ملی هر کشور است. امروزه تعداد کتاب ها و نشریات منتشر شده ی هر کشور در طول سال، هم چنین کتابخانه ها، کتابخوان ها، نویسندگان، مترجمان و ناشران، معیار اساسی توسعه یافتگی جوامع مورد استفاده تلقی می گردد. هم چنین بی توجهی به کتاب و کتاب خوانی یک بیماری فرهنگی و اجتماعی محسوب می شود که ناشی از فراگیر نشدن فرهنگ مطالعه و کتاب خوانی در بین اقشار گوناگون مردم یک جامعه است و می تواند در درازمدت، ضربه های جبران ناپذیری بر پیکره ی فرهنگ کشور وارد کند (کاربخش راوری، ۱۳۷۸: ۴۹).

توسعه ی فرهنگی که زیربنای توسعه ی اجتماعی و اقتصادی است، به اسباب و لوازم

خاصی نیازمند است. از جمله می توان به فراهم آوردن امکانات مادی و معنوی گسترش کتاب و کتاب خوانی، به مثابه ی کلید اصلی دستیابی به توسعه ی فرهنگی، اشاره کرد. دولت، به منزله ی سیاست گذار و سرمایه گذار، باید به این امر توجه بیشتری داشته باشد، زیرا بدون توسعه ی فرهنگی که مقدم بر توسعه ی سایر بخش هاست، زیربنای مستحکمی را فراهم نیاورده است و توسعه ی فرهنگی باید مادر و منشأ هر برنامه ریزی همه جانبه نگری انگاشته شود (عظیمی، ۱۳۷۱: ۹).

خانواده عامل بسیار مؤثری در ایجاد عادت به مطالعه و ترویج فرهنگ کتاب خوانی است. محیط و شرایط خانواده، روش تربیتی و آموزشی والدین، طرز تفکر و نگرش والدین در رابطه با مطالعه و کتاب خوانی، وجود کتب و نشریات قابل دسترس و هم چنین سطح اقتصادی و پایگاه اجتماعی خانواده، نقش بسزایی در تقویت عادات مطالعه و کتاب خوانی دارد (به پژوه، ۱۳۸۰: ۵۵).

سالاری (۱۳۹۱) در پایان نامه دکترای خود که به واکاوی و تبیین عوامل مؤثر بر فرهنگ مطالعه در ایران و ارائه مدلی مناسب برای توسعه آن پرداخته است، یافته ها نشان داد نظام آموزشی، خانواده، جامعه، کتابخانه، حوزه چاپ و نشر، فناوری اطلاعات، رسانه های گروهی و دولت، در فرهنگ مطالعه ایران تأثیرگذار بوده اند.

هوشمند (۱۳۸۹) در پژوهشی که به بررسی راهکارها و موانع توسعه و ترویج فرهنگ مطالعه و کتاب خوانی در بین دانش آموزان پرداخته است، یافته ها نشان داد پایین بودن سطح سواد والدین، کاهش قدرت خرید خانواده و کم بها دادن والدین به مطالعه و کتاب خوانی، از جمله عوامل مهم در گرایش و رغبت نداشتن دانش آموزان به مطالعه و کتاب دانسته شده است.

فولادچنگ و لطیفیان (۱۳۸۷) در پژوهشی که به بررسی نقش ادراک از بافت خانوادگی در خودگردانی، عادت های مطالعه، اطمینان به خود و ادراک از درس در دانش آموزان پرداختند، یافته ها نشان داد خانواده صمیمی، پیش بینی کننده ی معناداری از خودگردانی، عادات مطالعه، اعتماد عمومی به خود و ادراک از درس می باشد و بین خانواده دل نگران و عادات مطالعه، رابطه مثبت و معناداری مشاهده شد.

محمدی (۱۳۷۶) در پژوهشی تحت عنوان "بررسی میزان علاقه‌مندی نوجوانان و جوانان به مطالعه کتاب" دریافت که افزایش تحصیلات در میزان مطالعه کتب غیردرسی، تأثیر مثبت دارد و معلمان و والدین نیز نقش موثری در ایجاد علاقه‌مندی به مطالعه دارند و پسران کمتر از دختران، به مطالعه علاقه‌مندند.

قناویزچی و داورپناه (۱۳۸۶) در پژوهشی تحت عنوان "بررسی عوامل تسهیل‌کننده و بازدارنده مطالعه و رابطه نگرش به مطالعه و کتاب‌خوانی با الگوی انگیزشی مازلو" دریافتند که تمامی عوامل تسهیل‌کننده و بازدارنده مطالعه - شامل بازی‌های رایانه‌ای - نقش زیادی در تسهیل‌کنندگی و بازدارندگی مطالعه و کتاب‌خوانی داشته‌اند و نیز زنان نسبت به مردان به طور معناداری به مطالعه و کتاب‌خوانی، گرایش مثبت نشان می‌دهند.

در زمینه میزان مطالعه به تفاوت‌های جنسیتی نیز توجه بسیار شده است. در مطالعات بسیاری این نتیجه به دست آمده است که معمولاً زنان بیشتر از مردان مطالعه می‌کنند. در مطالعه‌ای روی نوجوانان استرالیایی مشخص شده است که دختران مطالعه را جالب‌تر و ساده‌تر می‌دانند و در مقابل پسران، مطالعه را فعالیتی کسل‌کننده تلقی می‌کنند (Gambell & Hunter, 2000).

نام‌کوان (Numkwn, 1994) در پژوهشی که در نیجریه انجام داده نشان داد که مردم نیجریه به طور متوسط برای موفقیت در امتحانات مطالعه می‌کنند و این تحقیق می‌افزاید که فقدان فرهنگ مطالعه در نیجریه، از رشد کتابخانه‌ها می‌کاهد.

اوگان‌رامبی و آدیو (Ogunrombi & Adio, 1995) در پژوهشی به بررسی عوامل تأثیرگذار بر عادت به مطالعه دانش‌آموزان دوره دبیرستان در کشور نیجریه پرداختند. یافته‌ها نشان داد سطح سواد والدین بر عادت مطالعه فرزندان تأثیرگذار است.

در اینجا باید اشاره کرد که جنبه‌های خاصی از محیط خانوادگی، رابطه نزدیکی با خواندن دارد. کیفیت تعاملات والدین با کودک، از جمله این موارد است. این تعاملات خود شامل چند چیز است که نشان می‌دهد میزان علاقه والدین به کتاب خواندن با میزان تمایل کودک به خواندن در سن هفت سالگی، مربوط است (Moon & Gordon, 1979).

هم چنین کلارک (۱۹۷۶)، دوکین (۱۹۶۶) و مورو (۱۹۸۳) بیان داشتند، کودکانی که خواندن را زودتر فرا می گیرند و عادات مطالعه آزاد در آنها توسعه می یابد، دارای والدینی هستند که خود اهل مطالعه اند (کاردانیان، ۱۳۷۵: ۲۶).

تأثیر والدین بر عادات خواندن کودکان همواره ثابت نیست و عوامل شخصیتی مثل سن، نگرش به خواندن، علائق، دوستی ها و تجارب قبلی آن را تعدیل می سازد. از این رو، در سنین پایان دوره ابتدایی، وقتی که کودکان شور و شوق خواندن را تجربه می کنند، علائق دختران و پسران کم کم از هم فاصله می گیرد و نیز گروه همسالان بیش از والدین، بر انتخاب های خواندن تأثیر می گذارند (Orouke, 1979; Greany, 1986). معرف زاده و ایرجی (۱۳۸۹) در پژوهشی تحت عنوان "بررسی عوامل ترغیب کننده و بازدارنده مطالعه در میان مراجعان کتابخانه های عمومی شهرستان ماهشهر" دریافتند که بین سطح سواد والدین دانش آموزان و میزان مطالعه آنها، رابطه معناداری وجود دارد.

شرایط خانوادگی افراد، تأثیری دوسویه بر انسان ها به کتاب و کتاب خوانی دارد. والدینی که اهل کتاب و مطالعه هستند به تبع فرزندانی اهل مطالعه خواهند داشت و در مقابل، والدینی که انس با کتاب و کتاب خوانی در برنامه روزانه زندگی آنها وجود ندارد، در داشتن فرزندانی اهل علم و دانش ناموفق بوده و هم چنین ایجاد عادت به مطالعه در آنها با مشکل مواجه خواهد بود. پیامبر اکرم (ص) فرموده اند: «هر نوزادی بر فطرت الهی به دنیا می آید، پس پدر و مادر او را به دین یهود یا نصرانی گرایش می دهند» (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۷: ۱۱۳).

کازهی (۱۳۸۶) معتقد است محیط و شرایط خانواده و روش تربیتی و آموزشی والدین، نقش بسزایی در انس کودک با کتاب دارد و باید گفت نقش خانواده در ایجاد عادت به مطالعه، از گهواره آغاز می شود. در این زمینه مفتخر (۱۳۵۲) اشاره دارد که بی شک خانواده هایی که پدر و مادر اهل کتاب و مطالعه دارند، فرزندان نیز افرادی علاقه مند به کتاب بار خواهند آمد و بالعکس. اما در خانواده هایی که هیچ توجهی به کتاب نمی شود، نباید انتظار داشت فرزندان آن خانواده، اهل مطالعه و کتاب باشند.

با توجه به آن چه بیان گردید، این پژوهش با هدف بررسی فرهنگ مطالعه در دانش آموزان طراحی و تدوین گردید تا به این سؤال پاسخ دهد که آیا فرهنگ مطالعه در دانش آموزان بر حسب جنسیت، سواد والدین و محل سکونت، متفاوت می باشد؟

روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف، پژوهشی کاربردی است که با روش پیمایشی انجام گرفت. جامعه آماری این تحقیق کلیه ی دانش آموزان دختر و پسر پایه ی پنجم و ششم شهر بیرجند در سال ۹۲-۹۳ بودند. با توجه به حجم جامعه (۲۰۰۰ نفر) و بر مبنای استفاده از فرمول کوکران^۱، حجم نمونه ۳۰۰ نفر با آلفای ۰/۰۵ برآورد و نمونه مورد بررسی به شیوه خوشه ای انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفت.

ابزار گردآوری اطلاعات

در این پژوهش برای گردآوری داده ها از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است. بر همین اساس، فرهنگ مطالعه نیز که یکی از مظاهر فرهنگ در سطح کلان است، می تواند دارای سه لایه باشد: ۱- ارزش ها و باورها (میزان اهمیت و ارزش مندی مطالعه برای فرد) ۲- هنجارها و قواعد (آگاهی از چگونگی مطالعه و نحوه امانت گرفتن کتاب از کتابخانه) ۳- جلوه ها (تظاهرات بیرونی و قابل مشاهده همانند ساعات مطالعه، میزان کتاب های موجود در منزل و یا میزان مراجعه به کتابخانه جهت مطالعه) که این لایه ها به عنوان مؤلفه های پرسشنامه در نظر گرفته شده است (شاین، ۱۳۸۳: ۸۹). به منظور روایی از روایی محتوای استفاده و مورد تأیید قرار گرفت. به منظور پایایی از آلفای کرونباخ استفاده شد که ۰/۸۴ به دست آمد.

روش تجزیه و تحلیل داده ها

در این تحقیق از روش های آماری تحلیل واریانس و آزمون t مستقل استفاده شده است.

یافته ها

۱) آیا فرهنگ مطالعه در دانش آموزان بر حسب جنسیت متفاوت است؟

جدول ۱) آزمون T مستقل برای بررسی فرهنگ مطالعه در دانش آموزان بر حسب جنسیت

مؤلفه ها	جنسیت	میانگین	t	df	sig
ارزش	پسر	۶/۸۲	-۰/۶۱۷	۲۹۸	۰/۵۳۸
	دختر	۶/۹۴			
هنجار	پسر	۷/۱۷	۵/۳۹	۲۹۸	۰/۰۰۰
	دختر	۶/۰۸			
جلوه	پسر	۴/۴۴	۱/۸۳	۲۹۸	۰/۰۶۷
	دختر	۴/۱۰			
خانواده	پسر	۴/۸۸	۰/۲۷	۲۹۸	۰/۷۸۶
	دختر	۴/۸۲			

در جدول ۱ نتایج نشان داد مؤلفه ی هنجار بر حسب جنسیت متفاوت است و میانگین هنجار در پسران بیشتر از دختران است ($p < ۰/۰۱$ ، $T=۳۹/۵$). از این رو، فرهنگ مطالعه دانش آموزان پسر در سطح معناداری، بالاتر از دانش آموزان دختر است.

۲) آیا فرهنگ مطالعه در دانش آموزان بر حسب سواد مادر متفاوت است؟

جدول ۲) آزمون تحلیل واریانس مربوط به فرهنگ مطالعه بر حسب سواد مادر

مؤلفه ها	مجموع مجزورات	df	f	sig
ارزش	۹/۰۲۱	۵	۰/۶۷۱	۰/۶۴۵
	۷۷۶/۵۸	۲۸۹		
	۷۸۵/۶۰	۲۹۴		
هنجار	۷۳/۶۷	۵	۴/۶۳۸	۰/۰۰۰
	۹۱۸/۱	۲۸۹		
	۹۹۱/۷۷	۲۹۴		

جلوه	۲۵/۲۶ ۷۴۹/۰۳ ۷۷۴/۳۰	۵ ۲۸۹ ۲۹۴	۱/۹۵۰	۰/۰۸۶
خانواده	۵۲/۲۹ ۱۱۰/۱۰۰۶ ۱۱۵۳/۳۰	۵ ۲۸۹ ۲۹۴	۲/۷۴۵	۰/۰۱۹

در جدول ۲ نتایج تحلیل واریانس نشان داد که در بُعد هنجار ($df=۶۳۸$, $p<۰/۰۱$) و خانواده ($df=۷۴۵$, $p<۰/۰۵$) برحسب سواد مادر تفاوت معناداری به لحاظ آماری مشاهده شد. آزمون تعقیبی توکی^۱ نشان داد مادارنی که دارای مدرک تحصیلی دبیرستان و بالاتر می باشند در مقایسه با مادران بی سواد و دارای مدرک تحصیلی ابتدایی و راهنمایی، فرزندان شان در مؤلفه های ذکر شده از فرهنگ مطالعه در سطح بالاتری قرار داشتند.

۳) آیا فرهنگ مطالعه در دانش آموزان برحسب سواد پدر متفاوت است؟

جدول ۳) آزمون تحلیل واریانس مربوط به فرهنگ مطالعه برحسب سواد پدر

مؤلفه ها	مجموع مجزورات	df	f	sig
ارزش	۲۳/۳۷ ۷۵۹/۴۲ ۷۸۲/۸۰	۵ ۲۸۶ ۲۹۱	۱/۷۶	۰/۱۲۱
هنجار	۵۷/۷۳ ۹۲۲/۷۰ ۹۸۰/۴۳	۵ ۲۸۶ ۲۹۱	۳/۵۷	۰/۰۰۴
جلوه	۲۰/۲۶ ۷۴۱/۵۷ ۷۶۱/۸۳	۵ ۲۸۶ ۲۹۱	۱/۵۶	۰/۱۷۱
خانواده	۴۷/۶۲ ۱۰۸۶/۴۲ ۱۱۳۴/۰۴	۵ ۲۸۶ ۲۹۱	۲/۵۰	۰/۰۳۰

در جدول ۳ نتایج تحلیل واریانس نشان داد که در بُعد هنجار ($df=۵۷$, $p<۰/۰۱$) و خانواده ($df=۵۰$, $p<۰/۰۵$) برحسب سواد پدر تفاوت معناداری به لحاظ آماری

1. Tukey

مشاهده شد. آزمون تعقیبی توکی نشان داد دانش آموزانی که پدران شان دارای مدرک تحصیلی لیسانس و بالاتر هستند از فرهنگ مطالعه بالاتری در مقایسه با دانش آموزانی که پدران شان دارای مدرک تحصیلی ابتدایی و راهنمایی بودند، برخوردار می باشند.

۴) آیا فرهنگ مطالعه در دانش آموزان بر حسب محل سکونت متفاوت است؟

جدول ۴) آزمون T مستقل برای بررسی فرهنگ مطالعه در دانش آموزان دختر و پسر بر حسب محل

سکونت

مؤلفه ها	محل سکونت	تعداد	میانگین	t	df	sig
ارزش	پایین شهر	۱۶۹	۷/۰۵	۲/۲۰۱	۲۹۱	۰/۰۲۹
	بالاشهر	۱۲۴	۶/۶۲			
هنجار	پایین شهر	۱۶۹	۶/۴۹	-۱/۹۷	۲۹۱	۰/۰۵۰
	بالاشهر	۱۲۴	۶/۹۱			
جلوه	پایین شهر	۱۶۹	۴/۲۰	-۱/۰۶	۲۹۱	۰/۲۸۷
	بالاشهر	۱۲۴	۴/۴۱			
خانواده	پایین شهر	۱۶۹	۴/۶۷	-۱/۸۰	۲۹۱	۰/۰۷۳
	بالاشهر	۱۲۴	۵/۰۹			

در جدول ۴ نتایج نشان داد مؤلفه ی ارزش بر حسب محل سکونت متفاوت است و میانگین ارزش در پایین شهر بیشتر از بالاشهر است. بنابراین ارزش در پایین شهر در سطح معناداری بالاتر از بالاشهر است که با $p < 0.05$ ، $T = 2.01$ معنادار می باشد.

نتیجه گیری

در بررسی فرهنگ مطالعه بر حسب جنسیت دانش آموزان، تفاوت معناداری مشاهده شد. نتایج به دست آمده با نتایج شریفی، شقاقی و شریفی (۱۳۹۰) که نشان دادند پسران بیش از دختران مطالعه می کنند، همسو می باشد و با یافته های زیمرمن (Zimmerman, 1990)، پنتریچ و دی گروت (Pintrich & De-Groot, 1990)، محمدی (۱۳۷۶)، قنایزچی و داورپناه (۱۳۸۶) که نتایج نشان دادند زنان نسبت به مردان، به طور معناداری

به مطالعه و کتاب خوانی گرایش مثبت نشان می دهند و بیشتر از مردان مطالعه می کنند و هم چنین با یافته های گامبل و هانتز (Gambell & Hunter, 2000) که در مطالعه ای روی نوجوانان استرالیایی نشان دادند که دختران مطالعه را جالب تر و ساده تر می دانند و در مقابل پسران مطالعه را فعالیتی کسل کننده تلقی می کنند، غیر همسو می باشد.

در تبیین این یافته می توان این گونه بیان داشت که عوامل و انگیزه های مختلفی وجود دارد که پسران در مقایسه با دختران از نظر مطالعه در سطح بالاتری بوده اند چرا که پسران بیش از دختران برای مقاصد منفعت طلبانه، مطالعه می کنند (Greany, 1980؛ بحرانی، ۱۳۷۹). از آنجا که فرهنگ مطالعه وابسته به فرهنگ است و در ایران مردان مسؤول تعیین معاش خانواده بوده و با توجه به رویکرد منفعت طلبانه به مطالعه، نتایج منطقی می نماید.

یافته ها نشان داد تحصیلات پدر و مادر بر فرهنگ مطالعه دانش آموزان نقش دارد. این یافته ی پژوهش با یافته های رضاپور (۱۳۷۸) که نشان داد والدینی که خود اهل مطالعه می باشند، فرزندان خود را نیز به مطالعه تشویق و ترغیب می نمایند و میزان تأثیر پدر نسبت به مادر در مطالعه ی غیردرسی دختران دانش آموز، بیشتر است. مفتخر (۱۳۵۲) نشان داد عامل اصلی عدم علاقه جوانان ایرانی به مطالعه، نشأت گرفته از محیط خانواده است. معرف زاده و ایرجی (۱۳۸۹) نشان دادند بین سطح سواد والدین دانش آموزان و میزان مطالعه آنها، رابطه ی معناداری وجود دارد، همسو می باشد. همچنین نتایج پژوهش با یافته ی هوشمند (۱۳۸۹) که نشان داد اثر تحصیلات و شغل والدین در میزان مطالعه دانش آموزان معنادار نیست، غیر همسو می باشد.

از سویی دیگر یافته ها نشان داد در بررسی فرهنگ مطالعه برحسب محل سکونت در مؤلفه ی ارزش، تفاوت معناداری به لحاظ آماری مشاهده شد. این یافته ی پژوهش با یافته ی گرینی (Greany, 1980) که نشان داد کودکان طبقات کارگری خیلی کم کتاب می خوانند و یافته خنیفر، طاهری و سیار (۱۳۹۳) که نشان دادند بین دانش آموزان شهری و روستایی به لحاظ فرهنگ مطالعه تفاوت وجود دارد، همسو می باشد. بنابراین می توان گفت یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار بر میزان مطالعه و هوش

کلامی دانش آموزان، محیط خانوادگی آنان می باشد (Greany & Hegarty, 1987)؛ (Orourke, 1979).

منابع

- بحرانی، محمود (۱۳۷۹). "بررسی عوامل مؤثر بر میزان کتابخوانی و مطالعه آزاد دانش آموزان متوسطه در استان فارس". *مجله علوم تربیتی و روانشناسی*، دوره هفت، ش ۳-۴ (پاییز و زمستان): ۸۵-۱۰۲.
- به پژوه، احمد (۱۳۸۰). "خانواده، کتاب و فرهنگ کتابخوانی". *مجله پیوند*، ش ۲۶۹ (مهر): ۵۲-۶۳.
- خنیفر، حسین؛ طاهری، فاطمه؛ سیار، ابوالقاسم (۱۳۹۳). "راهکارهای اجرایی ارتقاء فرهنگ مطالعه در بین دانش آموزان". *فصلنامه مطالعات ملی کتابداری و سازماندهی اطلاعات*، دوره بیست و هفت، ش ۲ (تابستان): ۸۶-۱۰۵.
- دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۸۷). *سیری در تربیت اسلامی*. تهران: دریا.
- رضاپور، یوسف (۱۳۷۸). "بررسی تحلیلی و تطبیقی کتاب های درسی پایه سوم دوره ابتدایی با عوامل خلاقیت". *فصلنامه علمی- پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء*، دوره سه، ش ۹ (بهار): ۷۱-۹۴.
- روشه، گی. (۱۳۷۹). *کنش اجتماعی*. ترجمه هما زنجانی زاده. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- سالاری، محمود (۱۳۹۱). "واکاوی و تبیین عوامل عمده مؤثر بر فرهنگ مطالعه در ایران و ارائه مدلی مناسب برای توسعه آن". پایان نامه دکتری علوم کتابداری و اطلاع رسانی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه فردوسی مشهد.
- شاین، ادگار اچ. (۱۳۸۳). *مدیریت فرهنگ سازمانی و رهبری*. ترجمه برزو فرهی بوزنجانی و شمس الدین نوری نجفی. تهران: سیمای جوان.
- شریفی، لیلی؛ شقاقی، مهدی؛ شریفی، صابر (۱۳۹۰). "بررسی رابطه انجام بازی های رایانه ای و میزان مطالعه دانش آموزان مقطع راهنمایی (مطالعه موردی:

- شهر کرج). "تحقیقات کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاهی، دوره پانزدهم، ش ۵۷ (بهار): ۱۱۱-۱۳۴.
- صبا، ایرج (۱۳۷۱). *شیوه بهره‌گیری از کتابخانه و منابع آن (آشنایی با کتابخانه و اصول کتابداری)*. تهران: دانشگاه پیام نور.
- عظیمی، حسین (۱۳۷۱). *مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران*. تهران: نی.
- غفاری، سعید (۱۳۸۱). "شیوه‌های عادت به مطالعه در کودکان". *فصلنامه پیام کتابخانه*، دوره دوازدهم، ش ۳-۴ (پاییز و زمستان): ۱۴-۲۱.
- فولادچنگ، محبوبه؛ لطیفیان، مرتضی (۱۳۸۷). "نقش ادراک از بافت خانوادگی در خودگردانی، عادت‌های مطالعه، اطمینان به خود و ادراک از درس در دانش‌آموزان پایه اول دبیرستان". *مجله روانشناسی و علوم تربیتی*، دوره سی و هشت، ش ۲ (تابستان): ۱۲۵-۱۴۵.
- قنایزچی، محمدعلی؛ داورپناه، محمدرضا (۱۳۸۶). "بررسی عوامل تسهیل‌کننده و بازدارنده مطالعه و رابطه انگیزش به مطالعه و کتاب‌خوانی با الگوی انگیزشی مزلو". *کتابداری و اطلاع‌رسانی*، دوره ده، ش ۴ (زمستان): ۸۹-۱۱۰.
- کاربخش راوری، ماشاءالله (۱۳۷۸). *چگونه کودکان و نوجوانان را به مطالعه علاقه‌مند کنیم؟* تهران: مدرسه.
- کاردانیان، زهرا (۱۳۷۵). *بررسی علل عدم گرایش دانش‌آموزان دبیرستانی به مطالعه کتب غیردرسی و تحقیق*. همدان: اداره کل آموزش و پرورش استان همدان، شورای تحقیقات.
- کریمی، عبدالعظیم (۱۳۸۲). گزارش اجمالی نتایج بین‌المللی پرلز ۲۰۰۱. (پژوهشکده تعلیم و تربیت، دفتر پرلز). تهران: عابد.
- کازهی، حسین (۱۳۸۶). "رویکردی بر فرهنگ مطالعه و کتابخوانی، موانع و راهکارهای ترویج آن در شهرستان بیرجند". *مطالعات فرهنگی-اجتماعی خراسان جنوبی*، دوره دو، ش ۵-۶ (بهار و تابستان): ۹۹-۱۱۴.
- محمدی، زهرا (۱۳۷۶). *بررسی میزان علاقه‌مندی نوجوانان و جوانان به مطالعه*

- کتاب. سمنان: اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان سمنان.
- مفتخر، مریم (۱۳۵۲). "تحقیقی در باب عادات مطالعه جوانان". پایان نامه کارشناسی ارشد کتابداری و اطلاع رسانی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه تهران.
 - معرف زاده، عبدالحمید؛ ایرجی، شهرزاد (۱۳۸۹). "بررسی عوامل ترغیب کننده و بازدارنده مطالعه در میان مراجعان کتابخانه های عمومی شهرستان ماهشهر". تحقیقات اطلاع رسانی و کتابخانه های عمومی، دوره شانزدهم، ش ۱ (بهار): ۱۴۳-۱۷۰.
 - هوشمند، مهرداد (۱۳۸۹). "راهکارها و موانع توسعه و ترویج فرهنگ مطالعه و کتاب خوانی در بین دانش آموزان متوسطه شهرستان نهاوند". مجله فرهنگیان، دوره سی و هفت، ش ۱ (بهار): ۱۳۲-۱۵۹.
 - Greany, V. (1980). "Factors related to amount and type of leisure time reading". Reading Research Quarterly, Vol. 15, No. 3: 337-357.
 - ----- (1986). "Parental Influences on reading". The Reading Teacher, Vol. 39, No. 8: 813-817.
 - Greany, V.; Hegarty, M. (1987). "Correlates of Leisure- time reading". Reading Research Quarterly, Vol. 10, No. 1: 3-20.
 - Gambell, T.; Hunter, D. (2000). "Surveying gender differences in Canadian school literacy". Journal of Curriculum Studies, Vol. 32, No. 5: 689-719.
 - Moon, Cliff; Gordon, Wells (1979). "The influence of home on learning to read." Journal of Research in Reading, Vol. 2, No. 1: 53-62
 - Numkwn, S. N. (1994). "Reading habits and library development". Library Focus, Vol. 12, No. 1-2: 141-181.

- Ogunrombi, S. A.; Adio, Gboyega (1995). "Factors affecting the reading habits of secondary school students". Library Reviews, Vol. 44, No. 4: 50-57.
- O'Rourke, W. J. (1979). "Are parents an influence on adolescent reading habits?". Journal of Reading, Vol. 22, No. 4: 340-343.
- Pintrich, P. R.; De-Groot, E. V. (1990). "Motivational and Self- Regulated learning components of classroom academic performance". Journal Educational Psychology, Vol. 82, No. 1: 33-40.
- Zimmerman, B. J. (1990). "Self-regulated learning and academic achievement: An overview". Educational psychologist, Vol. 25, No. 1: 3-17.

اثر نظم اجتماعی خرد در خانواده بر اقدامات زمینه ساز طلاق به واسطه ی کشمکش

مطالعه موردی: فرزندان شاهد مشهد

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۴/۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۷/۲۰

مریم اسکافی^۱

حمید مسعودی^۲

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی چگونگی تأثیر ابعاد چهارگانه نظم خرد به واسطه ابعاد دوگانه کشمش بین زوجین، بر طلاق است. چارچوب نظری تحقیق نظریه ترکیبی نظم خرد چلبی (برگرفته از نظریه پارسونز) و نظریه تقابل اجتماعی زیمل است که در آن، خانواده به عنوان نظامی اجتماعی در نظر گرفته شده و دارای چهار خرده نظام همدلی، همفکری، همبختی و همگامی مشترک است. روش تحقیق حاضر، روش پیمایشی از نوع مطالعات مقطعی، پنهانگر، توصیفی-تبیینی و کاربردی و نیز در سطح جامعه شناسی میانه است، زیرا اقدامات طلاق را در خانواده ها بررسی نموده است. جامعه آماری پژوهش، کلیه فرزندان متأهل شاهد ساکن در شهر مشهد بودند که یکی از زن و شوهر، بنا به اعلام از سوی مرکز بنیاد شهید انقلاب اسلامی در سال ۸۵ فرزند شهید بوده اند. تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار لیزرل انجام گردیده است. نتایج این تحقیق نشان داد که، نظم خرد به میزان ۰/۷۱- بر متغیر کشمکش (کشمکش کمی و کیفی) و متغیر کشمکش نیز به میزان ۰/۸۹ بر اقدامات زمینه ساز طلاق مؤثر است. نتیجه این است که نظم خرد در خانواده از طریق کشمکش بر اقدامات زمینه ساز طلاق مؤثر است و کشمکش نقش واسط را بازی می کند.

واژگان کلیدی: اقدامات طلاق، نظریه نظم خرد در خانواده، خانواده، کشمکش بین زوجین، تقابل اجتماعی

۱. استادیار جامعه شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گناباد، نویسنده مسؤول

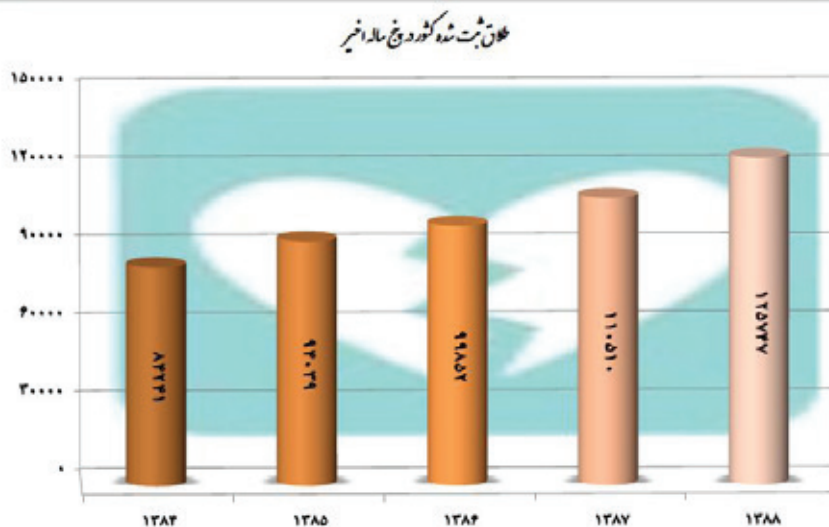
meskafi@yahoo.com

۲. دانشجوی دکترای توسعه اقتصادی - اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد

massoudihamid@gmail.com

مقدمه

خانواده از مهم ترین عناصر نظام اجتماعی است که تغییرات مثبت و منفی مختلف در آن، اثرات و پیامدهای بسیار مؤثر و عمیقی را در سطح جامعه برجا گذاشته و خواهد گذاشت. بنابراین، به منظور برطرف کردن بسیاری از مشکلات اجتماعی، پرداختن به خانواده و مشکلات آن، بسیار حائز اهمیت است. طبق نظریه دورکیم، علامت تشخیص واقعیت های طبیعی و مرضی، عمومیت است. اگر امری در جامعه ای عمومیت یافت، طبیعی است و از حالت طبیعی خارج می شود. یکی از نشانه های عمومیت، میزان یا نرخ آن امر است که اگر از حد معینی تجاوز کند، به پدیده ای مرضی تبدیل می شود. با این وصف، طلاق در جامعه ایران به امری مرضی تبدیل گشته است، زیرا میزان شیوع آن سالانه افزایش می یابد. بر اساس آمار اداره کل ثبت احوال خراسان رضوی، آمار طلاق در کشور در دهه گذشته نرخ رو به رشدی داشته است. این آمار در استان خراسان رضوی و بویژه شهر مشهد در دهه گذشته بالاتر از نسبت کشوری است. این امر، اهمیت و ضرورت اجرای این تحقیق را دوچندان می نماید. طبق نمودار ۱، آمار طلاق های ثبت شده در کشور از سال ۸۴ تا ۸۸ براساس آمار مرکز آمار ایران، روبه رشد است.



نمودار ۱) تعداد طلاق های ثبت شده در کشور از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸ (منبع: سازمان آمار ایران، ۱۳۹۰)

تحقیقات زیادی در ایران از جمله فاتحی دهاقانی و نظری (۱۳۹۰) و هنریان و یونسی (۱۳۹۰) انجام گرفته که نشانگر افزایش طلاق است. اثرات این معضل بر قشر خاصی از جامعه، مانند بازماندگان جنگ نیز حائز اهمیت بسزایی است. فرزندان شاهد نه تنها مشکل بی پدری را در دوران طفولیت احساس نموده‌اند و با ناراحتی‌ها و مسائل آن تا دوران بلوغ دست و پنجه نرم کرده‌اند، بلکه ممکن است اثرات آن در زمان ازدواج نیز گریبان گیر آنان شود. بنابراین، به علت فقدان پدر در خانواده و احساس خلأ ناشی از آن، همواره در معرض خطر و آسیب پذیری بیشتری بوده و هستند، به گونه‌ای که با اختلال در کارکردهای اساسی خانواده‌ی پدری‌شان، مهارت‌های زندگی، سلامت روانی، شیوه‌ی زندگی و الگوهای تعاملی آنان و به طور کلی کارکردهای اجتماعی آنان در معرض آسیب قرار می‌گیرد. این آسیب دیدگی ممکن است به مراحل بعدی زندگی آنان در مراحل همسرگزینی، تشکیل خانواده و زندگی خانوادگی نیز سرایت کند و تأثیرات آسیبی خود را بگذارد. بدین ترتیب، این مقاله در پی آن است تا به شناخت اثر نظم خرد در خانواده در اقدامات زمینه ساز طلاق در بین این قشر از جامعه، در شهر مشهد بپردازد. مصاحبه با مشاور و مددکاران بنیاد شهید در شهر مشهد نشان می‌دهد که پرونده‌های مربوط به اختلافات خانوادگی نسبت به پنج سال پیش، به دو برابر افزایش یافته است و اکثر اختلافات بین زوجین زیر ۳۰ سال است. بدین لحاظ، به نظر می‌رسد تلاش در جهت شناخت آسیب‌های اجتماعی که بر نهاد خانواده در دوران معاصر تأثیر می‌گذارد، بهتر می‌تواند در جهت تداوم و پایداری آن در سطح جامعه، مؤثر باشد.

پیشینه تحقیق

پیشینه تحقیق به دو دسته تقسیم می‌شود. تحقیقات مربوط به مشکلات خانواده‌های نظامی و تحقیقات مرتبط با مشکلات زوجین. تحقیقات دسته اول نشان می‌دهند که دوری از والدین ممکن است نتایج منفی اجتماعی و عاطفی برای خانواده‌های نظامی و فرزندان آنها داشته باشد (Chandra et al., 2010; Chartrand et al., 2008; Hoge, et al., 2004; Horton, et al., 2005; Mansfield et al., 2010; Weber & Weber., 2005)

مرور تاریخچه این موضوع، نشان داده است که غیبت شوهر به علت دوری، که تمام اعضای خانواده آن را تجربه می کنند، به عنوان عمده ترین عامل استرس زا توصیف شده است (Cozza, Chun & Polo, 2005; Drummet, Coleman & Cable, 2009).

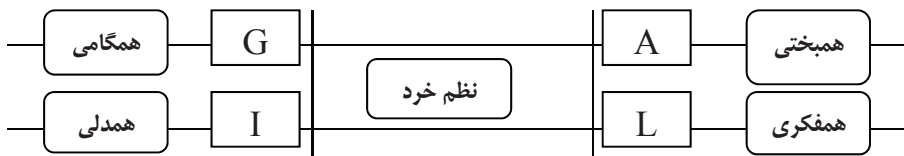
علاوه بر این، تحقیقات به عنوان مثال مک داول، پارک و وانگ (McDowell, Parke & Wang, 2003) نشان می دهند که پدران، نقش متفاوتی در پیشرفت اجتماعی، احساسی کودکان بازی می کنند. وقتی شوهر دور از خانواده است، تمام اعضای خانواده، غیبت او را به عنوان یک عامل استرس زای عمده تجربه می کنند. خانواده های نظامی، نه تنها با فشارهای ناشی از جدایی در طول دوران خدمت مواجهند (Mansfield et al., 2010; Hoge et al., 2004; Chartrand et al., 2010)، بلکه آنها با مجموعه ای جدید از عوامل استرس زا در زمان تجدید دیدار نیز روبرو می شوند (Palmer, 2008). در تحقیقات دسته دوم، قریشی، شیرمحمدی و برجوند (۱۳۹۳) براساس نظریه زمینه ای برای فهم عوامل طلاق از منظر افراد در معرض طلاق و طلاق گرفته در شهر سقز، به این نتیجه دست یافتند که اختلالات رفتاری، نهادها و ارزش های جدید، حمایت نهادی، عدم شناخت قبل از ازدواج، ضعف اقتصادی و تفاوت های فرهنگی طبقاتی زوجین، از عوامل طلاق هستند. در تحقیق یگانه مهر (۱۳۹۲)، بین شغل و تغییر نگرش به زندگی خانوادگی و ناسازگاری، رابطه معنادار وجود دارد. هنریان و یونسی (۱۳۹۰) در بررسی علل طلاق در دادگاه های خانواده تهران، به این نتیجه رسیدند که بیشترین متقاضیان دارای سن ۲۰ تا ۳۰ سال، در ۵ سال اول زندگی و دارای تحصیلات دیپلم بودند و عامل عدم مهارت های ارتباطی نسبت به سایر علل طلاق، از رتبه بالاتری برخوردار بود. در تحقیق غیائی، معین و روستا (۱۳۸۹) مشخص شد که برآورده نشدن انتظارات نقش همسری، خشونت همسر و عدم صداقت ۶۹٪ از تغییرات گرایش به طلاق را در بین زنان شیراز مراجعه کننده به دادگستری تبیین کرده است. سفیری، آراسته و موسوی (۱۳۸۹) در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که با بالا رفتن سرمایه ی فرهنگی زنان، روابط آنها با همسر، آزادانه تر می شود و بین میزان درآمد شوهر و منزلت شغلی شوهر با نوع روابط همسران

رابطه‌ی معناداری وجود دارد. در تحقیق غضنفری (۱۳۸۹)، خشونت روانی و جسمی در بین انواع خشونت تجربه شده در زنان شایع تر بودند. از بین الگوهای خانوادگی، الگوی همکاری، همدلی و هماهنگی و از بین متغیرهای پیش‌بینی‌کننده‌ی الگوی روابط خانوادگی، اختیار زن در تصمیم‌گیری، با تجربه‌ی خشونت در زنان، همبستگی معکوس داشت. به علاوه، تصور سلطه مرد نسبت به زن با الگوی پرخاشگری در خانواده رابطه‌ی مستقیم داشت. یعنی هنگامی که روابط اعضای خانواده براساس همکاری و تشریک مساعی باشد، میزان تجربه‌ی خشونت خانوادگی در زنان، کاهش می‌یابد. در تحقیق صدیق‌اورعی و اصغریور ماسوله (۱۳۸۸)، در طرحی پژوهشی، بررسی رابطه تضاد ارزشی میان همسران و ناسازگاری زوجین، به این نتیجه رسیدند که تضاد ارزشی میان همسران، موجب افزایش بروز رفتارهای ناسازگارانه از سوی هر دو می‌شود. نتایج تحلیل مسیر نشان داد اثر تضاد ارزشی بر اعمال ناسازگارانه شوهران برابر ۳۳/۰ و برای بانوان ۲۶/۰ است. در تحقیق شیخی و محمدی (۱۳۸۷) درباره گونه‌های کشمکش، اثر ساختار خانواده بر روابط خانوادگی مطالعه شده و به بررسی گونه‌های مختلف کشمکش از حیث نوع و شدت آن در خانواده‌های تک‌همسری و چندهمسری شهر زاهدان پرداخته است. نتایج نشان داد که زنان در ازدواج چندهمسر در مقایسه با خانواده‌های تک‌همسر، بالاترین سطح کشمکش در روابط قدرت، روابط عاطفی و روابط جنسی را تجربه می‌کنند. محمدی و شیخی (۱۳۸۷) در مطالعه دیگری نشان دادند که ارتباط معناداری بین ساختار خانواده با محتوای کشمکش و شدت کشمکش وجود دارد. بیشترین شدت کشمکش در بین خانواده‌های تک‌همسر گسترده و کمترین شدت کشمکش در بین خانواده‌های تک‌همسر هسته‌ای وجود دارد. همان‌طور که از تحقیقات واکاوی شده برمی‌آید، عوامل مؤثر بر طلاق، متغیرهای بسیار متنوع و متعددی است که با استفاده از نظریات مختلف، مورد بررسی قرار گرفته است. محقق در این تحقیق سعی کرده است از نظریات ترکیبی پارسونز و زیمل طوری استفاده نماید که دربرگیرنده‌ی مهم‌ترین و فراوان‌ترین متغیرهای مؤثر باشد.

مبانی مفهومی و نظری تحقیق

کشمکش، نقطه مقابل توافق و نظم است. بارتوس و ور (Burtous & Wehr, 2002: 9) کشمکش را conflict دانسته‌اند. طبق این تعریف، «اگر سطح ناسازگاری در گروهی افزایش یابد، احتمال رفتار کشمکش افزایش می‌یابد». این تعریف مبتنی بر این فرض است که کشمکش ریشه در ناسازگاری اهداف و یا دشمنی و یا هر دو مورد دارد که این همان رفتار کشمکش و ستیز است. پس کشمکش در اینجا «موقعیتی است که در آن اشخاص یا بازیگران از رفتاری ستیزه‌جویانه در مقابل هم برای دستیابی به اهداف ناسازگار و ناهماهنگ استفاده می‌کنند، یا دشمنی‌شان را بیان می‌کنند» (بارتوس و ور، ۱۳۹۱: ۲۸). همین موضوع را نظریه پردازانی چون کالینز و زیمل، در روابط زوجین به شکلی خاص بررسی نموده‌اند. آنها تعادل در روابط خانواده را در توافق بین زوجین بر سر برخی منابع می‌دانند (محمدی و شیخی، ۱۳۸۷: ۲۳). در واقع، هرگاه در تقسیم منابع ارزشمند و مشترک موجود در خانواده، خللی ایجاد شود تنش و برخورد میان اعضا، بازتولید می‌شود (گود، ۱۳۵۲: ۲۲). از نظر کالینز، شدت کشمکش و محتوای آن در خانواده، به شکل قابل توجهی نسبت به گروه‌های اجتماعی پیچیده‌تر است (محمدی و شیخی، ۱۳۸۷: ۲۳). کالینز و اسکات توافق بین فردی را در گروه‌های کوچک امکان‌پذیرتر می‌دانند، چون کنترل و پیش‌بینی رفتار افراد در شرایطی که نقش‌ها و پایگاه‌های متنوع و متفاوتی در یک واحد وجود دارد، دشوارتر است. پارسونز معتقد است مهمترین عامل در حفظ بقاء و تعادل یک نظام اجتماعی، تقسیم متعادل و توافق‌آمیز منابع است (همانجا). در این تحقیق، محقق منابع ارزشمند و مشترک را با استفاده از نظریه پارسونز در قالب نظریه نظم خرد چلبی (۱۳۹۰: ۲۶۶) در چهار خرده نظام در نظر گرفته است. طبق این نظریه، «دو عنصر اساسی سازنده جامعه در سطح خرد، فرد و تعامل است. از لحاظ تحلیلی، تعامل بالقوه دارای دو وجه عمده ابزاری و اظهاری است. از نظر وی، وجه ابزاری پایدار نیست و آنچه باعث پایداری است تعامل در وجه اظهاری است. زیرا از طریق تعامل اظهاری، "ما" یا "اجتماع" یا گروه اجتماعی شکل می‌گیرد». وی نظریه خود را در قالب

نظریه آجیل پارسونز، منتهی در سطح خرد، مطرح می‌کند. بر این اساس، وی معتقد است نظم اجتماعی خود دارای چهار مشکل ماهوی همفکری مشترک (L)، همگامی مشترک (G)، همدلی مشترک (I) و همبختی مشترک (A) است (نمودار ۲).



نمودار (۱) عناصر نظم در سطح خرد (چلبی، ۱۳۹۰: ۲۶۷)

نخستین ضرورت برقراری هر رابطه‌ای، وجود نمادها و اطلاعات مشترک است، یعنی بدون حداقل مجموعه‌ای از نمادها، اطلاعات و ارزش‌های مشترک، پایداری نسبی تعاملات و «ما» قابل تصور نیست. لذا یکی از مقتضیات نظم خرد فراهم کردن حداقل همفکری، درک مشترک و ارزشیابی مشترک نسبی است. در غیر این صورت، اگر همفکری مشترک در ابعاد پیش گفته نباشد، در سه عنصر نظم یعنی فرد، تعامل و «ما» اختلال حاصل می‌شود (همان: ۲۶۷). مشکل دوم نظم خرد (G) مسأله هماهنگی مشترک است. افراد ضمن این که نفع مشترک دارند، هم‌زمان به طور نسبی و بالقوه حائز منافع متضاد، بویژه در موقعیت کمیابی نیز هستند. بدین ترتیب، جهت جلوگیری از بالفعل شدن تضاد منافع و حاد شدن آن لازم است راه حلی پیدا شود، به طوری که از طریق سازش بیرونی، عملاً به نوعی وحدت عمل و همگامی مشترک نایل آیند. بنابراین، یکی از مسائل نظم خرد، همگامی مشترک است. بدیهی است در صورتی که مسأله همگامی مشترک (سازش بیرونی دو جانبه) حل نشود، مصالح جمعی و بلندمدت تحت الشعاع مصالح فردی و کوتاه مدت قرار می‌گیرد. نتیجه آن که اقلاً "ما" در ارتباط بیرونی، قدرت انطباقی خود را از دست می‌دهد و از لحاظ درونی دچار مشکل انسجامی می‌شود» (همان: ۲۶۷). مسأله سوم نظم در سطح خرد (I)، مسأله همدلی متقابل و احساس تعلق مشترک است. خمیرمایه اصلی "ما" تعلق افراد به یکدیگر و به ما است. فقدان حداقل نوعی همدلی و احساس تعلق مشترک یعنی نبود ما و اضمحلال ما به

"من" ها (همان: ۲۶۸). آخرین مشکل ماهوی نظم اجتماعی، همبختی مشترک است. مراد از همبختی مشترک، نفع مشترک و اقبال مشترک (خطر مشترک)، یعنی میزان نیاز متقابل افراد به تشریک مساعی فیزیکی است. مظهر عالی این تشریک مساعی تقسیم کار است. در صورت حل نشدن مسأله همبختی مشترک، سه عنصر، شخصیت (فرد)، تعامل و "ما" عمدتاً در بعد (A) دچار ضعف و اختلال می گردند (همان: ۲۶۷).

نظریه تقابل های اجتماعی

یکی از اساسی ترین کارهای زیمل، مسأله تقابل اجتماعی است. در سال ۱۹۰۳ میلادی برای اولین بار او نظریه ساده "جامعه شناسی تقابل" را مطرح ساخت. از نظر زیمل، ریشه تقابل های اجتماعی را می باید در غریزه ذاتی ستیزه جویی آدمی یافت که زمینه ساز نیل آدمی به اهداف اوست و لذا می باید تقابل را خصوصیت مشترک آدمیان در همه زمینه ها دانست و آن را گونه ای شکل اجتماعی بنیادین به حساب آورد (کوزر، ۱۳۸۴: ۲۳). تقابل را می توان به عنوان گونه ای رابطه ی خاص میان افراد، گروه ها و سازمان ها لحاظ کرد (همان: ۱۰). تقابل را می توان با تعاون تعریف کرد. «بدین معنا که آدمیان با هم توافق می کنند که براساس رویکردها بپردازند» (همان: ۲۳). زیمل، تقابل را به دو شکل درون گروهی و میان گروهی مطرح کرده است. وی آنجا که می خواهد از تقابل در روابط صمیمی و نزدیک سخن براند، از تقابل و کشمکش با عنوان "خصومت در روابط اجتماعی درهم تنیده" یاد می کند. «زیمل اعتقاد دارد در روابطی که طرفین در آنها حضوری کامل داشته و با تمامی شخصیت خود و نه به صورت جزئی حاضر می باشند، شاهد بروز فعالیت های عاطفی مانند عشق و نفرت، هم نوایی و بیزاری خواهیم بود. این امر به نوعی تداعی کننده ی مفهوم دوگانگی در آراء فروید است. این اصطلاح امروزه در روانکاوی، ارزشی محوری یافته است. در آراء فروید، دوگانگی به معنای احساسات لطیف و خصومت برانگیز علیه فردی واحد است. تفاوت فروید و زیمل در آن است که فروید واقعاً به تحلیل روانکاوانه ریشه ای پدیده نظر داشته، حال آن که زیمل، صرفاً آن را مورد مطالعه قرار داده است. به همین

سبب این واژه می تواند ما را در درک بهتر نظریات زیمل یاری کند» (همان: ۱۲۲). فروید در اثر خود به نام "روانشناسی توده و تحلیل من" می نویسد: «با توجه به آراء روانکاوانه، هر رابطه ی عاطفی صمیمانه ای میان دو فرد که از دوام زمانی برخوردار باشد - هم چون رابطه ی زناشویی، دوستی، رابطه والدین و فرزندان - دارای یک زمینه اصلی مبتنی بر احساسات خصمانه دفع کننده است که از میان رفتن آن ها، منوط به از دست دادن ادراک مربوطه است. چنان چه احساسات خصمانه متوجه فرد مورد علاقه ما باشد، در نتیجه، آن را به صورت احساسی دوگانه تلقی نموده و برای آن دست به توجیهی عقلایی خواهیم زد، زیرا در روابط صمیمی همیشه علت هایی جهت بروز تقابل علایق وجود دارد» (همان، ۱۲۳-۱۲۲). فروید هم چون زیمل، احساس دوگونی را به دلیل وجود رابطه صمیمانه قابل توضیح می داند، زیرا تحقق آن اساساً منوط به وجود روابطی این چنین است. او هم زمانی احساسات عاشقانه و تنفرانگیز را از امکانات بسیاری که موجب بروز تقابل می گردند و ریشه در روابط صمیمانه دارند، مشتق می داند. بدین معنا که شرایط برای بروز و گسترش احساسات خصمانه در گروه های اولین مهیاتر است تا در گروه های دومین، زیرا هرچه رابطه بیش تر مبتنی بر شرکت فعال و حضور کامل شخصیت باشد، به همان میزان هم این احتمال افزایش خواهد یافت که عشق و نفرت بیش تری ایجاد گردد (همان، ۱۲۴-۱۲۳). هرچه رابطه در هم تنیده تر و عاطفی باشد، به همان نسبت نیز گرایش شدیدتری برای پنهان کردن عواطف خصمانه صورت می گیرد تا آشکار نمودن آن (همان: ۱۲۶). علاوه بر بعد روانشناختی و جامعه شناختی، مطالعات نشانه شناختی نیز مؤید این نظر است. طبق نظر مالینفوسکی، هرچه گروهی کوچک تر و انجام کار در آن دارای انسجام بالاتر و تأکید بر علاقه های مشترک بیشتر باشد، به همان اندازه نیز تحریک اعضای گروه آسان تر است (همانجا). می توان تفکر زیمل را با توجه به تحقیقات معاصر در باب روابط خانوادگی، به نحو جالبی به تصویر کشید. «تحلیل های معاصر در باب شکست روابط زناشویی عموماً به این امر باز می گردد که بروز تقابل ها (چه از دید همسران و چه از نظر ناظران) ملاک مهمی است تا بتوان به کمک آن، سعادت و موفقیت یا عدم موفقیت را

در توسعه‌ی روابط خانوادگی پیش‌بینی نمود» (همان: ۱۶۳). با توجه به نحوه‌ی تفکر زیمل، سؤالی که پیش می‌آید این است که رفتار ستیزه‌گرایانه، بیانگر ثبات یا ضعف در روابط زناشویی است. براساس نظریه زیمل، می‌توان گفت: «نبود تقابل نمی‌تواند بیانگر قدرت و پایداری یک رابطه تلقی شود. روابط باثبات می‌توانند از طریق رفتار تقابلی نیز نشان داده شوند. روابط صمیمانه امکانات بیشتری برای بروز رفتار تقابلی ایجاد می‌کنند، لیکن هنگامی که طرفین متوجه شوند، امکان قطع رابطه وجود دارد، مسلماً سعی خواهند کرد تا از رفتار تقابلی پرهیز کنند، خاصه هنگامی که ستیزه را خطری برای تداوم روابط به حساب آورند. چنان چه روابط تنگاتنگ، غالباً از طریق تقابل‌ها ایجاد گردند، نه از طریق تجمع احساسات دوگانه‌ی عاطفی یا خصومت‌آمیز، بلکه به طور مسلم خواهیم دید که حضور فراوان تقابل، حقیقتاً می‌تواند نشانه‌ای جهت پایداری روابط باشد، به شرط آن که تقابل‌ها متوجه اصول زیربنایی وحدت گروه نباشند» (همان: ۱۶۶).

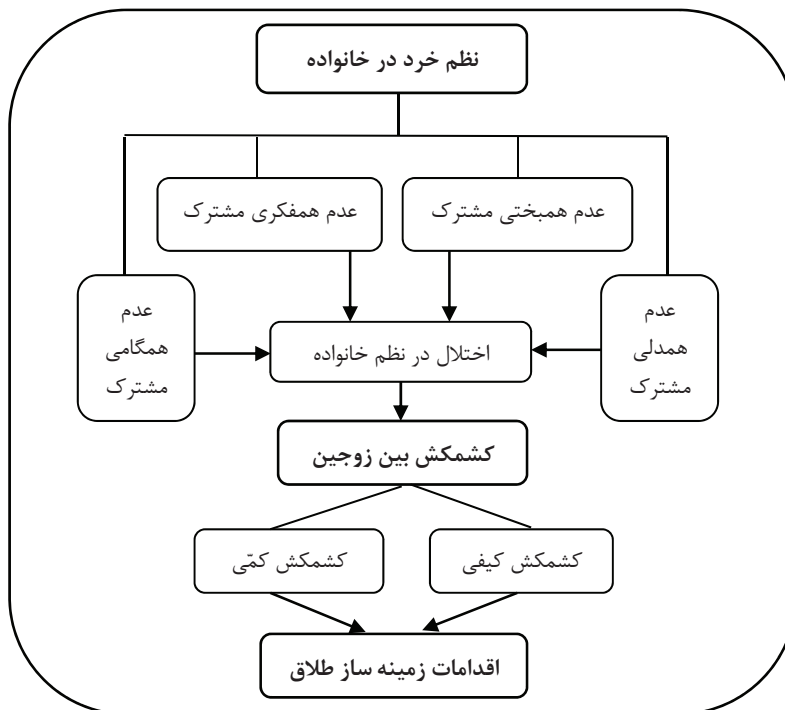
چارچوب نظری

براساس نظریه نظم خرد، علایق و اعتقادات مشترک، ایجاد کننده رابطه است و «در صورتی که عنصر عاطفه به آن اضافه شود تبدیل به گروه می‌گردد» (صدیق اورعی، ۱۳۹۲: ۲۷). پس هر خانواده متشکل از دو فرد (شوهر و بانو) است، یعنی خانواده، گروه است و از آنجا که در خانواده بیش از یک موقعیت وجود دارد، خانواده، سازمان نیز هست. بنابراین، تقابل در بین همسران می‌تواند از دو زاویه بررسی شود. تقابلی که از یک طرف، "تعارض" (همان: ۱۱) و از طرف دیگر، بیانگر "تقابلات رفتاری یا تقابلات نقشی" (همان‌جا) است. عاملان این تقابل، افراد هستند که «به جهت علایق خاص خود معمولاً مبادرت به تقابل می‌کنند» (کوزر، ۱۳۸۴: ۱۰).

در این تحقیق، تقابل همان کشمکش است که بارتوس و ور (۱۳۹۱) تعریف نموده‌اند. یعنی همسران برای رسیدن به اهداف ناسازگار، با یکدیگر رفتار ستیزه‌آمیز می‌کنند. در حالی که آنها یک گروه اجتماعی هستند که بر پایه عواطف و علایق و هنجارهای مشترک شکل می‌گیرد و برخلاف سازمان (بر پایه هدف مشترک) عواطف در آن نقش

پررنگ تری دارد زیرا خانواده (یا) "ما" براساس نظریه نظم خرد چلبی (۱۳۹۰) بر پایه عواطف مشترک (همدلی)، اهداف مشترک (همبختی مشترک) و اعتقادات مشترک (همفکری مشترک) شکل گرفته است، پس همگام با عقاید و اهداف خود (همگامی مشترک)، پیش می رود. هرچه زوجین در این چهار کارکرد، اشتراک بیشتری داشته باشند به گروه اولیه نزدیکترند و هرچه بیشتر از آن فاصله بگیرند، به سازمان و گروه ثانویه نزدیکترند. این دو حالت، به میزان توافق زوجین با هم بر سر موضوعات مهم و مختلف زندگی بستگی دارد. وقتی توافق از حد خاصی فاصله بگیرد، تبدیل به تقابل می شود.

در این تحقیق، به نوعی گونه ای از تقابل درون گروهی مطرح شده است که در آن ممکن است توافق لازم در چهار خرده نظام خانواده وجود نداشته باشد و منجر به تقابل یا کشمکش شود. اما همان طور که زیمل بیان داشته است، این تقابل طبیعی است، «زیرا در روابط صمیمی، همیشه علت هایی جهت بروز تقابل علایق وجود دارد» (همان: ۱۲۳). براساس نظریه زیمل، اگر تقابل بین زوجین اصول زیربنایی و اساسی وحدت بین آنها را خدشه دار نماید، پایداری خانواده را متزلزل می سازد. این اصول زیربنایی می تواند چهار کارکرد اصلی مورد نظر چلبی (۱۳۹۰) در نظم خرد باشد و کشمکش می تواند بنیان خانواده را برهم زند. براین اساس، مدل تحلیلی تحقیق شکل گرفته است که در نمودار ۳ مشاهده می شود.



نمودار ۳) مدل علی تحقیق

روش پژوهش

روش تحقیق در این پژوهش، پیمایشی و از حیث معیارهای مختلف طبقه بندی روش های تحقیق در علوم اجتماعی، از نوع مطالعات مقطعی، پنهانگر، توصیفی-تبیینی و کاربردی در سطح جامعه شناسی میانه است. جامعه آماری پژوهش، کلیه فرزندان متأهل شاهد ساکن در شهر مشهد می باشد که زن یا شوهر، فرزند شهید است. تعداد این فرزندان برابر با ۳۰۶۲ نفر است. واحد تحلیل در این تحقیق، خانواده و واحد مشاهده فرد است. برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده و تعداد ۲۵۰ نمونه به دست آمد و با استفاده از نمونه گیری تصادفی نظامند به افراد نمونه دست یافته شد. ابزار اصلی جمع آوری اطلاعات، پرسش نامه محقق ساخته است که همراه با مصاحبه توسط پرسشگر از پاسخگویان پرسیده شده است. برای تأمین روایی و پایایی تحقیق از روایی محتوایی به روش توافق داوران و آلفای کرانباخ استفاده شد. مقدار آلفا برای

همه متغیرها بالای ۷۰/۰ به دست آمد. براساس مدل تحلیلی تحقیق، فرضیات تحقیق عبارتند از:

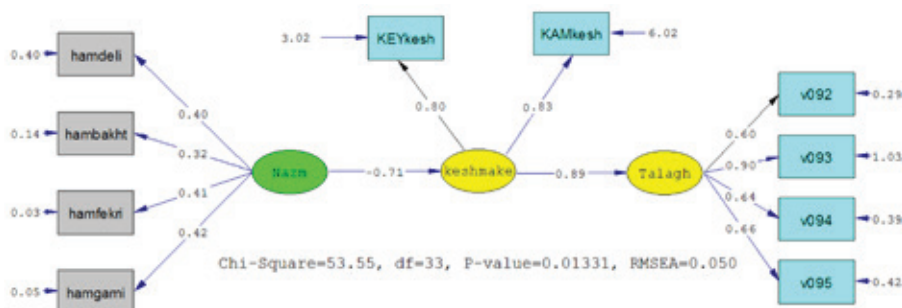
فرضیه اول: به نظر می رسد، نظم خرد در خانواده با کشمکش بین زوجین، رابطه منفی دارد.

فرضیه دوم: به نظر می رسد، هرچه کشمکش بین زوجین بیشتر باشد، اقدامات طلاق بیشتر خواهد شد.

فرضیه سوم: نظم خرد در خانواده از طریق کشمکش، اقدامات طلاق را تغییر می دهد.

یافته های پژوهش

همان طور که طرح نظری تحقیق نشان می دهد، نظم خرد متغیر مستقل، کشمکش متغیر رابط و اقدامات طلاق متغیر وابسته در نظر گرفته شده است. در ادامه با توجه به اهمیت آزمون طرح نظری پژوهش، داده های تحقیق وارد نرم افزار لیزرل (Lisrel) شده و در آن بررسی شده است. معادلات ساختاری مرکب از دو مدل اندازه گیری (تحلیل عاملی تأییدی) و مدل ساختاری (تحلیل مسیر) است. در این پژوهش نیز متغیرهای پنهان پژوهش بر اساس گویه ها، تحلیل عاملی و تأثیر متغیرهای مستقل بر وابسته نیز در قالب مدل ساختاری آورده شده است. هر دو مدل به صورت نمودار در زیر نشان داده شده است.



نمودار (۴) مدل معادلات ساختاری پژوهش

نمودار ۴ مقادیر بار عاملی و هم‌چنین مقادیر تأثیر متغیرهای مستقل بر وابسته را نشان می‌دهد. در این مدل مشخص است که در رابطه با متغیر نظم، مقادیر بار عاملی در اغلب متغیرهای مشاهده شده بالاتر از ۳۰٪ می‌باشد و هم‌چنین در سایر متغیرها نیز بارهای عاملی مقادیر بالایی نشان می‌دهند.

در بخش مدل ساختاری (تحلیل مسیر) نیز روشن است که، نظم خرد به میزان ۷۱/۰- بر متغیر کشمکش و از سوی دیگر متغیر کشمکش نیز به میزان ۸۹/۰ بر متغیر طلاق مؤثر است. به عبارت دیگر، می‌توان گفت متغیر نظم به میزان ۶۳/۰- تأثیر غیرمستقیم بر طلاق دارد. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت هرچه میزان نظم در خانواده‌ها کمتر باشد، میزان طلاق در آنها بیشتر شده است. چرا که این تأثیر منفی و معکوس است. اما در جدول ۲ نیز مقادیر معناداری طرح معادلات ساختاری آورده شده است.

جدول ۱) مقادیر معناداری طرح معادلات ساختاری

متغیر / مشاهده شده	متغیر	تأثیر / بار عاملی	مقدار t
نظم	کشمکش	-۷۱/۰	۷
کشمکش	طلاق	۸۹/۰	۷
همدلی	نظم	۴۰/۰	۹
همبختی	نظم	۳۲/۰	۵
همفکری	نظم	۴۱/۰	۱۸
همگامی	نظم	۴۲/۰	۱۷
کشمکش کمی	کشمکش	۸۳/۰	۶
کشمکش کیفی	کشمکش	۸۰/۰	۵
گویه اول	طلاق	۶۰/۰	۱۰
گویه دوم	طلاق	۹۰/۰	۱۰
گویه سوم	طلاق	۶۴/۰	۱۳
گویه چهارم	طلاق	۶۶/۰	۱۱

جدول ۲، نشان می دهد در اغلب موارد مقدار t بالاتر از ۲ است، پس مقدار بار عاملی و مقدار تأثیرها معنادار می باشد و هدف اصلی پژوهش، یعنی سنجش دو فرضیه مورد آزمون قرار گرفته، با تأیید آنها همراه بوده است.

برازش طرح

جهت برازش طرح معادلات ساختاری در نرم افزارهای مختلف، شاخص های مختلفی ارائه شده است و محقق در این بخش به ارائه چند مورد از آنها اشاره می کند. آزمون های برازش طرح به این سؤال پاسخ می دهند که طرح مورد نظر چقدر خوب و برازنده ی داده های پژوهش است. از این آزمون ها به مشهورترین آنها، یعنی آزمون های نیکویی برازش اشاره می شود. این آزمون ها بر آزمون کای اسکوئر مبتنی می باشند.

جدول ۳) شاخص های برازش طرح

ردیف	نام آزمون	چه زمانی مدل برازنده است؟	میزان در مدل	نتیجه
۱	χ^2	معنادار باشد	۵۳/۰	طرح برازنده
۲	RMR	هرچه به صفر نزدیک تر باشد	۰۵/۰	برازنده
۳	GFI	باید برابر یا بزرگتر از ۹/۰ باشد	۷۴/۰	تقریباً برازنده
۴	AGFI	باید برابر یا بزرگتر از ۹/۰ باشد	۸۰/۰	تقریباً برازنده
۵	RMSEA	اگر کوچکتر از ۱/۰ باشد	۰۵/۰	طرح برازنده
۶	NFI	باید بزرگتر از ۹/۰ باشد	۹۰/۰	برازنده
۷	CFI	باید بزرگتر از ۹/۰ باشد	۷۲/۰	تقریباً برازنده
۸	آلفای کرانباخ	بالاتر از ۰.۷۰	۹۳/۰	ابزار پایاست

جدول ۳ نشان می دهد که در اغلب شاخص های برازش، طرح ها از برازش مناسب و در برخی به طور تقریبی برخوردارند.

بحث و نتیجه گیری

در این مقاله به شناخت اثر نظم خرد در خانواده، در اقدامات زمینه ساز طلاق بین فرزندان متأهل شاهد در شهر مشهد پرداخته شده است. در این پژوهش کشمکش، با نظریه بارتوس و ور تعریف شده است. یعنی تقابل، زمانی ایجاد می شود که در واقع اهداف ناسازگار بین زوجین ایجاد شده است. اهداف ناسازگار در تعریف بارتوس و ور به این معنی است که یکی از طرفین یا به هدف خود می رسد، یا برای نشان دادن دشمنی، دست به رفتار ستیزه آمیز می زند و همین امر، ایجاد کننده کشمکش است، این شکل از ناسازگاری با نظریه زیمل نیز همخوانی دارد، زیرا وی معتقد است وقتی اعضای درون یک گروه، بسیار به هم نزدیک باشند، امکان ایجاد تقابل بیشتر است، یعنی تا رسیدن به توافق درون گروهی کلی، زمان زیادی طول می کشد که زیمل آن را امری طبیعی می داند. تا رسیدن به توافق دوباره، در واقع عدم تعادل در نظام وجود دارد. یعنی طبق نظریه نظم پارسونز و چلبی، نظام خانواده با چهار کارکرد همدلی، همفکری، همبختی و همگامی به تعادل می رسد، بنابراین زمانی که نظام خانواده کارکردهای چهارگانه خود را درست انجام ندهد، تعادل نظام به هم خورده و بی نظمی باعث کشمکش می گردد. در واقع، این بی نظمی در یکی یا هر چهار کارکرد مذکور با وجود اهداف ناسازگار بین زوجین ایجاد شده است. کالینز و زیمل نیز تعادل در روابط خانواده را در توافق بین زوجین بر سر برخی منابع می دانند. هم چنین، گود (۱۳۵۲) معتقد است «در واقع هرگاه در تقسیم منابع ارزشمند و مشترک موجود در خانواده خللی ایجاد شود، تنش و برخورد میان اعضاء بازتولید می شود». از آن جا که تحقیق حاضر در بین فرزندان شاهد صورت گرفته است، این ناسازگاری در اهداف بسیار بیشتر بروز می نماید، زیرا یکی از بزرگ ترین پیامدهای منفی نبود پدر، آسیب عاطفی شدید در بین فرزندان است که در ازدواج آنان، در بسیاری از موارد مشکل ایجاد کرده است و می تواند سرچشمه مشکلات دیگر در زندگی نیز باشد.

براساس نتیجه فرضیه دوم، هرچه کشمکش بین زوجین بیشتر باشد، اقدامات برای طلاق نیز بیشتر خواهد شد. این نتیجه نیز نشانگر این فرض زیمل است که اگر تقابل

بین زوجین، اصول زیربنایی وحدت آنها را خدشه دار نماید، پایداری خانواده را متزلزل می سازد. با کمی دقت می توان گفت این اصول زیربنایی می تواند چهار کارکرد اصلی مورد نظر چلبی در نظم خرد باشد که در بین اکثر زوجین قابل بررسی است و کشمکش نتیجه بی تعادلی در این چهار کارکرد است. از طرف دیگر، زیمل اعتقاد دارد در روابطی که طرفین در آنها حضوری کامل داشته و با تمامی شخصیت خود و نه بصورت جزئی حاضر می باشند، شاهد بروز فعالیت های عاطفی مانند عشق و نفرت، همنوایی و بیزاری خواهیم بود و همین احساسات، گاهی بی تعادلی ایجاد می کند.

بنابراین، فرضیه سوم نیز با این وصف تأیید می گردد، زیرا در واقع کشمکش در این تحقیق، نقش واسط را بازی می کند و بی تعادلی در خرده نظام های خانواده، از طریق کشمکش بر اقدامات زمینه ساز طلاق، اثر دارد.

نتایج مصاحبه های اکتشافی محقق با پاسخ گویان در حین پرکردن پرسشنامه نشان می دهد، این دسته زوجین، نسبت به افراد عادی با مشکلات بیشتری در زندگی خود روبرو می شوند، زیرا به گفته بسیاری از پاسخ گویان با نتایج تحقیقات (Weber & Weber, 2005; Chartrand et al., 2010; Chartrand et al., 2008; Hoge et al., 2004; Mansfield et al., 2010) در خارج از ایران، هماهنگی داشت که دوری از والدین مخصوصاً پدر نتایج منفی اجتماعی و عاطفی برای خانواده های نظامی و فرزندان آنها داشته است. همان طور که نتایج نشان داده است، براساس نظریه پارسونز و نظم خُرد چلبی، هرچه نظم خُرد در خانواده افزایش یابد، کشمکش و تقابل بین زوجین کاهش خواهد یافت، یعنی فرضیه اول تأیید گردید. از این نظر، نتایج این تحقیق با تحقیقات خارجی از جمله (Chartrand et al., 2010; Hoge, et al., 2004; Mansfield et al., 2010; Maguire & Timmerman, 2009) همخوانی دارد و در تحقیقات داخلی با نتایج تحقیق قریشی، شیرمحمدی و برجوند (۱۳۹۳)، یگانه مهر (۱۳۹۲) و هنریان و یونسی (۱۳۹۰) مشابهت دارد.

یکی دیگر از نتایج تحقیق این بود که میزان کشمکش از نوع کمی یا کیفی می تواند

منجر به اقدامات زمینه ساز طلاق گردد، یعنی فرضیه دوم نیز تأیید شد. این نتیجه نیز با نتایج تحقیق غیاثی، معین و روستا (۱۳۸۹)، غضنفری (۱۳۸۹) و صدیق اورعی و اصغرپور ماسوله (۱۳۸۸) همخوان است.

با توجه به نتایج به دست آمده و نقش بنیاد شهید می توان پیشنهادات زیر را اجرایی نمود:

با توجه به این که بنیاد شهید به عنوان سازمان حمایت کننده از فرزندان شاهد محسوب می شود، هم در بخش تحقیقات درباره همسران آینده فرزندان، می تواند با برگزاری کلاس ها و کارگاه های آموزشی و عملی متوالی و متعدد، نقش مؤثری ایفاء نماید و هم در انتخاب همسر متناسب با روحیه فرزندان، به خانواده ها کمک نماید و هم با شناخت وضعیت فرزندان شاهد، شرایط زندگی با چنین روحیاتی را برای همسران داوطلب با جزئیات واضح و مفصل روشن نماید تا تعادل بین کارکردهای خانواده ایجاد شود. استفاده از آزمون های شخصیت شناسی نیز موضوع کمک کننده بسیار مهم دیگری است که متأسفانه توجه زیادی به آن نشده است. اگر بنیاد شهید تلاش کند با انجام این آزمون ها در زمان ازدواج فرزندان، آنان را از وجود برخی ویژگی های شخصیتی خود آگاه سازد، در واقع می تواند راهنمای خوبی، برای انتخاب همسری متناسب با شخصیت آنها باشد.

زمینه سازی بنیاد شهید جهت آگاهی دادن بیش از پیش به فرزندان و خانواده ها در امر انتخاب همسر و همکاری و همیاری سازمان با خانواده ها در این امر خطیر که بدون تردید، یکی از بزرگ ترین سرچشمه های بی تعادلی است که این امر می تواند در قالب کلاس ها و کارگاه های مکرر و متوالی آموزشی به طور عملی اجراء گردد.

آگاهی دادن و مشاوره دلسوزانه و بسیار دقیق و جزئی به خانواده ها و فرزندان در امر همسررداری به صورت مکرر و مداوم پیشنهاد می شود. هر چند همسران شهداء در پرورش فرزندان خود نقش بسیار مهمی دارند، بنیاد شهید نیز در پرورش فرزندان آگاهی های زیادی به مادران بدهد.

منابع

- بارتوس، اتومارچی؛ ور، پائول (۱۳۹۱). کاربرد نظریه کشمکش. ترجمه علی کاظمی. تهران: زیتون سبز.
- چلبی، مسعود (۱۳۹۰). تحلیل اجتماعی در فضای کنش. تهران: نی.
- سفیری، خدیجه؛ آراسته، راضیه؛ موسوی، مرضیه (۱۳۸۹). "تبیین رابطه میزان سرمایه‌ی فرهنگی زنان شاغل با نوع روابط همسران در خانواده". زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، دوره‌ی هشتم، ش ۱ (بهار): ۷-۲۹.
- شیخی، محمدتقی؛ محمدی، نعیم (۱۳۸۷). "مطالعه تطبیقی روابط خانوادگی در خانواده‌های چندزن و تک همسر شهر زاهدان". پژوهش زنان، دوره ششم، ش ۴ (زمستان): ۱۸۳-۲۰۷.
- صدیق اورعی، غلامرضا (۱۳۹۲). مبانی جامعه‌شناسی یک. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد [جزوه کلاسی].
- صدیق اورعی، غلامرضا؛ اصغرپور ماسوله، احمدرضا (۱۳۸۸). "عدم توافق ارزشی زوجین و تأثیر آن بر ناسازگاری زوجین در مشهد". مطالعات اجتماعی ایران، سال چهارم، ش ۳ (پاییز): ۶۴-۸۵.
- عابدینی، صمد؛ ملکی، شراره؛ اربابی، اکرم (۱۳۹۱). "نقش عوامل اجتماعی بر دلسردی فضای خانواده در بین زوجین شهر تبریز". در: مجموعه مقالات نخستین کنگره ملی فضای مجازی و آسیب‌های اجتماعی نوپدید. تهران: وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی: ۱-۱۸.
- غضنفری، فیروزه (۱۳۸۹). "رابطه‌ی الگوی روابط خانوادگی و خشونت خانواده علیه زنان در استان لرستان". اصول بهداشت روانی، سال دوازدهم، ش ۲، پیاپی ۴۶ (تابستان): ۴۸۸-۴۹۵.
- غیاثی، پروین؛ معین، لادن؛ روستا، لهراسب (۱۳۸۹). "بررسی علل اجتماعی گرایش به طلاق در بین زنان مراجعه کننده به دادگاه خانواده‌ی شیراز". فصلنامه‌ی زن و جامعه، سال اول، ش ۳ (پاییز): ۷۷-۱۰۴.

- فاتحی دهاقانی؛ نظری، علی محمد (۱۳۹۰). "تحلیل جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر گرایش زوجین به طلاق در استان اصفهان". *مطالعات/امنیت/اجتماعی*، دوره جدید، ش ۲۵ (بهار): ۱۳-۵۴.
- قریشی، فردین؛ شیرمحمدی، داوود؛ برجوند، آوات (۱۳۹۳). "فهم عوامل طلاق از منظر مردان و زنان در معرض طلاق و طلاق گرفته (مطالعه موردی: شهر سقز)". *پژوهش‌های راهبردی/امنیت و نظم/اجتماعی*، سال سوم، ش ۱ (بهار و تابستان): ۱۹-۳۰.
- کوزر، لوئیس (۱۳۸۴). *نظریه تقابل‌های اجتماعی*. ترجمه عبدالرضا نواح. تهران: رسش.
- گود، ویلیام (۱۳۵۲). *خانواده و جامعه*. ترجمه ویدا ناصحی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- محمدی، نعیم؛ شیخی، محمدتقی (۱۳۸۷). "گونه‌شناسی کشمکش در خانواده‌های چندهمسری". *تحقیقات زنان*، سال دوم، ش ۴ (زمستان): ۲۱-۳۸.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۰). *آمارهای استان خراسان رضوی*. تهران: مرکز آمار ایران.
- هنریان، مسعود؛ یونسی، جلال (۱۳۹۰). "بررسی علل طلاق در دادگاه‌های خانواده تهران". *فصلنامه مطالعات روانشناسی بالینی*، سال اول، ش ۳ (تابستان): ۱۲۵-۱۵۳.
- یگانه مهر، زهرا (۱۳۹۲). "بررسی عوامل ناسازگاری زناشویی در شهرستان گرمسار در سال ۱۳۹۰". *فصلنامه دانش/انتظامی سمنان*، سال سوم، ش ۷ (بهار): ۵۵-۷۲.
- Burtos, Otomar j.; Wehr, Paul (2002). *Using conflict theory*. America. Cambridge university press.
- Chandra, A., et al. (2010). "Children on the homefront: The experience of children from military families". *Pediatrics*, Vol. 125, No. 1: 16-25.
- _____ (2010). "The Impact of Parental Deployment on Child Social and Emotional Functioning: Perspectives of School Staff". *Journal of Adolescent Health*, Vol. 46, Issue 3: 218-223.
- Chartrand, M.; Frank, D.; White, L. (2008). "Effect of parents'

- wartime deployment on the behavior of young children in military families*". Arch Pediatr Adolesc Med, Vol. 162, No. 11: 1009-1014.
- Cozza, S. J.; Chun, R.S.; Polo, J. A. (2005). "*Military families and children during Operation Iraqi Freedom*". Psychiatr Q, Vol. 76, No. 4: 371-378.
 - Drummet, Reinkober; Coleman, Maryn; Cable, Susan (2009). "*Military Families under Stress: implications for family life education*". Family relations, Vol. 52, Issue 3: 279-287.
 - Hoge, C. W., et al. (2004). "*Combat duty in Iraq and Afghanistan, mental health problems, and barriers to care*". New England Journal of Medicine, Vol. 1, No. 351: 13-22.
 - Horton, D. (2005). "*Consultation with military children and schools: A proposed model*". Consulting Psychology Journal: Practice and Research, Vol. 57, No. 4: 259-265.
 - Mansfield, A. J., et al. (2010). "*Deployment and the use of mental health services among U.S. Army wives*". New England Journal of Medicine, Vol. 362, No. 2: 101-109.
 - McDowell, D. J.; Parke, R. D.; Wang, S. J. (2003). "*Differences between mothers' and fathers' advice giving style and content: Relations with social competence and psychological functioning in middle childhood*". Merrill-Palmer Quarterly, Vol. 49, No. 4: 55-76.
 - Palmer, C. (2008). "*A theory of risk and resilience factors in military families*". Military Psychology, Vol. 20, No. 3: 205-217.
 - Sahlstein, E.; Maguire, K. C.; Timmerman, L. (2009). "*Contradictions and praxis contextualized by wartime deployment: Wives' perspectives revealed through relational dialectics*". Communication Monographs, Vol. 76, No. 4: 421-442.

- Weber, E. G.; Weber, D. K. (2005). “*Geographic relocation frequency, resilience, and military adolescent behavior*”. *Military Medicine*, Vol. 170, No. 7: 638–642.

نخل گردانی محرم در درخش: نگاهی انسان شناختی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۶/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۹/۱۵

سمیه حمیدی^۱

مفید شاطری^۲

چکیده

آیین سوگواری ماه محرم جایگاه ویژه‌ای در زندگی اجتماعی ایرانیان داشته و در هر نقطه از کشور با توجه به فرهنگ و جغرافیای خاص آن منطقه، به شیوه‌های خاصی برگزار می‌شود. از جمله آیین‌های محرم، نخل گردانی است که در گستره وسیعی از کشور برگزار می‌شود. درخش به عنوان یکی از روستاهای با قدمت تاریخی، از جمله کانون‌های برگزاری این آیین می‌باشد. به دلیل تمایزات شاخصی که در شکل نخل درخش با دیگر مناطق کشور وجود دارد و هم‌چنین شیوه و مراسم خاص نخل گردانی که با تقسیم کار اجتماعی بسیار دقیق انجام می‌گیرد، این موضوع مورد مطالعه قرار گرفت. هدف مقاله حاضر، توصیف و فهم مراسم عاشورای درخش و تحلیل انسان‌شناسانه این مراسم نمادین به عنوان بخشی از میراث فرهنگ مذهبی در شرق کشور می‌باشد. نوشتار حاضر تلاش دارد با استفاده از روش پژوهش کیفی از نوع میدانی (مردم نگاری) و با بهره‌گیری از روش مصاحبه و مشاهده و بر مبنای آرای تفسیری کلیفورد گیرتز، به مطالعه مراسم نخل گردانی محرم درخش بپردازد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که آیین و مناسک نخل گردانی در درخش ضمن بقای رابطه فرد و جامعه، سبب تقویت انسجام اجتماعی، هویت جمعی و همبستگی فرهنگی، تقویت وجدان جمعی و ارتباطات نسلی در این روستا شده است. از سوی دیگر، بر نحوه جهان بینی فرد و شکل‌گیری هنجارها در ذهن او مؤثر است. از دیگر یافته‌های این پژوهش آن است که این مراسم در نوع خود و در سطح خراسان جنوبی، منحصر به فرد است و علی‌رغم شباهت‌هایی

که با آئین نخل گردانی در دیگر مناطق کشور دارد، به لحاظ صورت، ظاهر نخل و زمان و نحوه اجرای مراسم، تفاوت‌هایی با دیگر مناطق کشور دارد.

واژگان کلیدی: انسان‌شناسی تفسیری، خراسان جنوبی، درمیان، درخش، گیرتز، نخل گردانی، هویت جمعی

مقدمه

عاشورا را می‌توان از جمله بزرگ‌ترین آیین‌های دینی ایرانیان دانست. از مهم‌ترین بخش‌های این آیین تابوت گردانی است که به منزله تشییع پیکر امام حسین (ع) در این روز است. تابوت گردانی در نقاط مختلف کشور در اشکال و صورت‌های گوناگونی دیده می‌شود، به گونه‌ای که می‌توان گفت بر اثر اشاعه فرهنگی، این آیین گسترش یافته و متناسب با محیط، شکل و نام خاصی به خود گرفته است. در جنوب ایران و بویژه در بوشهر و هرمزگان حجله گردانی، در دزفول و شوشتر شیدونه، در برخی مناطق شش گوشه و در حوزه کویری نخل گردانی دیده می‌شود.^۱

آیین نخل گردانی به عنوان یکی از میراث‌های فرهنگی درخش طی دوران متمدنی به تدریج شکل گرفته و به صورت سینه به سینه از نسلی به نسل دیگر منتقل شده است. شناخت ارزش‌های نهفته در نخل گردانی به عنوان مظهر تشخیص اجتماعی و وحدت آیینی مردم درخش، اهمیت مطالعه آن را دوچندان می‌کند. قدمت برگزاری این آیین، نشان‌دهنده همبستگی فرهنگی، وفاق مذهبی و عدم موجود گروه‌بندی‌ها و تنازعات قدرت در میان ساکنان این روستای کویری است. پرسش مقاله حاضر بر این اساس است که مراسم نخل گردانی درخش، چه معنا و مفهومی دارد؟ مقاله حاضر می‌کوشد بر مبنای نظریات انسان‌شناسی تفسیری کلیفورد گیرتز، به توصیف جامع و عینی این مراسم در حیات اجتماعی و فرهنگی روستای درخش بپردازد. یافته‌های این تحقیق در قالب روش‌شناسی گیرتز در دو دسته توصیف رقیق "کیفیت و نحوه برگزاری مراسم نخل گردانی" و توصیف غلیظ "فهم نمادهای این مراسم" ارائه شده‌اند.

چارچوب نظری

ایده کنش اجتماعی به مثابه متن را نخستین بار ویلهلم دیلتای^۱ در کتاب "هرمونیک و علوم انسانی" مطرح کرد. پس از وی پل ریکور^۲ این نظریه را در حوزه علوم اجتماعی وارد کرد (شرت، ۱۳۸۷: ۱۶۰). از جمله موضوعات محوری در انسان شناسی دین، تحلیل رفتارها و کنش های دینی است. در واقع، انسان شناسی نمادین یا تفسیری با رویکرد خاص خود به مسأله فرهنگ در مقابل گرایش های مادی، نظیر اثبات گرایی فرهنگی در اواخر قرن بیستم رشد یافت. در این طرز تلقی، پدیده های فرهنگی از این باور نشأت می گیرد که فرهنگ مجموعه ای از معانی است که از خلال نمادها و نشانه ها درک و دریافت می شوند و برای درک آن، ابتدا باید سراغ تحلیل این نمادها رفت (کریمی پور، ۱۳۹۰: ۱۵۴).

مسأله اساسی در نگاه گیرتز پاسخگویی به این پرسش است که چه باورها و رفتارهایی باعث شکل گیری چه نوع ایمانی، در کدام اوضاع و احوال اجتماعی می شوند (گیرتز، ۱۳۸۲: ۸۸ و ۹۴). به عبارتی دیگر، وی خواهان فهم این است که محیط جغرافیایی و اجتماعی خاص، چه تأثیری بر ایمان مذهبی دارد. بنابراین با استفاده از روش معناشناسانه، در صدد تفسیر فرهنگ و ایمان و بازنمایی آن است. وی ترکیب فهمیدن فهم^۳ را مسأله اصلی علوم اجتماعی می خواند، به این معنا که چگونه می توان با گونه ای از فهم و درک چیزها، درک دیگری در آن باره داشت. نخستین پرسش گیرتز معطوف به این مسأله است که "نمادها" چگونه خود را در قالب کنش های جمعی و عمومی نشان می دهند (کریمی پور، ۱۳۹۰: ۱۵۷).

گیرتز تلاش می کند گذشتن شبکه های معنایی را از خلال نمادها نشان دهد و این نظریه را در چارچوب نوعی مردم نگاری تفسیری، مفهوم پردازی کند. روش تفسیری

1. Wilhelm Dilthey

2. Paul Ricoeur

3. To understand the understanding

گیرتز، ساختاری درونی (امیک)^۱ دارد نه بیرونی (اتیک)^۳. پژوهشگر در این شیوه هم چون مترجمی در ریزترین بخش ها و ذهنیت ها یا رفتارهای فرد بومی درنگ می کند تا بتواند آن را درباره رفتار یا جهان پیرامون دریابد و یا این که آن را به نوعی ترجمه کند. ویژگی دیدگاه وی، تأکید بر معناست؛ یعنی هر شناختی درباره فرهنگ، باید با درک معانی فرهنگی آغاز شود. گیرتز می خواهد واقعیت اجتماعی هم چون متن نگریسته شود و همان طور که متن تفسیر می شود، واقعیت اجتماعی نیز تفسیر شود (همان: ۱۷۳-۱۷۴).

گیرتز (Geertz, 1973: 60-67) «معتقد است با توجه به آن که معنا امری عمومی است، بنابراین فرهنگ نیز پدیده ای عمومی است. نمادها به عنوان بخش مهمی از این فرهنگ، باید به عنوان پدیده هایی عینی و اجتماعی نگریسته شوند. لذا فرهنگ، متنی است که مردم در آن رفتار می کنند و زندگی می کنند. وی معتقد به وجود یک رابطه دوسویه میان ساخت اجتماعی و فرهنگ می باشد. وی ساخت اجتماعی را در روابط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی میان افراد و گروه ها می داند و فرهنگ را معانی جای گرفته در نمادها تعریف می کند». خود او در تعریف فرهنگ می گوید: «الگویی از معانی است که در راستای تاریخ انتقال می یابد و از طریق نمادها، تجسم پیدا می کند و یا نظامی از مفاهیم است که به انسان ها به ارث می رسد و به صورت های نمادین بیان می شود» (همیلتون، ۱۳۸۱: ۲۷۴-۲۷۵). گیرتز مفهوم فرهنگ را معناکاوانه و مبتنی بر فهم نوعی بازی، تجزیه و تحلیل می کند. هدف او از این روش، فهم دیگران از راه لایه های رویی و نمادهای عینی رفتار و کنش های جمعی و گروهی است و روش او آزمون و مشاهده این معانی با استفاده از نمادهاست. در واقع، فرهنگ از دید او مفهومی معنایی به شمار می رود. در نگاه او فرهنگ به مثابه متن می باشد، لذا رفتارهای فرهنگی همانند متن باید مورد خوانش قرار گرفته و تفسیر شوند.

گیرتز نمادهای مقدس را دارای کیفیت مضاعف بی همتایی می بیند که از یک سوی

1. Emic

۲. امیک به معنای درک دیدگاه درونی یا پنداشت فرد درباره ذهنیت ها یا رفتارهای خود.

3. Etic

بازنمودی از نحوه وجود چیزها به دست می دهند، یعنی کیهان شناخت و مابعدالطبیعه و از سوی دیگر، راهنما یا برنامه ای برای عمل انسانی ارائه می دهند، یعنی اخلاق و زیبایی شناسی. بدین سان نمادهای مقدس هم بیانگر یک "هست" می باشد و هم بیانگر یک "باید". لذا نمادهای دینی در این تعبیر به دوگونه عمل می کنند: اولاً، تصویری از واقعیت را بیان می کنند ثانیاً، با برانگیختن اصول و انگیزه های معین، به واقعیت شکل می دهند (الیاده، ۱۳۷۵: ۱۴۵-۱۴۶).

از نگاه وی الگوهای فرهنگی یا مجموعه های نمادین را باید سرچشمه های بیرونی اطلاعات محسوب کرد. بیرونی بودن این اطلاعات از آن روست که بیرون از بدن فرد انسانی و در جهان عینی فهم عمومی قرار دارند؛ یعنی در جایی که زندگی روزمره جاری است، جایی که تولد و مرگ آدمی در عرصه آن روی می دهد. منظور او از سرچشمه اطلاعات این است که این الگوها به مثابه طرح ها و قالب هایی به فرایندهای اجتماعی و روان شناختی می انجامد و در نهایت به شکل گیری رفتار عمومی منتهی می شود (Geertz, 1966: 5-6). در واقع، مسأله این است که شبکه های معنایی چگونه از خلال نمادها شکل می گیرند و چگونه با یکدیگر ارتباط برقرار می کنند و چه فرایندهایی را برای درک محیط و جهان بیرونی برای فرد و گروه ایجاد می کنند (فکوهی، ۱۳۸۱: ۲۵۴-۲۵۵).

گیرتز (Geertz, 1973: 32) «برای نشان دادن معناداری رفتارهای فرهنگی و برخورداری آنها از معنایی فراتر از نگاه عینی و جهان شمول، انسان شناس را به روش ها و نگاه های دقیق تر و ژرف تری فرا می خواند. او در مقاله مشهور خود "توصیف غلیظ" به تبیین روش خود می پردازد. در گام اول که توصیف رقیق نام دارد فقط به مشاهده تجربی و ثبت داده های محیط پرداخته می شود و آن گاه در گام دوم که توصیف غلیظ است، فهم معنای داده های جمع آوری شده در مرحله اول انجام می شود». در توصیف رقیق تنها با ثبت مشاهدات سروکار داریم، اما در مرحله توصیف غلیظ، به فهم کنش اجتماعی که در قالب نمادها مطرح شده، می پردازیم. بنابراین بازنمایی امور و پدیده ها در قالب نمادها، مطمح نظر قرار می گیرد. در این جا علاوه بر نمادهای خودآگاه که

بازنمایی آگاهانه دارند، نمادهای ناخودآگاه هم که به صورت پنهان به بازنمایی پدیده‌ها می‌پردازند نیز مورد توجه هستند. در واقع، در مرحله دوم با فرایند تأویل معنا مواجهیم. از نگاه گیرتز (همان: ۱۱۲) «دین نظامی نمادین و منظومه‌ای از نمادهاست که ارتباطی انداموار با یکدیگر دارند. ترکیب این نمادها با یکدیگر از یک سو باعث ساخته شدن الگوهای فرهنگی می‌شوند و از سوی دیگر در بیرون از افراد، به طور عینی در فضای بین‌الذهانی قرار می‌گیرند. این الگوهای فرهنگی، مدلی از ارتباط میان موجودات، اشیا و فرایندها به شمار می‌روند. از نگاه وی حقایق دینی خود را در آیین‌ها تجلی می‌کنند و در برگزاری این مراسم (روحیات و انگیزه‌ها) است که نمادهای قدسی در انسان القا می‌شود و نظم هستی یا همان جهان بینی از طریق نمادها ترسیم می‌شود». روش‌شناسی گیرتز با نمادهای مقدس و کارکردهای آن سروکار دارد تا بتواند روحیات انسان‌ها (یعنی کیفیت زندگی‌شان) را با سبک اخلاقی و زیبایی‌شناختی و حالات زندگی‌شان را با جهان بینی‌شان ترکیب نماید. لذا دین، مجموعه‌ای از نمادهاست.

موقعیت جغرافیایی روستای درخش

درخش از آبادی‌های کهن شرق ایران به لحاظ موقعیت جغرافیایی در ۳۳ درجه و ۱۰ دقیقه عرض شمالی و ۵۹ درجه و ۴۲ دقیقه طول شرقی در بخش قهستان شهرستان درمیان، واقع در خراسان جنوبی قرار دارد. فاصله روستا تا مرکز شهرستان و استان ۷۰ کیلومتر می‌باشد (پاپلی یزدی، ۱۳۶۷: ۴۰۳). به لحاظ موقعیت نسبی بین دو دشت مرتفع شیرکاب در شرق و رزگ در شمال قرار گرفته است. دشت رزگ از جمله دشت‌های مرتفع در جنوب خراسان محسوب می‌شود (شاطری، ۱۳۹۱: ۲۲).

توصیف رقیق: (ریخت‌شناسی نخل)

شکوه محرم درخش در نخل و نخل‌بندی است. وسایل نخل عبارتند از:

۱. چهارپایه‌ی چوبی به طول تقریبی ۵/۲ متر عرض و ۵/۱ متر برای هر یک از پایه‌ها که ضخامت چوب به ۲۵ تا ۳۰ سانتیمتر می‌رسد. چهارپایه‌ی بسیار محکم

- که سیم پیچی شده است و قسمت اصلی نخل محسوب می گردد.
۲. چهارده چوب بلند که بزرگ ترین آن به طول تقریبی شش متر و کوچک ترین آن به طول تقریبی پنج متر می باشد. این چوب ها که به دو قسمت هفت تایی تقسیم می شوند، ضخامتی نصب پایه های نخل است.
۳. پارچه های مربوط به تزئین نخل که از گذشته ها بوده است.
۴. چهارپایه نخل از استحکام خاصی برخوردار است و همه سال چهارپایه در داخل مسجد نگهداری می گردد. کسانی که مسئولیت نخل را بر عهده دارند، کاملاً مشخص می باشند و هر کس به وظیفه ی خود آگاه است.
- هر پایه نخل متعلق به یک اولاد خاص است که از گذشته به صورت موروثی بوده است. بدین شکل که تا قبل از جدا شدن هیأت روستای آسیابان، یک پایه متعلق به آسیابانی ها بوده است. یک پایه متعلق به ملاحسین حسن گلی بوده که امروزه اولاد مالکی و نخعی متصدی آن می باشند. یک پایه متعلق به کربلایی ملاعبدالله قایینی بوده که امروزه ملاعبدالحسین قایینی و اولاد ایشان این وظیفه را عهده دار هستند. یک پایه دیگر را نیز اولاد حسین حاجی محمد برعهده دارند که امروزه فرزندان شان اولاد قصاب، در حمل نخل کمک می نمایند. عهده دار حمل پایه ای که متعلق به روستای آسیابان بوده نیز در حال حاضر برادران حاجی زاده هستند که با کمک یکدیگر با نظم و ترتیب خاصی در مواقع تعیین شده، نخل گردانی را انجام می دهند. لازم به ذکر است که غیر از افراد ذکر شده، به هیچ عنوان افراد دیگر در نخل گردانی دخالت نمی نمایند.

طرز برپانمودن و زمان های نخل گردانی

هر ساله نخل باید در درخش بسته شود و مسئولین آنها باید خود را برای ساخت آن آماده کنند. زمان بسته شدن نخل صبح روز هشتم محرم است. مسئولین که بعداً در جدولی خواهد آمد، شروع به بستن نخل می کنند، چون چهارپایه همه ساله آماده است. اما سازندگان نخل جهت اطمینان کلیه ی جوانب را مورد بررسی قرار می دهند و آن را با سیم، نخ، ریسمان مویی محکم و با مهارت می بندند. سپس نوبت چوب های بلند

می‌گردد که هفت تا از چوب‌ها در یک طرف از چهارپایه و هفت تا از چوب‌ها در طرف دیگر قرار می‌گیرند. چوب‌ها شکل خاص خود را دارند؛ یعنی گردند و استوانه‌ای شکل و چوب وسطی از همه بلندتر است و بقیه چوب‌ها به ترتیب کوچک می‌گردند و دو طرف چوب، دقیقاً قرینه‌اند و به شکل ۸ در می‌آیند. طرف دیگر نخل نیز چوب‌ها شکل طرف مقابل را دارند و هر دو طرف دقیقاً باید قرینه باشند. البته سازندگان چون تجربه فراوان دارند، کمتر دچار اشکال و اشتباه می‌گردند و چوب‌ها به وسیله‌ی ریسمان مویی محکم می‌گردند. کار ساخت هم در داخل مسجد جامع صورت می‌گیرد.

پس از این که چوب‌ها به شکل هندسی دقیق و فاصله‌ی معین، تنظیم و به پایان رسید، کار گذاشتن پارچه‌ها بر روی چوب‌ها شروع می‌شود و فقط یک لایه از پارچه نیست، بلکه هر طرف دارای چندین پارچه است که سازندگان، محل هر پارچه را دقیق می‌دانند و هر دو طرف باید در موقع نصب پارچه‌ها، شبیه به هم باشد.

پارچه‌ها به وسیله‌ی سوزن و نخ و مهارت و ظرافت خاص دوخته می‌شوند و همه پارچه‌ها - که بیشتر پارچه‌ها با نوشته یا حسین شهید! باز این چه شورش است که در خلق عالم است و ... مزین شده است - را دقیقاً می‌دوزند و از استحکام آن مطمئن می‌گردند. پارچه‌های اطراف نخل قدیمی‌اند. زمانی که کار دوخت پارچه‌های اطراف نخل به اتمام رسید، از هر چوب به چوب قبل ریسمان کوچک می‌بندند؛ یعنی هفت ریسمان می‌بندند و بر روی آنها روسری‌های رنگارنگ با شکل خاص خود می‌گذارند. این کار باعث تزئین بیشتر نخل می‌گردد و آن را هم زیبا می‌سازد. کار بستن نخل، ظهر تاسوعا پایان می‌یابد و باید آماده باشد.



تصویر (۱) نخل روستای درخش در محرم ۱۳۵۷ شمسی

با کمی دقت به عکس درمی یابیم که شکل و ساختار نخل با توجه به این که در سال های مختلف بسته می شود یکسان است و این نشان دهنده ی سازندگان توانا و ماهر آن است. پارچه های بالای نخل، نذری است و می تواند هر ساله عوض شود و این در تصویر به وضوح آشکار است.

علم ها نیز هنگام حرکت دادن نخل، در اطراف نخل به صورت دائم می چرخند و با سرعت در حرکتند. این کار دو دلیل دارد:

چرخیدن علم توسط علم چین نقش محافظ دارد برای کسانی که نخل را بردوش دارند، تا مردم به نخل نزدیک نشوند و ازدحام جمعیت مانع حرکت نخل نشود.

در واقع علم چین نقش محافظ دارد برای خود نخل که اگر زمانی نخل به طرفی کج گردد، آن را بتوانند به سمت اصلی برگردانند.

مسئول کلیه ی کارهای نخل آقای زهرایی است که به عنوان بزرگ روستا خوانده می شوند. ایشان وظیفه ی راه اندازی نخل و نظارت بر کار را برعهده دارد. در مورد افراد سازنده نخل قبلاً گفتیم که این افراد، افراد به خصوصی اند و از خاندان به خصوص، هم چنین کسانی اند که نخل را بر دوش می گذارند و چهارپایه نخل را حرکت می دهند.

علت این که از هر خاندان یا اولاد، یک یا چند نفر با هم همکاری دارند، به این دلیل است که کسی که پایه نخل را باید بگیرد به جهت سنگین بودن نخل، باید از توان بدنی بالایی برخوردار باشد. هر یک از گروه‌های مربوط وظیفه‌ی خاص خود را دارد و در کار گروه دیگر هیچ دخالتی ندارد.

نخل در سه زمان مشخص حرکت داده می‌شود و در زمان آن هیچ تغییری حاصل نمی‌شود:

- ۱- بعد از ظهر روز تاسوعا، بعد از اجرای شبیه حضرت ابوالفضل (ع)
- ۲- شب عاشورا به محض ورود هیئت به مسجد جامع
- ۳- ظهر روز عاشورا پس از این که هیأت مسیر اصلی خود را طی کرد و به مسجد جامع رسید.

نخل قبل از حرکت در داخل شبستان مسجد نگهداری می‌شود و چون شبستان کمی از کف مسجد بلندتر است پس در زمان حرکت نخل، ابتدا دو پایه را از چهارپایه به دوش می‌گذارند و سپس از دنبال، دوپایه را حرکت می‌دهند. پس از این که نخل بردوش گذاشته شد، چند دفعه باید بچرخد. این کار با اصول خاص انجام می‌گیرد. بدین ترتیب پایه‌ای که آقای مالکی دارند، باید آقای مالکی بدور خود بچرخد و دیگران به دور ایشان. پس سنگینی در زمان چرخش بردوش آقای مالکی است. پس از چرخش باز طرفی که آقای مالکی اند به سمت دیگر مسجد حرکت داده می‌شود و در آن طرف مسجد نیز باز نخل می‌چرخد و این کار یعنی حرکت به دو سمت مسجد با حرکت چرخشی، سه مرتبه انجام می‌گیرد. شاید زمان بر دوش بودن نخل، ۱۰ الی ۱۵ دقیقه طول بکشد.

چرخش نخل در روز عاشورا کمی بیشتر است. وقتی که نخل بر دوش صاحبان آن است، مردم پشت سر نخل حرکت می‌کنند و بر سر و سینه می‌زنند و حسین حسین می‌گویند. اوج سینه‌زنی مردم زمانی است که نخل پس از چرخش بر روی زمین گذاشته شود. نخل در روز یازدهم محرم باز می‌شود و چهارپایه در مسجد جامع و بقیه تجهیزات آن در منزل آقای امینی نگهداری می‌شود. در زمانی که نخل به حرکت در

می آید، اوج گریه نیز مشاهده می گردد و مردم در تماشای نخل به یاد سالار شهیدان بیشتر سوگواری می کنند.

در درخش اعتقاد عامه بر این است که اگر نخل زمانی که بر دوش صاحبان است کج گردد، یکی از اقوام آقای زهرایی، بانی نخل از دنیا می رود. در صحت و سقم آن نمی توان نظر داد. اما یک سال که نخل کج گردید آن هم به طرز عجیبی، دختر آقای زهرایی با این که سن و سال زیادی نداشت، از دنیا رفت و این باور به شکل جدی تر در بین مردم تقویت شد.

در گذشته نخل مسیر خاصی را طی می کرد، بدین ترتیب که از پشت باغ آقای محمدزاده و نزدیک منزل آقا فقیر مرکبی حرکت داده می شد و به محلی به نام قتلگاه می رسید که محل آن امروزه با تغییرات ساختاری روستا در فلکه ی پاسگاه انتظامی می باشد، سپس از قتلگاه به مسجد جامع می رفت، ولی امروزه نخل فقط در مسجد جامع بسته می شود و در همان جا حرکت داده می شود. زمانی که نخل مورد استفاده نیست در داخل شبستان است، تا مردم آن را زیارت کنند. عده ای از مردم بر اساس نذری که دارند برای سازندگان نخل، شیرینی و نانی به نام "کماچ" و "قلفی" می برند.



تصویر ۲) نخل گردانی در محرم درخش ۱۳۸۳

توصیف غلیظ: تحلیل نمادین نخل

نمادها از جمله مهم‌ترین اجزاء فرهنگ هر جامعه می‌باشند، لذا شناخت نمادهای یک جامعه را می‌توان کلید فهم دین و فرهنگ آن جامعه دانست. نمادها همانند آینه‌ای ورای تاریخ، تصویر حوادث را بر مخاطبان آشکار می‌سازند (محمدپور و شاهی زاده، ۱۳۹۰: ۱۴۲). یکی از مؤثرترین شیوه‌هایی که مردم با استفاده از آن می‌توانند فهم خود را به شکلی نمادین ترویج و انتقال دهند "رسانه چندمنظوره آیین" (Brunton, 1980, 734) و قدرت نمادهاست. در این مرحله به تفسیر نمادین نخل درخش می‌پردازیم.

نخل در فارسی به معنای تابوت و آرایش تابوت مرده گفته می‌شود و چون آن را می‌آرایند، به نخل موسوم گشته است. جمشیدی گوهرریزی (۱۳۸۹: ۶۳) «در پژوهش خود مدعی است که نخل به معنای تابوت می‌باشد و از دوران آل بویه در بزرگداشت مراسم عاشورا استفاده می‌شده است. بر طبق روایت‌ها چون بدن امام حسین (ع) دفن نشد و سه روز بر روی خاک ماند، شیعیان برای نشان دادن حضور خود در کربلا، پیکر سیدالشهدا را به صورت نمادین و با نخل گردانی تشییع می‌کردند». برخی نیز وجه انتساب نام نخل را در این می‌دانند که پیکر مقدس امام حسین (ع) بر روی شاخه‌های درخت خرما قرار گرفته و به محل دفن حمل شده است (سیدعلی زاده و ثقفی، ۱۳۸۸: ۶). عده‌ای نیز نخل گردانی را ریشه در ایران باستان دانسته و آن را مشابه اطاق چادرمانند مراسم سیاوشان دیوار کاخ پنجکند می‌دانند (لطیفی و حجتی زاده بهمدی، ۱۳۹۱: ۹۰-۹۳). دهخدا نخل را چنین تعریف می‌کند «حجله مانندی است که از چوب می‌سازند و با انواع شال‌های ابریشمین رنگارنگ، پارچه‌های قیمتی، آینه، چراغ و غیره آرایش می‌دهند و به گل و سبزه می‌آرایند و در روز عاشورا آن را به محلی که مراسم روضه خوانی و تعزیه برپاست می‌برند (دهخدا، ذیل "نخل")».

اما در درخش نخل را نماد سه چیز می‌دانند. نخست آن که نخل را نماد تابوتی می‌دانند که ملائک به همراه جبرئیل پس از شهادت امام حسین (ع) به تشییع جنازه و عزاداری پرداختند. نظر دوم نخل را نماد پیکره ابوالفضل العباس (ع) می‌داند که دست‌نزنش را در دفاع از حریم ولایت تقدیم کرده است. برخی نیز نخل را نماد حجله گاه

قاسم بن الحسن می دانند که هر سه نظر با معنا و شکل ظاهری آن، انطباق نسبی دارد. از سوی دیگر ساختمان حجیم، استوار و پایدار نخل، بیانگر روحیه سرسخت و صبور مردم کویر است. در بستن نخل از پارچه های ساده و کم نقش و نگار استفاده می شود که با فرهنگ ساده زیستی مردم کویر مطابقت دارد (لطیفی و حجی زاده بهمدی، ۱۳۹۱: ۱۱۳). پارچه های سیاه رنگ و سیاه پوش بودن نخل را نشانه تابوت امام حسین می دانند. در تزیین نخل از پارچه های سبز رنگ نیز استفاده می کنند که نشانه اهل بیت (ع) می باشد. روسری های رنگی وصل شده به نخل و علم های اطراف نخل را نماد حجله حضرت قاسم (ع) نیز می توان دانست. قسمت مثلثی بالای نخل، یادآور کوهان شترانی می باشد که پس از اسارت اهل بیت امام حسین (ع) آن ها را سوار بر شترهای بی جهاز به سمت شام بردند. بیرق و علم ها که معمولاً با پارچه های سبز، قرمز و سیاه تزیین شده اند را نماد سه چیز می دانند. اول، نشان قد رشید قمر بنی هاشم (ع) که تا آخرین لحظه، وفادار به امام حسین (ع) باقی ماند، دوم، نشان ۷۲ تن یاران امام حسین (ع) که تا آخرین لحظه در کنار وی ایستادند و سوم، نشان دهنده دسته شیعیان عزادار و حجیم بودن و بزرگ بودن نخل، نشانی از عظمت و بزرگواری سالار شهیدان است. در تزیین نخل از ۷۲ عدد پارچه کوچک در بالای نخل آویزان می کنند که نماد ۷۲ تن از یاران امام در روز عاشورا است. در ساخت نخل از چهارده چوب بلند استفاده می کنند که نماد چهارده معصوم و سلاله پیامبر هستند. در تزیین نخل از پارچه ها و نوشته های رنگی نیز بر روی آنها استفاده می کنند. در گفتگو با خانواده زهرایی به عنوان یکی از بانیان نخل گردانی، معانی نهفته در رنگ ها را در نظر مردم مورد بررسی قرار دادیم. ایشان معتقد بودند که رنگ سبز از آن جا که نماد چهارده معصوم در اسلام است، نشانه قداست و پاکی است، رنگ سیاه نشانه سوگ، رنگ قرمز نمادی از شهادت و خون سرخ امام حسین (ع) و یارانش، رنگ زرد نمادی از خورشید روز عاشورا و رنگ سفید نشانه پاکی و ایثار امام و یاران شان است.

کارکردهای نخل

تعزیه خوانی نقش برجسته‌ای در فرهنگ عامه و روان جمعی مردم گذشته و کنونی داشته است. افزون بر نقش تعزیه در آموزش و هدایت مردم و زنده و پایا نگهداشتن وقایع تاریخی - مذهبی، در ذهنیت جامعه وجود داشته است (بلوکباشی، ۱۳۸۳: ۶۵). علت دوام و استمرار مراسم دینی را کارکردهای آن در زندگی بشر دانسته‌اند (توسلی، ۱۳۸۰ به نقل از محمدپور و شاهی زاده، ۱۳۹۰: ۱۴۱). از نظر دورکیم، عاطفه جمعی عمیق، بیشتر طی مناسک جمعی مانند اعیاد و مراسم ملی و مذهبی به وجود می‌آید. از این رو، این مراسم از عوامل افزایش و تحکیم انسجام اجتماعی بوده است (جمشیدی گوهرریزی، ۱۳۸۹: ۶۷). از سوی دیگر، یکی از کارکردهای دین را حفظ و تقویت نظم اجتماعی دانسته‌اند. در نخل گردانی نیز شاهد نظم در اجرای مراسم در زمان، مکان و نحوه اجرا هستیم (همانجا). انجام مراسم دینی به صورت نمادین فرد را با رشته‌ای نهانی، به یک نیروی قدسی بیرون از او پیوند می‌زند. این مراسم با پدید آوردن وحدت در عقیده و رفتار مؤمنان، آنان را به یکدیگر نزدیک و یگانه می‌کرد. بنابراین هدف اصلی و مهم تعزیه، تقویت و تحکیم احساس جمعی یا احساس وحدت میان مؤمنان است. این هدف در تعزیه به صورت یک اتحاد عرفانی در می‌آید (Wirth, 1979: 34).

وجود چنین مراسم آیینی را می‌توان مظهري از تشخص اجتماعی و وحدت آیینی درخش دانست. از جمله مهمترین کارکردهای نخل درخش، ایجاد همبستگی اجتماعی و برقراری وحدت و تجانس فرهنگی - اجتماعی در روستا می‌باشد. این امر منجر به حفظ روابط میان اعضا و خاندان‌های مختلف در روستا شده است. در میان روستاهای خراسان جنوبی، نخل گردانی عنصر نمادین هویتی این روستا شده است، به گونه‌ای که این مراسم، عامل هویتی تمایزبخش این روستا از سایر روستاهای استان شده است. همگان در این روستا در تلاش‌اند تا مراسم سالانه نخل گردانی عاشورا را با بهترین کیفیت برگزار نمایند. همین امر عاملی جهت حفظ انسجام اجتماعی مردم و تقویت هویت جمعی روستا بوده است. در واقع دین در این روستا، از عوامل ایجاد کننده وحدت و اتحاد اجتماعی مردم بوده است.

از سوی دیگر، هر چند فرایند تجدد و صنعتی شدن در جهان و بویژه ایران، به مهاجرت بخش اعظمی از روستائیان به شهرها انجامیده است؛ لیکن نخل گردانی سبب حفظ روابط میان نسلی در میان رده های سنی مختلف شده است. در مصاحبه با بانیان نخل گردانی، آنان اشاره به این موضوع داشتند که در برپایی علم، رده های سنی مختلف مشارکت دارند و بسیاری از افرادی که از روستا به شهرهای دیگر مهاجرت کرده و یا در بیرجند ساکن هستند، مقید هستند که هر ساله در این روز به درخش، زادگاه خود، بازگردند و در مراسم شرکت کنند. از این رو، نخل گردانی روز عاشورا از جمله عوامل حفظ ارتباط میان بومیان روستا در رده های سنی مختلف و افرادی که به بیرجند یا شهرهای دیگر مهاجرت کرده اند نیز شده است. حضور نسل های مختلف در این مراسم به پیوستگی و استمرار فرهنگ روستای درخش می انجامد. در واقع، وحدت آفرینی و ایجاد وفاق اجتماعی در کنار حفظ روح فرهنگ ایرانی-اسلامی، از مهم ترین کارکردهای این مراسم است.

گردآمدن مردم در یک مکان خاص، یعنی روستای درخش و انجام اعمال و کردارهای مشترک و نمادین در کنار همدیگر، سبب می شود تا فردیت فرد کم رنگ شده و فرد خود را جزئی از جمع بداند و هویت جمعی و اجتماعی او پررنگ می شود. بنابراین تقویت بعد هویت فرد، آن هم در زمانه ای که یکی از مهمترین دغدغه های انسان امروز را بحران هویت دانسته اند را می توان در نخل گردانی درخش، مشاهده کرد.

مناسک و آیین ها از ارکان بنیادین هر دین می باشد که فرد به واسطه مشارکت در آن با امر مقدس ارتباط می یابد (شاه محمدی و پاسالاری بهجانی، ۱۳۹۴: ۴۹). مطابق نظر گیرتز، این مناسک در کنار حفظ و تداوم عقاید و باورهای دینی به انسجام اجتماعی می انجامند. این امر در نخل گردانی درخش در همراهی زنان و مردان و اهالی روستا و تقسیم کار اجتماعی نخل بندی دیده می شود. تلاش هماهنگ اعضای روستا در برگزاری صحیح این مراسم و اقتصاد سوگواری آن (تهیه منابع مالی انجام این مراسم)، نشانی از هماهنگی اجتماعی در روستا است. از سوی دیگر، پذیرش نحوه مدیریت این مراسم از سوی افراد خاص و حضور طایفه های مختلف در اجرای مراسم آن، بر انسجام

اجتماعی بیشتر روستا می‌انجامد. بر طبق نظریه گیرتز، این مراسم با ایجاد لحظه‌ی مقدس زمینه‌های تحول اخلاقی و روحی را در افراد ایجاد می‌کند. در نگرش او، دین مجموعه‌ای از نمادهاست که تداوم نمادها در کنار تقویت آنها معانی ضمنی آن را میان نسل‌ها استمرار می‌بخشد. لذا اهمیت مناسک، در خلق و حفظ باورهای دینی است. آیین نخل‌گردانی شرایطی را به وجود می‌آورد که از یک سو، موجب حفظ عقاید و باورهای دینی و انسجام جامعه می‌شود و از سوی دیگر، زمینه تحول فرد و ایجاد لحظه مقدس را برای او فراهم می‌آورد. اهالی روستا در بافت اجرای این آیین حضور به هم می‌رسانند تا آن را به منزله یک واقعه حقیقی دریابند. در واقع نخل‌گردانی نمایش و حمل تابوت‌های تمثیلی شهیدان کربلاست که افراد تلاش می‌کنند تا خاطرات، رنج و مصائب شخصیت‌های مذهبی را بازسازی کنند. از سوی دیگر، محرم جلوه‌ای از استقامت اهل بیت (ع) است در برابر ظلمی که اسلام را در پشت پرده‌ای سیاه پنهان کرده بود و اکنون بعد از سال‌ها مردم این دیار شیعه، با تکرار سنت‌ها تلاش می‌کنند یاد آن شهدای راستین را جاودانه گردانند. گرداندن تابوت شهادت و نخل‌گردانی در دسته‌های عزاء، به منزله لشکریان رزمنده شهیدانند که حضور قدرت الهی را در جمع عزاداران و پیروزی سپاه حق بر باطل و حیات جاودانه شهیدان را متجلی می‌کند. این آیین در حالی که به اقتدار و شکوه قدسی شهیدان اشاره دارد، حدیث قدرت خداوند و مقام والای شهید را متجلی می‌کند. به عبارت دیگر، این مراسم نوعی نگرش جبرانی و همراهی را با خود به همراه دارد. پیکر مطهر امام حسین (ع) پس از شهادت تشییع نشد و پیکر مبارک ایشان با بی‌احترامی از سوی دشمنان مواجه شد. از این رو، این مراسم نماد سوگند مردم با مظلومین حادثه کربلاست. لذا از جمله کارکردهای این مراسم، جاودانگی اساطیر و شهیدان است.

از دیدگاه گیرتز، فرهنگ هم‌چون سکه‌ای دوروست. رویه اخلاقی و رویه انسان‌شناختی وجودی. بعد اخلاقی و ارزشی آن سازنده روحیات اند و جنبه شناختی و وجودی آن ترسیم‌کننده جهان‌بینی (فیروزی، ۱۳۸۹: ۹۱). تبلور معانی در قالب نمادها به حفظ تعالیم دینی می‌انجامد. از نگاه گیرتز، دین نموداری از فرهنگ است. نمادهای مقدس

الگو، سرمشق، نحوه و چگونگی زندگی و ابعاد زیباشناختی آن را با جهان بینی مردم، هماهنگ می کنند. هم سویی جهان بینی با سرمشق از جمله کارکردهای مناسک دینی است. اصلی ترین مضمون نخل گردانی، مظلومیت امام حسین (ع) و یاران ایشان و ماندگاری شهادت و ظلم ستیزی در طول تاریخ است. این امر در جهت دهی جهان بینی شرکت کنندگان در این مراسم اثر گذار است. هم چنین از نگاه گیرتز، مناسک و آیین های دینی، سبب ایجاد نظم و ترتیب خاصی در اعمال و عقاید فردی و اجتماعی مومنان می شود و این نظم و ترتیب، اثرات مهمی در موضوعات و مسائل زندگی روزمره و فضای فهم عمومی و کنش های افراد داشته و حالات روحی و معنوی آن ها را جهت می دهد (محمدپور و شاهی زاده، ۱۳۹۰: ۱۳۰). طی این مناسک، هنجارهای اخلاقی در فرد درونی می شوند. از مهم ترین هنجارهایی که طی این مناسک در فرد شکل می گیرند، تبعیت از راه اهل بیت، حقیقت طلبی و مبارزه با ظلم است. جامعه پذیری، کاهش آسیب های اجتماعی، بازیابی هویت دینی و کاستن از منازعات اجتماعی- سیاسی را، از جمله کارکردهای مراسم عاشورا می توان دانست (باقی، ۱۳۷۹: ۲۷ و ۳۵).

نتیجه

در شرایطی که هر لحظه گسترش تجدد و سیر جهانی شدن سبب دورتر شدن و رشد فردگرایی در جوامع می شود، آیین های مذهبی به نزدیکی انسان ها و پیوند بین نسل ها منجر می شود. از جمله کارکردهای نخل گردانی را می توان این گونه بیان کرد که افراد با شرکت در این مراسم، در یک هویت جمعی تشخیص می یابند، به گونه ای که هویت فردی آنها مجذوب در هویت و وجدان جمعی می شود. در درخش آیین نخل برداری، نقش مهمی در هویت بخشی به افراد روستا داشته و نمادها به عنوان ابزاری هستند که تولید معنا کرده و منجر به ایجاد کنش اجتماعی، برقراری پیوند عاطفی میان افراد، تخلیه هیجانی، عزت نفس و حفظ انسجام درونی جامعه و در نهایت، حفظ هویت و انسجام سیاسی و مانع از نزاع های سیاسی در روستای درخش می شود. همکاری خاندان های بزرگ و مردم، به کاستن از سلسله مراتب قدرت سیاسی و نزدیکی بیشتر

مردم روستا با یکدیگر شده است.

منابع

- الیاده، میرچا (۱۳۷۵). دین پژوهی. ترجمه بهاءالدین خرمشاهی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- باقی، عمادالدین (۱۳۷۹). جامعه شناسی قیام/امام حسین (ع) و مردم کوفه. تهران: نشر نی.
- بلوکباشی، علی (۱۳۸۳). تعزیه خوانی حدیث قدسی مصایب در نمایش آئینی. تهران: امیرکبیر.
- پاپلی یزدی، محمدحسین (۱۳۶۷). فرهنگ آبادی ها و مکان های مذهبی کشور. مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش های اسلامی.
- توسلی، غلام عباس (۱۳۸۰). جامعه شناسی دینی. تهران: سخن.
- جمشیدی گوهرریزی، مهدیه (۱۳۸۹). "نخل و نخل گردانی در استان یزد". معرفت، سال نوزدهم، ش ۱۵۱ (تیر): ۷۰-۵۷.
- دهخدا، علی اکبر. لغت نامه دهخدا، ج ۱۹. ذیل "نخل".
- سیدعلی زاده، احمد؛ ثقفی، زهره (۱۳۸۸). "نخل گردانی". کیهان فرهنگی، سال سی و پنجم، ش ۲۷۸ و ۲۷۹ (آذر و دی): ۲۴۶-۲۴۷.
- شاطری، مفید (۱۳۹۱). جغرافیای تاریخی و فرهنگی درخت. مشهد: پاپلی.
- شاه محمدی، رستم؛ پاسالاری بهجانی، فاطمه (۱۳۹۴). "مناسک دینی از دیدگاه کلیفورد گیرتز (با تأکید بر کاربرد آنها)". فصلنامه پژوهشنامه ادیان، سال نهم، ش ۱۸ (پاییز و زمستان): ۷۱-۴۹.
- شِرت، ایون (۱۳۸۷). فلسفه ی علوم اجتماعی قاره ای: هرمنوتیک، تبارشناسی و نظریه ی انتقادی. ترجمه هادی جلیلی. تهران: نشر نی.
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۱). تاریخ اندیشه و نظریه های انسان شناسی. تهران: نشر نی.
- فیروزی، جواد (۱۳۸۹). "انسان شناسی دین و نمادهای قدسی در اندیشه کلیفورد

- گیرتز". پژوهشنامه/ادیان، سال چهارم، ش ۷ (بهار و تابستان): ۸۳-۱۰۴.
- کرمی پور، الله کرم (۱۳۹۰). "روش و رویکرد کلیفورد گیرتز درباره دین و فرهنگ". فصلنامه/اندیشه نوین دینی، سال هفتم، ش ۲۴ (بهار): ۱۵۳-۱۷۶.
 - گیرتز، کلیفورد (۱۳۸۲). "اسلام آن گونه که مشاهده کردم". ترجمه فاضل حسامی. معرفت، سال دوازدهم، ش ۷۲ (آذر): ۸۸-۹۴.
 - لطیفی، غلامرضا؛ حجتی زاده بهمدی، اسماعیل (۱۳۹۱). "مراسم آیینی نخل برداری روز عاشورا در فردوس". فصلنامه دانش بومی، سال دوم، ش ۲ (بهار): ۸۷-۱۲۸.
 - محمدپور، احمد؛ شاهی زاده، رامین (۱۳۹۰). "مطالعه مردم شناختی مراسم عاشورا در شهر اردبیل". مجله مطالعات اجتماعی/ایران، سال پنجم، ش ۳ (پاییز): ۱۲۶-۱۴۶.
 - همیلتون، ملکم (۱۳۸۱). جامعه شناسی دین. ترجمه ی محسن ثلاثی. تهران: تبیان.
 - Brunton, Roy (1980). "Misconstrued Order in Melanesian Religion, Man". Correspondence, *Man* (NS), Vol. 15, No. 4: 734-735.
 - Geertz, C. (1966). "Religion as a Cultural System". In: Banton, M. (ed), *An Anthropological approaches to the study of religion*, London, Tavistock Publication: 5-67.
 - ----- (1973). *The Interpretation of Cultures*. New York: Basic Books.
 - Wirth, Andrzej (1979). "Semiological Aspects of the Taziyeh". In: *Ritual and Drama in Iran*, ed. by Peter Chelkowski. New York: University Press.

برنامه ریزی استراتژیک توسعه شهر بیرجند بر اساس رویکرد راهبرد توسعه شهر با مدل SWOT و QSPM

محمد اجزاء شکوهی^۱

محمد اسکندری ثانی^۲

جواد محمدآبادی^۳

چکیده

رویکرد عمده برنامه ریزی و مدیریت شهری ایران، متأثر از مکتب برنامه ریزی سنتی با محوریت طرح جامع است که غالباً در آن ابعاد توسعه فیزیکی، آرایش و انتظام کالبدی شهر، بر ابعاد اجتماعی شهروندی تقدم دارد. با این که طرح های جامع در ایران با هدف زمینه سازی رشد کالبدی موزون شهرها تدوین می شوند، اما عملاً نه تنها انرژی و هزینه های بسیاری را بر اقتصاد شهری تحمیل می کنند، بلکه اغلب بخش عمده ای از اهداف آن ها هرگز محقق نمی شود. بنابراین گذار از الگوی برنامه های جامع شهری به سمت برنامه ریزی راهبردی با توجه به خاصیت ترکیبی، انعطاف پذیر بودن و پویایی آن در جهت حل مسائل و مشکلات و سازگاری با تحولات آینده ضروری به نظر می رسد. پژوهش حاضر، با هدف تدوین استراتژی های توسعه بیرجند به نگارش درآمده است. بنابراین ابتدا توسعه ی شهر در قالب برنامه ریزی راهبردی و بر پایه ی فرایندی مشارکتی با مشارکت ذی نفعان شهری (کارشناسان و مدیران) ارزیابی شده و جهت تحلیل عوامل داخلی و خارجی مؤثر بر شهر و تدوین استراتژی های توسعه، الگو SWOT و برای اولویت بندی استراتژی ها نیز روش QSPM به کار رفته است. نتایج حاصل از روش SWOT نیز نشان دهنده موقعیت تدافعی شهر بیرجند به لحاظ برخورداری از شاخص های راهبرد CDS است و این یعنی بدترین وضعیت ممکن،

۱. shokouhim@um.ac.ir

۲. meskandarisani@birjand.ac.ir

۳. کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه فردوسی مشهد

mohammadabadi0/20@gmail.com

چراکه از یک طرف با ضعف‌ها و از طرف دیگر با تهدیدها روبه‌رو است و در ادامه استراتژی‌های مناسب برای برون‌رفت از این وضعیت، تدوین و سپس با استفاده از مدل QSOM اولویت‌بندی شد.

واژگان کلیدی: برنامه‌ریزی استراتژیک، بیرجند، توسعه پایدار، CDS، SWOT

مقدمه

شهرها بستر مهم‌ترین فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی محسوب می‌شوند. مطالعه روند رشد شهرنشینی نشان دهنده این موضوع است که رشد جمعیت شهری به سرعت در حال افزایش بوده و شهرها با نرخ بالای رشد جمعیت مواجه‌اند و تاکنون نیز قادر به کنترل مشکلات ناشی از رشد نبوده‌اند. با وجود رشد جمعیت شهرها به خصوص در کشورهای در حال توسعه، این شهرها ضرورتاً توسعه پیدا نکرده، بلکه فشارهای زیادی را بر محیط زندگی شهری وارد نموده‌اند (احدنژاد، قاسمی و کاظمی، ۱۳۹۲: ۳). برنامه‌ریزی شهری در اوایل قرن بیستم با هدف انتظام بخشیدن به تمام فعالیت‌های مربوط به توسعه و عمران شهری تحت نظارت بخش عمومی به وجود آمد. این نوع برنامه‌ریزی تحت عنوان کلی طرح‌های جامع، کاربرد جهانی پیدا کرد و تا سال ۱۹۵۰ الگوی طرح‌های جامع، الگوی غالب برنامه‌ریزی شهری در جهان بود. اما از دهه ۱۹۶۰ به این طرف، به دلیل ماهیت پیچیده شهرها و نیز حالت ایستایی طرح‌های جامع و البته مشکلات دیگر این طرح‌ها، چه از نظر مبانی نظری و چه از نظر روش تهیه، طرح‌های جامع را گرفت (اشرفی، ۱۳۸۹: ۹۰).

بیان مسأله

در حال حاضر، مبانی نظری تهیه‌ی طرح‌های شهری در ایران، متکی بر مدل پوزیتیویستی^۱ یعنی شناخت - تحلیل - طرح^۲ است. این الگو به رغم آن که مدت‌ها الگو و روش تهیه‌ی طرح‌های شهری در کشورهای مختلف جهان بود، به تدریج جای خود را

1. Positivism

2. Survey- Analysis-Plan

به الگوی برنامه ریزی شده تحلیل - طرح - سیاست^۱ می دهد که به مفهوم رسیدن به اهداف و سرانجام ارزیابی و سیاست گذاری برای اجزاء است. با این که طرح های جامع در ایران با هدف زمینه سازی رشد کالبدی موزون شهرها تدوین می شوند، اما عملاً نه تنها انرژی و هزینه های بسیاری را بر اقتصاد شهری تحمیل می کنند، بلکه اغلب بخش عمده ای از اهداف آن ها هرگز محقق نمی شود. از دلایل اصلی شکل گیری روند حاضر می توان به عدم توجه و کاربرد روش ها و نگرش های جدید در حوزه برنامه ریزی شهری، نظیر راهبرد توسعه شهری اشاره کرد (حسین زاده دلیر و دیگران، ۱۳۹۰: ۴۰). برنامه های موجود در ایران که در غالب تهیه طرح های جامع و تفصیلی مطرح هستند، چون بیشتر کالبدی، ایستا و سنتی بوده و در تدوین آن ها ابعاد اجتماعی، اقتصادی و مدیریتی لحاظ نشده است، پاسخگوی نیازهای فعلی شهرها نیستند و چون در عمل غیر قابل انعطاف بوده، میزان تحقق اهداف پیش بینی شده در آن ها بسیار ناچیز است. بنابراین گذار از الگوی برنامه های جامع شهری به سمت برنامه ریزی استراتژیک با توجه به خاصیت ترکیبی، انعطاف پذیر بودن و پویایی آن در جهت حل مسائل و مشکلات و سازگاری با تحولات آینده ضروری به نظر می رسد (سلیمی، ۱۳۸۷: ۲). برنامه ریزی استراتژیک در دهه ۱۹۶۰ ابتدا در انگلستان و سپس در آمریکا متأثر از نظریه سیستم ها و در واکنش به نواقص طرح های جامع و تفصیلی شهری به وجود آمد، این نوع برنامه ریزی اصولاً به سمت برنامه ریزی فرایندی، تصمیم سازی، برنامه ریزی محلی، مشارکت و تلفیق برنامه ریزی و اجرا روی می آورد (صابری، ضرابی و محمدی، ۱۳۹۱: ۶۱). شهر بیرجند با ۱۸۴۶۴۷ نفر جمعیت، مرکز استان خراسان جنوبی است که طی سال های اخیر بویژه پس از مرکزیت در استان جدید، اندک اندک از شکل سنتی خود فاصله گرفته است. بررسی های مربوط به طرح جامع شهر بیرجند حکایت از عدم تحقق اهداف آن و لحاظ نشدن ابعاد فرهنگی و اجتماعی در این طرح را دارد که مدیران شهری بیرجند را بر آن داشته تا بازنگری طرح جامع را در دستور کار خود قرار دهند. بنابر آن چه گفته شد، ضرورت و اهمیت برنامه ریزی استراتژیک که در واقع واکنشی است به نواقص طرح های

جامع و تفصیلی، بیشتر آشکار شد. لیکن این پژوهش بر آن است تا با رویکرد راهبرد توسعه شهری CDS به برنامه ریزی استراتژیک توسعه شهر بیرجند با مدل SWOT و QSPM بپردازد و در این راستا اهدافی همچون شناخت نقاط قوت، ضعف فرصت و تهدید در راهبرد توسعه شهر بیرجند و اولویت بندی استراتژی های توسعه شهر بیرجند در آینده را بررسی خواهد نمود.

سؤالات تحقیق

- وضعیت شهر بیرجند به لحاظ شاخص های راهبرد توسعه شهری CDS چگونه است؟
- بهترین استراتژی برای توسعه شهر بیرجند بر اساس قابلیت ها و امکانات موجود کدام است؟
- فرضیات تحقیق
- پژوهش حاضر بر مبنای فرضیه های زیر شکل گرفته است:
- شهر بیرجند به لحاظ شاخص های راهبرد توسعه شهری در وضعیت تدافعی قرار دارد.
- استراتژی توسعه گردشگری بر اساس پتانسیل های موجود، مطلوب ترین راهبرد برای توسعه شهر باشد.

روش شناسی

روش شناسی راهبرد توسعه شهر در جهت برقرار نمودن و بیان ارتباط میان راهبرد توسعه شهر و کاهش فقر بیان می شود و بر محورهای زیر استوار است که این محورها عبارتند از:

- ۱- اهداف: که راهبرد توسعه شهر را از بسیاری طرح ها و برنامه های دیگر توسعه متمایز می کند، برای مثال در این شیوه، برنامه ریزی بر خلاف سایر طرح های رایج، بر ضرورت به میدان آوردن بازیگران کلیدی و نیز ایجاد مشارکت عمومی که خواهد

توانست یک موفقیت کلی و در عین حال، طولانی مدت را در ازای چشم اندازهای طرح و اهداف پشتیبانی از برنامه پدید آورد.

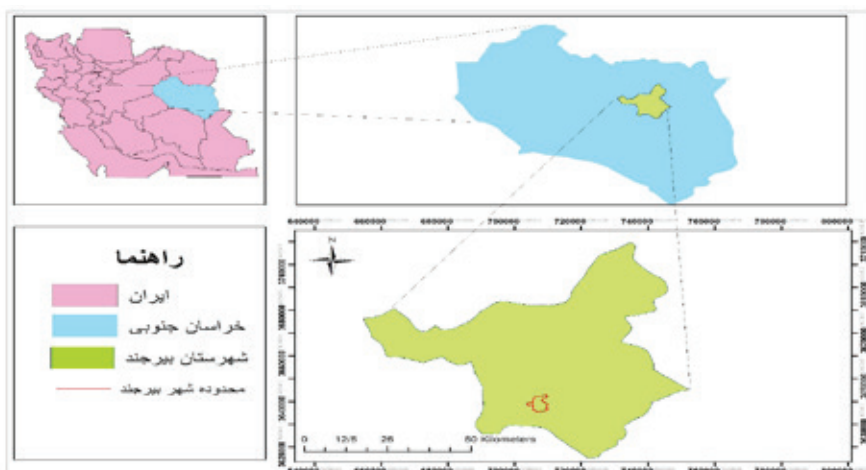
۲- **فرایندها:** در فرایند تهیه راهبرد توسعه شهر، تأکید فراوانی بر بهره گیری از نظرات و راهکارهای نیروها و بازیگران کلیدی محلی مطرح می شود و به همین دلیل نیز می توان فرایند تهیه طرح را با سایر طرح های شهری با مقیاس و هدف مشابه متفاوت دانست.

۳- **اثرات کاهش فقر:** تمرکز پیشینه این گونه طرح ها را می توان از ابتدا، بر کاستن از میزان و اثرات فقر در شهرها دانست و براین اساس، راهبرد توسعه شهر می کوشد تا با استفاده از راهکارهای برخاسته از نظرات برآمده از ساکنین و صاحبان نفع و نفوذ در شهرها به هر چه اجرایی تر ساختن کاهش فقر در شهرها نزدیک شود.

در این تحقیق روش مورد استفاده بر اساس هدف، روش تحقیق کاربردی و شیوه مطالعه برحسب روش و ماهیت توصیفی - تحلیلی است. پس از جمع آوری اطلاعات اسنادی و کتابخانه ای، برای جمع آوری اطلاعات میدانی از ابزار پرسش نامه و مصاحبه با ۵۲ نفر از کارشناسان و مدیران شهر بیرجند استفاده شد. با توجه به این که رویکرد مطالعه حاضر به صورت استراتژیک است، بعد از مراحل فوق برای تحلیل SWOT اقدام به استخراج عوامل داخلی (نقاط قوت و ضعف) و عوامل خارجی (فرصت ها و تهدیدها) شهر بیرجند بر اساس راهبرد توسعه شهر CDS گردید و در مرحله بعد با امتیازدهی عوامل از سوی کارشناسان و تعیین نمره نهایی عوامل داخلی و خارجی، موقعیت شهر بیرجند بر اساس رویکرد CDS مشخص شد و سپس استراتژی های لازم متناسب با این موقعیت تدوین و در نهایت با استفاده از مدل QSPM استراتژی ها اولویت بندی شد.

معرفی محدوده مورد مطالعه

شهر بیرجند با ۱۸۴۶۴۷ نفر جمعیت، مرکز استان خراسان جنوبی است که بر اساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن استان خراسان جنوبی در سال ۱۳۹۰، جمعیت بیرجند در این سال حدود یک درصد از جمعیت کل کشور (۱/۶۴٪) بوده است. نرخ رشد جمعیت بیرجند طی سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۹۰ معادل ۱/۶۴٪ بوده است که از متوسط نرخ رشد جمعیت کشور (۱/۲۹٪) بیشتر است (سالنامه آماری، ۱۳۹۰). به نظر برخی از مورخین، سابقه تاریخی این شهر به زمان ساسانیان می‌رسد. از آثار تاریخی باقی مانده از قرون اول اسلام استنباط می‌شود که بیرجند از دهات خیلی قدیمی بوده که اسامی خاص فارسی و فرهنگ مردم پر دامنه آن بیانگر وجود این شهر در دوره‌های قبل از اسلام با جمعیتی حدود ۳۰۰۰ نفر بوده است و مردم آن دارای زندگی ساده کشاورزی بوده‌اند. بدین جهت است که بیرجند توانسته است در یک محیط جغرافیایی نامساعد که بیش از ۵۰ کیلومتر با حاشیه کویر فاصله ندارد به حیات خود ادامه دهد (توان پور، ۱۳۸۶: ۳۲۴-۳۲۵).



شکل ۱) موقعیت شهر بیرجند در استان خراسان جنوبی و کشور

برنامه ریزی استراتژیک

واژه استراتژی از ریشه یونانی استراتژیما^۱ به معنی فرمانده ارتش، مرکب از استراتوس^۲ به معنی ارتش و اگو^۳ به معنی رهبر گرفته شده است (سلیمی، ۱۳۸۷: ۱۴). از نظر نظامی، استراتژی یعنی آرایش نیروهای مسلح در میدان نبرد به منظور شکست دشمن و یا چگونگی بکارگیری منابع علیه دشمن برای رسیدن به هدف‌های تعیین شده است (علی‌احمدی و نیمروز، ۱۳۷۶: ۴۴۳). این واژه در اصل به معنی نگاه سراسری به چیزهای است که برای پیروزی در جنگ لازم است، بدینسان این واژه در ارتباط با مفهوم تاکتیک قرار می‌گرفته که به عملیات آنی و بلاواسطه که برای درهم کوبیدن دشمن در یک نبرد منفرد صورت می‌گرفت، اطلاق می‌شد (پولادی، ۱۳۸۷: ۱۲۵).

استراتژی مجموعه‌ای از تصمیمات و فعالیت‌های هدف محور است که مهارت‌ها و منابع سازمان را با فرصت‌ها و تهدیدهای محیط سازمان، سازگار و هماهنگ می‌کند (Flouris & Dostaler, 2007: 2). برنامه ریزی استراتژیک نوع دیگری از برنامه ریزی است که به دنبال نظریه سیستمی (مورد استفاده در دهه ۱۹۵۰ در آمریکا و ۱۹۷۰ در انگلستان) و در مسیر تکامل آن مطرح شده است (مرادی مسیحی، ۱۳۸۴: ۱۰). برنامه ریزی استراتژیک فرایندی است که توسط آن مدیران وظیفه و مأموریت اصلی سازمان را ترسیم می‌کنند و ابزاری را که برای رسیدن به این مأموریت لازم می‌دانند، فراهم می‌کنند. این نوع برنامه ریزی معمولاً توسط سطوح عالی که مسؤول ترسیم آینده سازمان هستند، ترسیم می‌شود. آنان باید دو موضوع اصلی یعنی "چه باید انجام دهیم و چگونه" راه را روشن می‌کنند (همان، ۱۰).

جهت تعریف استراتژی سه سؤال اساسی مطرح است:

- ۱- کجا هستیم، یا وضع موجود چگونه است؟
- ۲- کجا می‌خواهیم باشیم، یا برویم، یا وضع مطلوب چه باید باشد؟

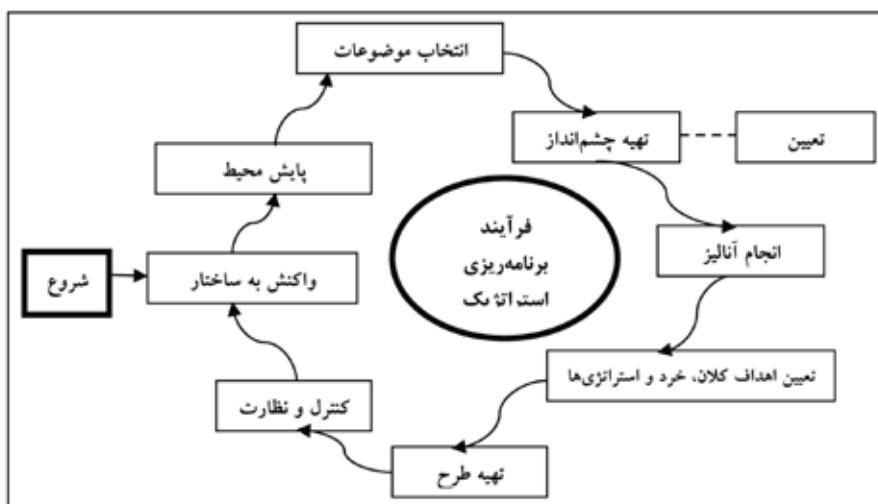
1. Strategema

2. Stratos

3. Ago

۳- چگونه به آن جا می خواهیم برسیم؟ استراتژی ها چه باشد؟
 مشابه همین مطلب را می توان در بیانات حضرت امیرالمومنین علی (ع) یافت که در نهج البلاغه فرموده اند:

رحم الله امرا علی من این، فی این الی این: رحمت خاصه حق تعالی نصیب کسی یا کسانی می شود که بدانند از کجایند، در کجایند و به سمت کجایند (سپهری فر، ۱۳۹۳: ۳۰).



(شکل ۲) فرایند برنامه ریزی استراتژیک (Cooper, 1998: 10)

راهبرد توسعه شهر CDS

راهبرد توسعه شهر رویکردی است با ماهیت راهبردی که بر تهیه و اجرای سند راهبرد توسعه شهر تأکید داشته و تدوین آن برپایه چشم اندازسازی و مشارکت شهروندان صورت گرفته است. اگرچه موارد ذکرشده، شرط لازم برای راهبرد توسعه شهری می باشد، اما این شروط بدون وجود حکومت های محلی، حکومت های شهری و حکمروایی شهری که شرط کافی برای این گونه از برنامه ریزی می باشد، عملی نیست (رهنمایی، شعبانی فرد و اکبرپور، ۱۳۸۸: ۵۴). سازمان همکاری شهرها برای تحقق اهداف خود نهادهای اجرایی

جداگانه ای را در شهرها ایجاد نمی نماید، بلکه تمرکز خود را بر ارتقای ظرفیت های موجود قرار می دهد. امور این سازمان در کشورهای مختلف توسط واحدهای عملیاتی بانک جهانی و دیگر مؤسسات بین المللی پیگیری می شود. سازمان همکاری شهرها تاکنون با مشارکت نهادهای محلی و ملی در کشورهای گوناگون، از جمله برزیل، السالوادور، موریتانی، نیجریه، رواندا، آفریقای جنوبی، مصر، مراکش، بنگلادش، کامبوج، چین، هند، اندونزی، نپال، پاکستان، فیلیپین، ویتنام، یمن، اردن، موزامبیک، کنیا، اتیوپی، جامائیکا و بلغارستان در رابطه با فرایند توسعه شهر، مشاوره ای داشته است. بر اساس برآوردهای موجود، این سند طی پنج سال آینده در زندگی ۱۰۰ شهر از کشورهای جهان سوم که جمعیت آنها بیش از ۲۰۰ میلیون نفر بوده است و ۱۰۰ میلیون آن ها را اقشار فقیر تشکیل می دهند، تأثیر خواهد گذاشت.

اهداف راهبرد توسعه شهر (CDS)

راهبرد توسعه شهر دارای اهدافی است که این اهداف باید در تمام مراحل تهیه و اجرا مد نظر باشند که این اهداف عبارتند از:

- ۱- دستیابی به مدیریت و حاکمیت بهبود یافته؛
- ۲- دستیابی به رشد اقتصادی و اشتغال فزاینده؛
- ۳- کاهش فقر تداوم آن (صابری و دیگران، ۱۳۹۰: ۹۳).

یافته ها

تحلیل SWOT

یکی از ابزارهای تحلیل استراتژیک، تحلیل SWOT است. امروزه فنون تحلیلی SWOT در طیف گسترده ای از پژوهش ها و فرایندهای تصمیم سازی رشته های گوناگون به کار گرفته می شود. در عصر جهانی شدن که شهرها برای جذب سرمایه و استعدادهای درخشان، با یکدیگر به رقابت برخاسته اند، برنامه ریزی شهری مطلوب بر توان رقابتی شهرها می افزاید و به آن ها برای یافتن جایگاهی شایسته در نظام

منطقه ای، ملی و بین المللی کمک می کند. در همین راستا از روش SWOT می توان به عنوان ابزاری برای ارتقای توان رقابتی شهرها استفاده کرد. این شیوه را می توان معیاری برای شناسایی ویژگی های برجسته شهرها دانست، ویژگی هایی که مدیران شهری را در تدوین راهبرد رقابتی شهر یاری می رساند (سلیمی، ۱۳۸۷: ۴۱). از آن جا که هدف تحقیق حاضر تبیین موقعیت و در واقع تعیین جایگاه شهر بیرجند به لحاظ نمونه CDS است و تحلیل های آماری به تنهایی گویای واقعیت ها نیست، بنابراین برای بررسی دقیق تر موضوع، با توجه به روش SWOT و با یک رویکرد استراتژیک به تحلیل پرداخته شده است. تحلیل SWOT که شامل استخراج نقاط قوت، ضعف داخلی و فرصت و تهدید خارجی است، ابتدا چارچوب ارزیابی عوامل داخلی (IFE)^۱، چارچوب ارزیابی عوامل خارجی (EFE)، و در نهایت چارچوب داخلی خارجی (IE) طراحی شد.

جدول (۱) ماتریس نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدید مدل CDS در بیرجند

فرصت ها	قوت ها
۱. قرارگیری در مسیر راه آهن محور شرق کشور (چابهار - سرخس) ۲. نزدیکی به بازارچه های مرزی (ماه رود و...) و توسعه فعالیت های بازرگانی و ترابری ۳. قطب بودن شهرستان در تولید محصولات کشاورزی (زرشک و عناب) و قابلیت ایجاد صنایع تبدیلی در شهر بیرجند ۴. امکان توسعه فعالیت صنعتی جدید در شهرستان به لحاظ محدودیت استقرار صنایع جدید در محدوده مرکز استان ۵. وجود زیرساخت های صنعتی (خط لوله گاز و برق) برای تبدیل شدن به شهر صنعتی ۶. امکان استفاده از فن آوری اطلاعات و ارتباطات در ارائه خدمات به شهروندان ۷. امکان استفاده از بانکداری الکترونیک در ارائه خدمات مالی به شهروندان ۸. وجود خیل عظیم سربازان پادگان های نظامی و دانشجویان و مستعد کردن شهر برای ارائه خدمات و مشاغل خدماتی ۹. قابلیت تبدیل شدن به یک شهر دانشگاهی با توجه به توانمندی های موجود در منطقه	۱. تمایل زیاد شهروندان به مشارکت و مسؤولیت پذیری آنان در صورت فراهم بودن شرایط ۲. مطلوب بودن شبکه مخابراتی شهر به لحاظ گستردگی و فراگیر بودن آن ۳. فرهنگ غنی مردم بیرجند و بالا بودن روحیه تعاون و کار گروهی ۴. وجود اراضی مستعد کشاورزی برای انواع محصولات باغی و زراعی در قسمت غربی شهر ۵. رضایت بخش بودن امنیت در شهر به لحاظ وقوع جرم و جنایت ۶. آمار بالای تعداد دانشجویان و افراد تحصیل کرده (منابع انسانی) در شهر و هم چنین دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی ۷. بالا بودن میزان تندرستی و احساس خوشبختی مردم در شهر ۸. بالا بودن زیرساخت های مالی در شهر بیرجند
تهدید ها	ضعف ها
۱. ناتوانی در جذب سرمایه های جدید با توجه به دور بودن از مرکز جغرافیایی کشور ۲. افت منابع آب و تخریب شدید خاک در سطح ناحیه و پایین بودن مزیت های توسعه ۳. نادیده گرفتن شایسته سالاری در به کارگیری افراد در سازمان های اداره کننده شهر ۴. عدم زمینه سازی برای مشارکت واقعی شهروندان در اداره امور شهر ۵. مدیریت خردنگر در اداره شهر و عدم توجه به برنامه های بلندمدت (وجود مدیریت سنتی در شهر) ۶. سعی در تضعیف جایگاه شورای اسلامی و کاستن از اختیارات قانونی آن با توجه به پایین بودن سطح تخصص و تجربه اعضای شورا ۷. نزدیکی به مرزهای شرقی کشور و نزدیک بودن با کشور ناامن افغانستان ۸. وجود یک دید بخشی در بین مسؤولین شهر و شهرستان ۹. مهاجرپذیر بودن شهر و شهرستان و کاهش حس ایمنی و کاهش اعتماد در شهروندان ۱۰. ناهم سویی شورای شهر و شهرداری در راستای توسعه شهری	۱. پاسخگویی پائین مدیریت شهری و شفافیت کم قوانین و مقررات در مورد طرح های اجرایی و هزینه های آن ها ۲. ضعف کمی و کیفی در زمینه تأسیسات و تجهیزات شهری ۳. غیربومی بودن اکثر نیروهای مشغول در سازمان های اداره کننده شهر ۴. کمبود فضاهای آموزشی، ورزشی، فرهنگی، گردشگری و تفریحی در شهر ۵. عدم نظرخواهی از شهروندان و مشارکت آن ها در اداره شهر ۶. ضمانت اجرایی پائین در اجرای طرح های شهری مصوب در بیرجند ۷. کمبود بودجه شهرداری به دلیل خودکفایی آن و نبود درآمدهای پایدار ۸. پائین بودن سطح زندگی و وجود معضل اشتغال در شهر ۹. قابلیت پذیرش اجتماعی و سیاسی پائین مالیات ها و عوارض در بین شهروندان و توجیه اقتصادی پائین آن ها ۱۰. سطح پائین تخصص مسؤولین و مدیریت شهری ۱۱. ضمانت پائین دریافت عوارض و مالیات های شهری ۱۲. نامطلوب بودن زیرساخت های شهر (حمل و نقل، آب و فاضلاب و انرژی) برای دستیابی به توسعه ۱۳. فقدان مدیریت یکپارچه سازمان های دخیل در مدیریت و توسعه شهر

منبع: مطالعات میدانی نگارندگان

چارچوب ارزیابی عوامل داخلی (IFE)

پس از شناسایی نقاط قوت و ضعف، آن‌ها را در چارچوب مخصوص قرار داده و به ترتیب مراحل زیر طی گردید و قوت‌ها و ضعف‌های شناسایی شده به ترتیب فهرست شد. به هرکدام از آن‌ها از صفر تا یک ضریب داده شد، به طوری که حاصل مجموع ضرایب عدد ۱ شود، به هرکدام از عوامل از ۱ تا ۴ نمره داده شد: ۱ برای ضعف اساسی، ۲ برای ضعف عادی، ۳ برای قوت عادی و ۴ برای قوت بسیار بالا.

جدول (۲) چارچوب ارزیابی عوامل داخلی (IFE)

ردیف	عوامل اصلی داخلی	ضریب	نمره	نمره نهایی
	نقاط قوت			
۱	مایل زیاد شهروندان به مشارکت و مسؤولیت‌پذیری آنان در شرایط مساعد	۰/۰۶	۴	۰/۲۴
۲	فرهنگ غنی مردم بیرجند و بالا بودن روحیه تعاون و کار گروهی	۰/۰۵	۳	۰/۱۵
۳	رضایت بخش بودن امنیت در شهر به لحاظ وقوع جرم و جنایت	۰/۰۶	۴	۰/۱۸
۴	آمار بالای تعداد دانشجویان و افراد تحصیل کرده (منابع انسانی) در شهر و دانشگاه‌ها	۰/۰۶	۴	۰/۲۴
۵	بالا بودن میزان تندرستی و احساس خوشبختی مردم در شهر	۰/۰۵	۳	۰/۱۵
۶	بالا بودن زیرساخت‌های مالی در شهر بیرجند	۰/۰۵	۴	۰/۲۰
	نقاط ضعف			
۱	پاسخگویی پائین مدیریت شهری و شفافیت کم قوانین و مقررات در مورد طرح‌های اجرایی و هزینه‌های آنها	۰/۰۶	۲	۰/۱۲
۲	ضعف کمی و کیفی در زمینه تأسیسات و تجهیزات شهری	۰/۰۶	۱	۰/۰۶
۳	غیر بومی بودن اکثر نیروهای مشغول در سازمان‌های اداره کننده شهر	۰/۰۵	۱	۰/۰۵
۴	کمبود فضاهای آموزشی، ورزشی، فرهنگی، گردشگری و تفریحی در شهر	۰/۰۶	۱	۰/۰۶
۵	عدم نظرخواهی از شهروندان و مشارکت آنها در اداره شهر	۰/۰۵	۱	۰/۰۵
۶	ضمانت اجرایی پائین در اجرای طرح‌های شهری مصوب در شهر بیرجند	۰/۰۴	۱	۰/۰۴
۷	کمبود بودجه شهرداری به دلیل خودکفایی آن و نبود درآمدهای پایدار	۰/۰۶	۲	۰/۱۲
۸	پائین بودن سطح زندگی و وجود معضل اشتغال در شهر	۰/۰۶	۲	۰/۱۲
۹	قابلیت پذیرش اجتماعی و سیاسی پائین مالیات‌ها و عوارض	۰/۰۵	۲	۰/۱۰
۱۰	سطح پائین تخصص مسؤولین و مدیریت شهری	۰/۰۵	۲	۰/۱۰
۱۱	ضمانت پائین دریافت عوارض و مالیات‌های شهری	۰/۰۴	۲	۰/۰۸
۱۲	نامطلوب بودن زیرساخت‌های شهر (حمل و نقل، آب و فاضلاب و انرژی)	۰/۰۴	۲	۰/۰۸
۱۳	فقدان مدیریت یکپارچه سازمان‌های دخیل در مدیریت و توسعه شهر	۰/۰۶	۲	۰/۱۲
۱۴	آب و هوای خشک و وجود گرد و غبار در بیشتر ایام تابستان	۰/۰۴	۲	۰/۰۸
جمع		۱	۲۳	۲/۳۴

- جهت تعیین نمره نهایی، ضریب هر عامل در نمره آن ضرب گردید.

- مجموع نمره‌های نهایی محاسبه شد تا نمره نهایی عوامل داخلی مشخص شود (جمع نمره نهایی باید بین ۱ تا ۴ به دست آید) جدول ۲ این مراحل را نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود جمع نمره نهایی چارچوب IFE برابر با ۲/۳۴ است که این عدد در ماتریس IE برای تعیین جایگاه CDS در شهر بیرجند به کار می‌رود.

ماتریس ارزیابی عوامل خارجی (EFE)

برای فرصت‌ها و تهدیدها نیز شبیه مرحله قبل طی شد، تنها فرق آن با مرحله قبل، در روش نمره دادن به هر یک از عوامل است. نمره داده شده نشان دهنده واکنش سازمان (شهرداری و شورای شهر و دیگر سازمان‌های اداره کننده شهر) به هر کدام از تهدیدها و فرصت‌هاست. نمره گذاری این عوامل به قرار زیر بوده است:

عدد ۱ برای واکنش ضعیف، عدد ۲ برای واکنش عادی، عدد ۳ برای واکنش خوب، عدد ۴ برای واکنش خیلی خوب.

در پایان نیز هرکدام از ضرایب در نمره مربوطه ضرب گردید تا نمره نهایی به دست آید. بدیهی است که جمع نمره نهایی حاصل این چارچوب نیز در چارچوب IE استفاده می‌شود. چارچوب مربوط به این مرحله در جدول ۳ آمده است که نتیجه نهایی این چارچوب عدد ۱/۹۴ است.

جدول ۳) ماتریس ارزیابی عوامل خارجی (EFE)

ردیف	عوامل اصلی خارجی	نمره	ضریب	نمره نهایی
	فرصت‌ها			
۱	قرارگیری در مسیر راه آهن محور شرق کشور (چابهار - سرخس)	۴۴	۰/۰۷	۰/۲۸
۲	نزدیکی به بازارچه‌های مرزی (یزدان، دوکوهانه، میل ۷۳ و میل ۷۸) و توسعه فعالیت‌های بازرگانی و ترابری	۴۴	۰/۰۷	۰/۲۸
۳	قطب بودن شهرستان در تولید محصولات کشاورزی (زرشک و عنب) و قابلیت ایجاد صنایع تبدیلی در شهر بیرجند	۳۳	۰/۰۶	۰/۱۸
۴	امکان توسعه فعالیت صنعتی جدید در شهرستان به لحاظ محدودیت استقرار صنایع جدید در محدوده مرکز استان	۳۵	۰/۰۵	۰/۱۵
۵	وجود زیرساخت‌های صنعتی (خط لوله گاز و برق) برای تبدیل شدن به شهر صنعتی	۲۲	۰/۰۴	۰/۰۸
۶	امکان استفاده از فن آوری اطلاعات و ارتباطات در ارائه خدمات به شهروندان	۱۱	۰/۰۴	۰/۰۴

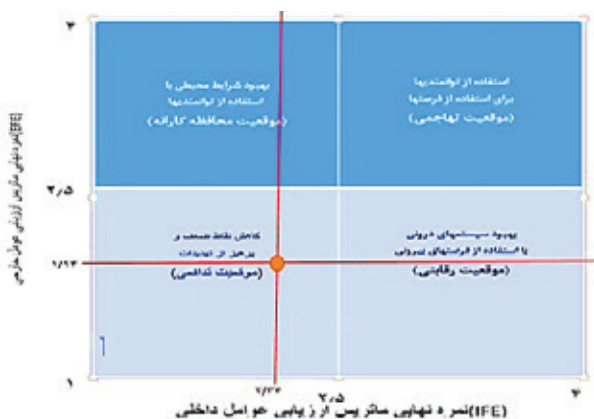
۷	امکان استفاده از بانکداری الکترونیک در ارائه خدمات مالی به شهروندان	۲۲	۰/۰۴	۰/۰۸
۸	وجود خیل عظیم سربازان پادگان های نظامی و دانشجویان و مستعد کردن شهر برای ارائه خدمات و مشاغل خدماتی	۲۲	۰/۰۵	۰/۱۰
۹	قابلیت تبدیل شدن به یک شهر دانشگاهی با توجه به توانمندی های منطقه	۳۳	۰/۰۴	۰/۱۲
	تهدیدات			
۱	ناتوانی در جذب سرمایه های جدید با توجه به دور بودن از مرکز جغرافیایی کشور	۲۲	۰/۰۵	۰/۱۰
۲	افت منابع آب و تخریب شدید خاک در سطح ناحیه و پایین بودن مزیت های توسعه	۱۱	۰/۰۶	۰/۰۶
۳	نادیده گرفتن شایسته سالاری در به کارگیری افراد در سازمان های اداره کننده شهر	۱۱	۰/۰۵	۰/۰۵
۴	عدم زمینه سازی برای مشارکت واقعی شهروندان در اداره امور شهر	۲۲	۰/۰۴	۰/۰۸
۵	مدیریت خردنگر در اداره شهر و عدم توجه به برنامه های بلندمدت (وجود مدیریت سنتی در شهر)	۱۱	۰/۰۴	۰/۰۴
۶	سعی در تضعیف جایگاه شورای اسلامی و کاستن از اختیارات قانونی آن با توجه به پایین بودن سطح تخصص و تجربه اعضای شورا	۱۱	۰/۰۶	۰/۰۶
۷	نزدیکی به مرزهای شرقی کشور و نزدیک بودن با کشور ناامن افغانستان	۲۱	۰/۰۵	۰/۰۵
۸	وجود یک دید بخشی در بین مسئولین شهر و شهرستان	۱۱	۰/۰۳	۰/۰۳
۹	مهاجرپذیر بودن شهر و شهرستان و کاهش حس ایمنی و کاهش اعتماد	۱۱	۰/۰۶	۰/۰۶
۱۰	ناهم سویی شورای شهر و شهرداری در راستای توسعه شهری	۲۱	۰/۰۴	۰/۰۴
۱۱	وجود قوانین دست و پاگیر جهت سرمایه گذاری و عدم توجه به بخش خصوصی	۲۱	۰/۰۶	۰/۰۶
جمع			۱	۱/۹۴

منبع: مطالعات میدانی نگارندگان

ماتریس داخلی خارجی (IE)

پس از شناسایی قوت ها، ضعف ها، فرصت ها و تهدیدها و پس از این که چارچوب های EFE و IFE انجام گرفت، اکنون به تحلیل چارچوب IE یا همان چارچوب تحلیل عوامل خارجی - داخلی پرداخته می شود. پاسخی که این ر می دهد پاسخی است در خور این پرسش که اولویت با کدام گروه از استراتژی ها (SO، WO، ST،WT) می باشد. در چارچوب IE و EFE نمره نهایی برابر به دست آمد. ماتریس IE نیز بر اساس همین یافته ها تشکیل شده است (شکل ۲). ناحیه ای که محل تلاقی دو خط را نشان می دهد متعلق به گروه استراتژی های همین داده شکل گرفته است. ناحیه ای که این دو خط در آن برخورد کرده اند استراتژی هایی را نشان می دهد که همان استراتژی های گروه

WT است. ماتریس IE گویای این واقعیت است که اگر مدیریت شهری بیرجند بخواهد حرکت خود را به سمت برنامه ریزی استراتژیک آغاز کند، پیاده سازی استراتژی های گروه WT یا همان استراتژی های تدافعی، باید در اولویت اول قرار گیرد، یعنی نقاط ضعف را کاهش دهد و از تهدیدها دوری کند.



شکل ۲) ماتریس ارزیابی داخلی و خارجی (IE)

جدول ۴) چارچوب برنامه ریزی استراتژیک کمی (QSPM) شاخص های الگو CDS شهر بیرجند

استراتژی ها											
عوامل داخلی و خارجی				ایجاد بسترهای مناسب برای مشارکت شهروندان در برنامه های توسعه و پاسخگویی بهتر و شفافیت بیشتر مدیریت شهری در برابر شهروندان				توسعه سیستمهای داخلی با استفاده از فرصتها (موقعیت دفاعی)			
عوامل اصلی تعیین کننده موفقیت				ایجاد مشوق های مالی و قانونی و بسترسازی مناسب در جهت جذب سرمایه گذاری های بخش های خصوصی و دولتی با توجه به مزیت های نسبی برای بالا بردن افزایش اشتغال و ارتقای سطح زندگی				توسعه بیشتر			
ضریب	نمره جذابیت	نمره جمع	نمره جذابیت	ضریب	نمره جذابیت	نمره جمع	نمره جذابیت	ضریب	نمره جذابیت	نمره جمع	نمره جذابیت
۰/۰۷	۳	۰/۲۱	۱	۰/۰۷	۱	۰/۰۷	۱	۰/۲۱	۳	۰/۰۷	۱
۰/۰۷	۳	۰/۲۱	۱	۰/۰۷	۱	۰/۰۷	۱	۰/۲۱	۳	۰/۰۷	۱

۰/۱۸	۳	۰/۰۶	۱	۰/۱۲	۲	۰/۰۶	۱	۰/۱۲	۲	۰/۰۶	۴. قطب بودن شهرستان در تولید محصولات کشاورزی (زرشک و عناب) و قابلیت ایجاد صنایع تبدیلی در شهر بیرجند
۰/۱۵	۳	۰/۱۰	۲	۰/۱۰	۲	۰/۰۵	۱	۰/۰۵	۱	۰/۰۵	۴. امکان توسعه فعالیت صنعتی جدید در شهرستان به لحاظ محدودیت استقرار صنایع جدید در محدوده مرکز استان
۰/۰۸	۲	۰/۱۶	۴	۰/۰۸	۲	۰/۰۴	۱	۰/۰۴	۱	۰/۰۴	۵. وجود زیرساخت های صنعتی (خط لوله گاز و برق) برای تبدیل شدن به یک شهر صنعتی
۰/۱۲	۱	۰/۰۸	۲	۰/۰۸	۲	۰/۰۸	۲	۰/۰۸	۲	۰/۰۴	۶. امکان استفاده از فن آوری اطلاعات و ارتباطات در ارائه خدمات به شهروندان
۰/۰۴	۱	۰/۰۸	۲	۰/۰۸	۲	۰/۰۸	۲	۰/۰۴	۱	۰/۰۴	۷. امکان استفاده از بانکداری الکترونیک در ارائه خدمات مالی به شهروندان
۰/۰۵	۱	۰/۱۰	۲	۰/۱۰	۲	۰/۱۰	۲	۰/۱۰	۲	۰/۰۵	۸. وجود خیل عظیم سربازان پادگان های نظامی و دانشجویان و مستعد کردن شهر برای ارائه خدمات و مشاغل خدماتی
۰/۱۲	۳	۰/۰۸	۲	۰/۰۴	۱	۰/۱۲	۳	۰/۱۲	۳	۰/۰۴	۹. قابلیت تبدیل شدن به یک شهر دانشگاهی با توجه به توانمند های موجود در منطقه
۰/۱۰	۲	۰/۰۵	۱	۰/۰۵	۱	۰/۰۵	۱	۰/۰۵	۱	۰/۰۵	۱. ناتوانی در جذب سرمایه های جدید با توجه به دور بودن از مرکز جغرافیایی کشور
۰/۰۶	۱	۰/۰۶	۱	۰/۰۶	۱	۰/۰۶	۱	۰/۱۰	۲	۰/۰۶	۳. افت منابع آب و تخریب شدید خاک در سطح ناحیه
۰/۱۸	۳	۰/۱۰	۲	۰/۱۲	۳	۰/۰۶	۱	۰/۱۰	۲	۰/۰۶	۳. وجود قوانین دست و پا گیر جهت سرمایه گذاری
۰/۱۰	۲	۰/۱۰	۲	۰/۱۰	۲	۰/۲۰	۴	۰/۱۰	۲	۰/۰۵	۴. نادیده گرفتن شایسته سالاری در به کارگیری افراد در سازمان های اداره کننده شهر
۰/۰۸	۲	۰/۰۴	۱	۰/۱۶	۴	۰/۰۸	۲	۰/۱۲	۳	۰/۰۴	۵. عدم زمینه سازی برای مشارکت واقعی شهروندان در اداره امور شهر
۰/۰۸	۲	۰/۱۶	۴	۰/۱۶	۴	۰/۱۲	۳	۰/۱۶	۴	۰/۰۴	۶. مدیریت خردنگر در اداره شهر و عدم توجه به برنامه های بلندمدت (وجود مدیریت سنتی در شهر)
۰/۰۷	۱	۰/۰۷	۱	۰/۰۷	۱	۰/۱۴	۲	۰/۰۷	۱	۰/۰۷	۷. سعی در تضعیف جایگاه شورای اسلامی و کاستن از اختیارات قانونی آن با توجه به پایین بودن سطح تخصص و تجربه اعضای شورا
۰/۰۵	۱	۰/۰۵	۱	۰/۰۵	۱	۰/۰۵	۱	۰/۰۵	۱	۰/۰۵	۸. نزدیکی به مرزهای شرقی کشور و نزدیک بودن با کشور ناامن افغانستان
۰/۰۶	۲	۰/۱۲	۴	۰/۰۶	۲	۰/۱۲	۴	۰/۰۹	۳	۰/۰۳	۹. وجود یک دید بخشی در بین مسئولین شهر و شهرستان
۰/۰۶	۱	۰/۰۶	۱	۰/۱۲	۳	۰/۰۶	۱	۰/۰۶	۱	۰/۰۶	۱۰. مهاجریزدی بودن شهر و شهرستان و کاهش حس ایمنی و کاهش اعتماد در شهروندان
۰/۰۴	۱	۰/۱۲	۳	۰/۱۲	۳	۰/۰۸	۲	۰/۰۸	۲	۰/۰۴	۱۱. ناهم سویی شورای شهر و شهرداری در راستای توسعه شهری
۰/۱۲	۲	۰/۰۶	۱	۰/۲۴	۴	۰/۱۲	۲	۰/۰۶	۱	۰/۰۶	۱. تمایل شهروندان به مشارکت و مسؤولیت پذیری آنان در صورت فراهم بودن شرایط

برنامه ریزی استراتژیک توسعه شهر بیرجند براساس رویکرد ...

۱۲۱

۰/۰۶	۱	۰/۰۶	۱	۰/۰۵	۱	۰/۰۵	۱	۰/۱۲	۲	۰/۰۶	۴. رضایت بخش بودن امنیت در شهر به لحاظ وقوع جرم و جنایت
۰/۰۶	۱	۰/۱۰	۲	۰/۱۲	۲	۰/۲۴	۴	۰/۱۰	۲	۰/۰۵	۳. فرهنگ غنی مردم بیرجند و بالا بودن روحیه تعاون
۰/۰۶	۱	۰/۰۶	۱	۰	۰	۰	۰	۰/۱۸	۳	۰/۰۶	۴. امار بالای تعداد دانشجویان و مؤسسات آموزش عالی
۰/۱۰	۲	۰/۱۰	۲	۰/۰۵	۱	۰/۰۵	۱	۰/۰۵	۱	۰/۰۵	۵. بالا بودن میزان تندرستی و احساس خوشبختی
۰/۰۶	۱	۰/۰۵	۱	۰/۲۴	۴	۰/۱۲	۲	۰/۰۵	۱	۰/۰۵	۶. بالا بودن زیرساخت های مالی در شهر بیرجند
۰/۱۴	۲	۰/۱۲	۲	۰/۰۷	۱	۰/۱۴	۲	۰/۰۶	۱	۰/۰۶	۱. پاسخگویی پائین مدیریت شهری و شفافیت کم قوانین و مقررات در مورد طرح های اجرایی و هزینه های آنها
۰/۱۰	۱	۰/۱۰	۲	۰/۰۵	۱	۰/۱۵	۳	۰/۱۵	۲	۰/۰۵	۲. غیربومی بودن اکثر نیروهای مشغول در سازمان های اداره کننده شهر
۰/۱۲	۲	۰/۱۲	۲	۰/۰۶	۱	۰/۰۶	۱	۰/۱۲	۲	۰/۰۶	۳. کمبود فضاهای ورزشی، فرهنگی، گردشگری و تفریحی در شهر
۰/۱۰	۲	۰/۱۰	۲	۰/۲۰	۴	۰/۱۰	۲	۰/۱۰	۲	۰/۰۵	۴. عدم نظرخواهی از شهروندان و مشارکت آنها در اداره شهر
۰/۰۸	۲	۰/۱۲	۳	۰/۰۸	۲	۰/۱۲	۳	۰/۱۲	۳	۰/۰۴	۵. ضمانت اجرایی پائین در اجرای طرح های شهری مصوب در شهر بیرجند
۰/۱۲	۲	۰/۰۶	۱	۰/۱۲	۲	۰/۰۶	۱	۰/۰۶	۱	۰/۰۶	۶. کمبود بودجه شهرداری
۰/۱۸	۳	۰/۱۲	۲	۰/۰۶	۱	۰/۱۲	۲	۰/۰۶	۱	۰/۰۶	۷. ضعف کمی و کیفی در زمینه تأسیسات و تجهیزات شهری
۰/۰۸	۳	۰/۱۲	۲	۰/۰۸	۲	۰/۱۲	۳	۰/۱۲	۳	۰/۰۶	۸. پایین بودن سطح زندگی
۰/۰۵	۱	۰/۱۰	۲	۰/۱۵	۳	۰/۰۵	۱	۰/۰۵	۱	۰/۰۵	۹. قابلیت پذیرش اجتماعی و سیاسی پائین مالیات ها و عوارض در بین شهروندان و توجه اقتصادی پائین آنها
۰/۰۵	۱	۰/۱۲	۲	۰/۱۰	۲	۰/۲۰	۴	۰/۲۴	۴	۰/۰۶	۱۰. سطح پائین تخصص مسئولین و مدیریت شهری
۰/۰۳	۱	۰/۰۴	۱	۰/۱۲	۴	۰/۰۳	۱	۰/۰۸	۲	۰/۰۴	۱۱. ضمانت پائین دریافت عوارض و مالیات های شهری
۰/۰۴	۱	۰/۱۲	۳	۰/۱۶	۴	۰/۱۲	۳	۰/۰۴	۱	۰/۰۴	۱۲. نامطلوب بودن زیرساخت های شهر (حمل و نقل، آب و فاضلاب و انرژی) برای دستیابی به توسعه
۰/۱۲	۲	۰/۲۴	۴	۰/۰۶	۱	۰/۰۶	۱	۰/۲۴	۴	۰/۰۶	۱۳. فقدان مدیریت یکپارچه سازمان های دخیل در مدیریت توسعه شهر
۰/۰۴	۱	۰/۰۴	۱	۰/۰۴	۱	۰/۰۴	۱	۰/۰۴	۱	۰/۰۴	۱۴. آب و هوای خشک و وجود گرد و غبار در بیشتر ایام سال
۱/۷۹		۲/۱۵		۱/۹۷		۱/۸۶		۲/۱۴		۱/۰	جمع
۴		۳/۸۹		۳/۸۶		۳/۵۵		۴/۲۹			مجموع نمره های جذابیت

ماتریس برنامه ریزی استراتژیک کمی

در این قسمت که در واقع مرحله تصمیم گیری است، گزینه های مختلف استراتژی های شناسایی شده در مرحله قبل، مورد ارزیابی و قضاوت قرار می گیرند. این چارچوب جذابیت نسبی انواع استراتژی ها را مشخص کرده و بدین گونه برای انتخاب استراتژی های خاص یک مبنای عینی ارائه می دهد. خروجی این چارچوب نشان دهنده اولویت استراتژی های طرح شده جهت عملیاتی شدن است. همان طور که در شکل ۴ دیده می شود، اولویت استراتژی های به دست آمده با توجه به مجموع نمره های جذابیت به ترتیب زیر است.

نمره جذابیت	اولویت بندی استراتژی های توسعه شهر بیرجند
4.29	• التزام مسئولان شهر به یک دید جامع ومنطقه ای و استفاده از برنامه ریزیهای بلند مدت در جهت توسعه برای رسیدن به چشم انداز مشترک
4	• ایجاد مشوقهای مالی و قانونی و بستر سازی مناسب در جهت جذب سرمایه گذاریهای بخش های خصوصی و دولتی با توجه به مزیت های نسبی برای بالا بردن افزایش اشتغال و ارتقای سطح زندگی
3.89	• هماهنگی و همکاری سازمانهای اداره کننده شهر در راستای توسعه بیشتر (مدیرت یکپارچه)
3.86	• ایجاد بسترهای مناسب برای مشارکت شهر وندان در برنامه های توسعه و پاسخگویی بهتر و شفافیت بیشتر مدیریت شهری در برابر شهروندان
3.55	• شایسته سالاری در سازمانهای اداره کننده شهر و جذب نیروی متخصص بومی

شکل ۳) اولویت بندی نهایی استراتژی های توسعه شهر بیرجند (منبع: یافته های تحقیق)

نتیجه

شهرهای درحال توسعه به منظور دستیابی به اهداف شان در شرایط اقتصاد رقابتی و غیرقابل پیش بینی به روش های مؤثری برای استفاده از منابع انسانی و مالی محدود نیاز دارند. جریان سرمایه به سمت شهرها یک شرایط اقتصادی خوبی را در برداشته و یک CDS مؤثر می تواند هم سرمایه و هم شرایط مناسب را جذب کند. در واقع استراتژی های توسعه شهری (CDS) با بهره گیری از روش های برنامه ریزی استراتژیک دامنه وسیعی از مسائل مدیریتی، اجتماعی، اقتصادی، زیست محیطی و کالبدی شهرها را

در برمی گیرند. در این طرح ها با محوریت مدیریت شهری و مشارکت ذی نفعان شهری ابتدا چشم انداز شهری مشخص شده و سپس استراتژی مورد نظر جهت دستیابی به چشم انداز و توسعه پایدار شهر تدوین می گردد. در نهایت، این استراتژی ها به برنامه های اجرایی تبدیل می گردند. در حقیقت استراتژی توسعه شهری، سند توسعه شهر در تمام ابعاد محسوب می شود. طرح ریزی شهر بیرجند که جزئی از نظام برنامه ریزی و مدیریت توسعه شهری ایران است، هم چون دیگر شهرهای کشور در قالب طرح های جامع و تفصیلی است که دارای نواقص و مشکلاتی، از قبیل ناچیز بودن درصد تحقق اهداف در طرح جامع و تفصیلی و برتری جنبه های فیزیکی و کالبدی بر ابعاد فرهنگی و اجتماعی است. لذا با توجه به نواقص برنامه های جامع و تفصیلی و جذب سرمایه و شرایط مناسب در اقتصاد رقابتی، روی آوردن به برنامه ریزی استراتژیک لازم و ضروری است. نتایج حاصل از تحلیل عوامل داخلی و خارجی توسعه شهر بیرجند با روش SWOT نشان دهنده این است که شهر بیرجند به لحاظ شاخص های الگو CDS در بدترین وضعیت ممکن از میان چهار موقعیت مشخص شده، یعنی موقعیت تدافعی قرار دارد. این بدین مفهوم است که از یک طرف، با نقاط ضعف داخلی و از طرف دیگر، تهدیدهای خارجی آن را احاطه نموده، در این وضعیت اقداماتی که صورت می گیرد، باید در راستای کاهش نقاط ضعف و پرهیز از تهدیدها باشد. در نتیجه استراتژی هایی برای برون رفت از این موقعیت تدوین گردید و در مرحله بعد با استفاده از روش QSPM بر اساس نمره جذابیتی که هریک از عوامل داخلی و خارجی دارند، استراتژی ها کمی و اولویت بندی شد که از میان پنج استراتژی تدوین شده، راهبرد التزام مسئولان شهر به یک دید جامع و منطقه ای و استفاده از برنامه ریزی های بلندمدت در جهت توسعه برای رسیدن به چشم انداز مشترک، در اولویت اول قرار گرفت. بنابراین فرضیه دوم تحقیق رد می گردد و راهبرد فوق، به عنوان مهم ترین راهبرد توسعه شهر بیرجند تعیین گردید.

منابع

- احدنژاد، محسن؛ قاسمی، اکرم؛ کاظمی، لیلا (۱۳۹۲). "استفاده از الگوی استراتژی توسعه شهری در برنامه ریزی کاربری فضای سبز؛ مطالعه موردی: منطقه یک شهر زنجان". *فصلنامه جغرافیا و برنامه ریزی شهری، چشم/انداز/زاگرس*، سال ششم، ش ۱۹ (بهار): ۷-۲۱.
- اشرفی، یوسف، و دیگران (۱۳۸۹). "استراتژی توسعه شهری (CDS) بستری مناسب جهت بهره مندی از برنامه ریزی مشارکتی". *جغرافیا و برنامه ریزی (دانشگاه تبریز)*، سال پانزدهم، ش ۳۳ (پاییز): ۱-۳۳.
- پولادی، کمال (۱۳۸۷). "برنامه راهبردی". در: *دانشنامه مدیریت شهری و روستایی. تهران: بنیاد دانشنامه نگاری ایران، با همکاری سازمان شهرداری ها و دهیاری های کل کشور: ۱۲۵-۱۲۶*.
- توان پور، مهدی (۱۳۸۶). "زندگی جدید کالبد قدیم و کالبد جدید". پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز.
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۲). *مقدمه/ی بر روش تحقیق در علوم انسانی*. تهران: سمت.
- حسین زاده دلیر، کریم، و دیگران (۱۳۹۰). "درآمدی بر رویکرد جدید استراتژی توسعه شهری در فرایند برنامه ریزی شهری با تأکید برچالش های فراوری طرح های جامع ایران". *فصلنامه علمی پژوهشی فضای جغرافیایی*، سال یازدهم، ش ۳۶ (زمستان): ۲۱۰-۱۷۳.
- رهنمایی، محمدتقی؛ شعبانی فرد، محمد؛ اکبرپور، محمد (۱۳۸۸). "توسعه استراتژیک شهرهای میانی ایران با تأکید بر رویکرد توسعه CDS راهی بسوی توسعه منطقه ای". *آمایش سرزمین*، دوره پانزدهم، ش ۱ (زمستان): ۲۱-۵۱.
- سپهری فر، حسن (۱۳۹۳). "تحلیل استراتژیک توسعه شهر اسفراین". پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیا، برنامه ریزی شهری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی. دانشگاه فردوسی مشهد.

- سلیمی، محمود (۱۳۸۷). "برنامه ریزی استراتژیک توسعه شهر بانه با استفاده از مدل SWOT". پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد.
- صابری، حمید؛ ضرابی، اصغر؛ محمدی، جمال (۱۳۹۱). "اولویت بندی استراتژی های توسعه شهر CDS با استفاده از فرایند تحلیل سلسله مراتبی AHP (مطالعه موردی: کلان شهر اصفهان)". فصلنامه علمی پژوهشی فضای جغرافیایی، سال دوازدهم، ش ۳۹ (پاییز): ۷۵-۷۹.
- علی احمدی، علیرضا؛ نیمروز، علی (۱۳۷۶). "مقایسه مکاتب، مدیریت استراتژیک، پیش تدبیری و تجربی - انطباقی". در: مجموعه مقالات پنجمین همایش دانشجویی مهندسی صنایع. به اهتمام علی احمدی. تهران: دانشگاه امیرکبیر: ۴۳۴-۴۴۹.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۰). سالنامه آماری استان خراسان جنوبی. بیرجند: سازمان برنامه و بودجه.
- Flouris, Triant; Dostaler, Isabelle (2007). "Strategic Management a sa Key to Educating. the New Aviation Professional". *International Journal of Professional Aviation Training & Testing Rese.*

Investigating the Status of Organizational Trust among First Grade Secondary School Teachers of Birjand's Education and Training Office

Mohammad Akhondi ¹

Hadi Pourshafeie ²

Ali Asgari ³

Abstract

Trust is an important factor in development of communities and also an essential element in formation of social capital. Level of trust in society is to some extent under the influence of the level of trust inside the social and cultural institutions, among which education and training office and school at its top has got a prominent importance. Trust is the requisite for the formation of sound relationships at work environment and without trust our actions and behaviors would be fabricated and so will not have the required depth. Therefore, present study aims to evaluate teacher's level of trust and provide solutions to increase the level of organizational trust. This research is a descriptive survey which is practical in purpose. Population of the study are first grade secondary school teachers of Birjand, out of which 196 teachers (109 male and 87 female) were chosen as the sample of the study based on simple random stratified sampling technique. To gather the required data Ruder (2003) organizational trust questionnaire was used. Reliability and validity of the questionnaire have been approved based on expert's suggestions and ideas. Cronbach alpha of the questionnaire was reported to be 0.88. Data analysis was carried out using SPSS software based on descriptive indexes such as mean, variance, and one sample

1. MA in Educational Management, Teacher of Education and Training of Sarbisheh, Responsible Writer. m.akhondi@birjand.ac.ir.

2. Associate Professor in Educational Management of Birjand University. Faculty of Educative Sciences and Psychology. pourshafei@birjand.ac.ir

3. Assistant Professor in Human Resources Management of Birjand University. Faculty of Educative Sciences and Psychology. Ali.asgari@birjand.ac.ir

T-test. The findings of the research revealed that institutional trust has the minimum mean score and then comes vertical trust. On the other hand, trust in colleagues has the maximum mean score. At the end, solutions for increasing institutional and vertical trust are suggested.

Keywords: Social Trust, Organizational Trust, Secondary School Teachers, Birgand's Education and Training Office

**Provincial elections; Centralization or Decentralization,
With an emphasis on South Khorasan province Electorates**

Ghassem Akbari ¹

Omran Rasti ²

Javad Mikaniki ³

Abstract

The issue of designing and selection of an optimal and efficient electoral system has always been a matter of concern and important discussion among experts in the field of electoral geography and officials, and scholars and experts in this field have put forward various theories hereof.

In this regard, in our country (Iran), provincial parliamentary elections plan has been raised at different periods in the parliament nearly two decades, and it has been an arena for confrontation of arguments of proponents and opponents of this project. The designers of this plan, by changing the scope and scale of the current level of city electorates to the province electorates try to achieve goals such as: improving the quality level of Parliament, promoting the culture of partisanship, increasing the participation rate of citizens and political parties in the elections, reduction of electoral violations such as vote buying and Jerry Mandring, reducing violently sectarian and ethnic rivalries and ultimately achieving a more equitable electoral system.

Despite the advantages and benefits cited by proponents, also many disadvantages and shortcomings have been proposed by the opponents that

1. MA in Political Geography of Birjand University. gh.akbari10@gmail.com

2. Assistant Professor of political Geography of Birjand University. orasti@birjand.ac.ir

3. Associate Professor of Rural Planning Geography of Birjand University. javadmikaniki@birjand.ac.ir

each one is considerable in its place and shows that contrary to good and fair goals, this plan will be followed by numerous negative and sometimes unfair consequences.

This paper, with a descriptive-analytical approach, investigates one aspect of the consequences of this plan on centralization and decentralization in the provinces. Analysis of the findings of this study indicate that despite the claims and goals of designers and proponents, the provincial elections plan will cause the aggravation of centralization at the national and provincial level, isolation of sparsely populated and marginal areas and reduction of participation rate of these areas in election, especially parliamentary elections. Analysis and comparing the weight of the votes of the electorates of South Khorasan province represents egregious predominance of Birjand and Qaenat cities, especially the city of Birjand on other regions and electorates of the province which in case of provincial elections, sharp focus and attention of all candidates on this city and defeat of the other electorates against its high weight, in addition to intensification of centralization, according to the provincial ethnic distribution, will result in tensions.

Key Words: Centralization, Decentralization, The provincial parliamentary elections plan, South Khorasan Province.

A Study on Reading Culture of Students in Birjand City

Mohammad Akbari Booreng ¹

Seyyed Noorollah Nasrollahi ²

Abstract

Amount of study is of utmost importance in the communities because it is considered one of the most important indicators of development. So investigating the factors and components affecting the amount of study have been noticed by researchers in the field. Hence, one of the factors affecting the amount of study is the reading culture. This research was designed to investigate the reading culture of students in Birjand city in terms of gender, parental education and place of residence. This study is a descriptive survey. The statistical population consisted of all male and female students in fifth and sixth grades of Birjand city in academic year of 92-93 which a total of 300 subjects were selected and evaluated as sample from among them based on Morgan table and by random cluster sampling. The tool used in this study was a researcher-developed questionnaire of reading culture. For data analysis, the independent T-test and variance analysis were used. The results showed that a significant difference was observed in the study of reading culture in terms of gender in aspect of norm, male students compared to female students, were at a higher level. In terms of parental education in aspects of norm and family, statistically significant difference was observed, students with parents with higher education, had higher levels of reading culture. In terms of location in aspect of value a significant difference was observed. Value to reading component was valued at a higher level by downtown students compared to uptown students. According to the results in the study of reading culture by gender, paying attention to the

1. PhD in Curriculum Planning, Assistant Professor of Birjand University. E-mail: Akbaryborng2003@birjand.ac.ir

2. Faculty Member of Information Science and knowledge Department of Birjand University. Responsible Writer. E-mail: nnasrollahi@birjand.ac.ir

girls' reading culture is necessary. Also according to the results of the study on the role of parental education in students reading culture, it seems essential to pay attention and hold workshops for this purpose.

Keywords: Reading culture, Students, Birjand.

**The Effect of Minor Social Order in Family on Underlying
Proceedings for Divorce Because of Conflict.
Case Study: Martyr's offspring of Mashhad**

Maryam Eskafi ¹

Hamid Masoudi ²

Abstract

Purpose of this research is to investigate the effect of quadruplet aspects of minor order, because of double aspects of conflict between couples, on divorce. Theoretical framework of the research includes mixed theory of Chalaby's minor order (taken from Parsones' theory) and Zimel's social opposition theory, in which family is considered as a social system and it consists of four minor systems: empathy, consultation, partnership and joint concordance, and based on social conflict theory, in a small group like family, conflict may happen between couples and contexts may be provided for divorce. Methodology of this research contains a survey of cross-sectional, extensive, descriptive-explanatory and practical studies in middle sociology level, because it has studied divorce proceedings in families. The statistical population involves all couples, dwelled in Mashhad city, that one of them (wife or husband) has been martyr's offspring in 2006 (according to the Islamic Revolution Martyrs Foundation). Data analyzing was done by LISREL software. The results show that minor order affects conflict variable (quantitative or qualitative conflict) (0.71-), and conflict variable affects divorce proceedings (0.89) as well. The final result is that minor order in family affects divorce proceedings through conflict, and conflict plays the role of mediator.

Keywords: Divorce Proceedings, Minor Order Theory in Family, Conflict between Couples, Social Opposition.

1. Assistant Professor in Sociology of Azaad University of Gonabad, Responsible Writer. meskafi@yahoo.com

2. PhD Student in Economical- Social Development of Ferdowsi University of Mashhad. massoudihamid@gmail.com.

Nakhl Handling of Moharram in Dorokhsh: An Anthropological viewpoint

Somayeh Hamidi ¹

Mofid Shateri ²

Abstract

The ritual of mourning in Moharram month has had special position in social life of Iranian people and it is held in special methods in each part of country regarding to its particular culture and geography. Among the rituals of Moharram is Nakhl handling held in a vast domain of our country. Dorokhsh as a village with a historical value is considered one of the centers of holding this ritual. Because of significant distinctions which exist between the form of Dorokhsh's Nakhl and other country's regions and also the method and special rites of Nakhl handling which is performed by precise division of social tasks, this issue was studied. The purpose of the present paper is the description and understanding of Ashura ritual in Dorokhsh and anthropological analysis of this symbolic custom as a part of religious and cultural heritage in the east of the country. The present study attempts to investigate Nakhl handling ritual of Moharram in Dorokhsh using qualitative research method of the kind of field study (ethnography) and applying the technique of interviewing and observation and based on interpretive views of Clifford Geertz.

The findings of the research indicate that ritual and rites of Nakhl handling in Dorokhsh, while maintaining the relationship of individual and society, causes strengthening social coherence, group identity, cultural correlation, strengthening group consciousness and generation communications in

1. Assistant Professor of Political Sciences of Birjand University. somaye.hamidi@birjand.ac.ir

2. Assistant Professor of geography and rural planning of Birjand University. mshateri@birjand.ac.ir

this village. On the other hand, it is effective on individual's worldview and formation of norms in his mind. Among the findings of this research is that this ritual is unique in South Khorasan and despite similarities to Nakhl handling in other regions of the country, it is different in terms of form, appearance of Nakhl, time and method of holding custom from other regions of the country.

Keywords: interpretive anthropology, South Khorasan, Darmiyan, Dorokhsh, Geertz, Nakhl Handling, Group Identity.

Strategic Planning for Birjand City Development Based on Urban Development Approach Using SWOT and QSPM Models

Mohammad Ajza-e-Shokouhi ¹

Mohammad Eskandari Sani ²

Javad Mohammadabadi ³

Abstract

The main approach to urban management and planning in Iran is influenced by the school of traditional scheduling with a focus on the master plan in which, most often, the physical development dimensions, arrangement and physical layout of the city takes precedence on the social dimensions of citizenship. Although, the major goal of designing comprehensive master plans in Iran is to provide and to facilitate harmonious physical growth, it practically takes not only a lot of energy and imposes heavy costs on urban economy, but also a large part of its objectives might never be achieved. Accordingly, transition from urban master plans to strategic planning, with respect to its combined flexibility and dynamic properties, seems necessary to solve problems and to adapt to future changes. The purpose of the present study is to design development strategies for Birjand City. So first, with participation of city stakeholders (professionals and managers), urban development was assessed based on strategic planning framework in a collaborative process. Then, SWOT model was used to analyze internal and external factors influencing Birjand and to provide development strategies, and also to prioritize given strategies QSPM model was employed. The results of the SWOT model indicated that in terms of CDS indices, Birjand

1. PhD in Geography and Urban Planning, Associate Professor of Ferdowsi University of Mashhad. Email: shokouhim@um.ac.ir

2. PhD in Geography, Assistant Professor of Birjand University. Responsible Writer. Email: meskandarisani@birjand.ac.ir

3. MA in Geography and Urban Planning of Ferdowsi University of Mashhad. Email: mohammadabadi.20@gmail.com

was placed in a defensive situation which meant having the worst possible condition, because on the one hand it is facing with weaknesses and on the other hand it is encountering threatening factors. To solve this situation, appropriate strategies were developed and then were prioritized by the QSOM model.

Key words: Strategic planning, Birjand, Sustainable Development, CDS, SWOT

Table of Content

Investigating the Status of Organizational Trust among First Grade Secondary School Teachers of Birgand's Education and Training Office

Akhondi, Mohammad/ Pourshafeie, Hadi/ Asgari, Ali 7

Provincial elections; Centralization or Decentralization, with an emphasis on South Khorasan province Electorates

Akbari, Ghassem/ Rasti, Omran/ Mikaniki, Javad 23

A Study on Reading Culture of Students in Birjand City

Akbari Booreng, Mohammad/ Nasrollahi, Seyed Noorollah 49

The Effect of Minor Social Order in Family on Underlying Proceedings for Divorce Because of Conflict. Case Study: Martyr's offspring of Mashhad

Eskafi, Maryam/ Masoudi, Hamid 63

Nakhl Handling of Moharram in Dorokhsh: An Anthropological viewpoint

Hamidi, Somayeh/ Shateri, Mofid 85

Strategic Planning for Birjand City Development Based on Urban Development Approach Using SWOT and QSPM Models

Ajza-e-Shokouhi, Mohammad/ Eskandari Sani, Mohammad/ Mohammadabadi, Javad 105



Referees of This Period. (Alphabetical Order)

1. Akhondi, Mohammad Bagher, PhD, Assistant Professor of the University of Birjand.
2. Eslam, Alireza, PhD, Assistant Professor of the University of Birjand.
3. Esmaeilnezhad, Morteza, PhD, Assistant Professor of the University of Birjand.
4. Asghari, Bibi Aghdass, PhD, Assistant Professor of Islamic Azad University of Gonabad.
5. Akbari Booreng, Mohammad, PhD, Assistant Professor of the University of Birjand.
6. Amirpour, Mahnaz, PhD, Assistant Professor of Islamic Azad University of Torbat-e-jam.
7. Bakhshi, Ahmad, PhD, Assistant Professor of the University of Birjand.
8. Rostaminezhad, Mohammad Ali, PhD, Assistant Professor of the University of Birjand.
9. Shokuhifard, Hossein, PhD, Assistant Professor of the University of Birjand.
10. Talebi, Alimohammad, Faculty Member of Farhangian University of Birjand.
11. Asgari, Ali, PhD, Assistant Professor of the University of Birjand.
12. Falsoleyman, Mahmoud, PhD, Assistant Professor of the University of Birjand.

In The Name Of God

Khorasan Quarterly of Cultural and Social Studies

Serial: 41

ISBN 1735-8256

Vol. 11. No. 1. Autumn 2016

Concessioner: General Office of Islamic Culture and Direction

Chairman: Mohebbi, Ahmad

Editor-in-chief: Alizadeh Birjandi, Zahra, PhD

Executive editor: Rezaei, Hamed

Executive manager: Zarang, Mahin

Editorial Board:

1. Habib Allah Abbasi/ Professor, Kharazmi University, Tehran
2. Habib Ahmadi/ Professor, Shiraz University
3. Mohammad Bagher Akhouni/ Assistant Professor, University of Birjand
4. Zahra Alizadeh Birjandi/ Associate Professor, University of Birjand
5. Bibi Aghdas Asghari/ Assistant Professor, Islamic Azad University, Gonabad
6. Mohammad Ali Beidokhti/ Assistant Professor, University of Birjand
7. Ahmad Kamyabi Mask/ Professor, University of Tehran
8. Mohammad Reza Majidi/ Associate Professor, University of Tehran
9. Javad Mikaniki/ Associate Professor, University of Birjand
10. Hadi Pour Shafei/ Associate Professor, University of Birjand
11. Mohammad Taghi Rashed Mohassel/ Professor, Institute for Humanities and Cultural Studies
12. Mofid Shateri/ Assistant Professor, University of Birjand

Editors: Nasrollahi, Seyyed Noorollah.

Translator and English Editor: Mohammadi, Hamide

Technical affairs: fekreBekr puplications.

Press: mehrang

Circulation: 1000

Price: 20000 rials

Address: South Khorasan, Birjand, Shahid Mahallati Av. General Office of Culture and Direction,

Research Society Office

Tel: 056 32323393

Fax: 056 32323277

Email: Daftarehnashriyeh@yahoo.com

The ideas mentioned in this issue declare the view of this quarterly. The authors are responsible for the ideas mentioned in their writing, and translators are responsible for their translations. Materials sent to the quarterly for publication are not sent back if not appropriate. This quarterly has the right to edit or delete some material.

اینجانب نماینده مرکز/ مؤسسه/ دانشگاه مبلغ

..... ریال طی فیش شماره به حساب ۱-۱۶۷۵۱۰۴-۱۲-۳۶۱۱

بانک قرض الحسنه مهر ایران - شعبه محلاتی - به نام های احمد محبی و حامد رضایی بابت

اشتراک فصلنامه علمی - ترویجی مطالعات فرهنگی - اجتماعی خراسان از شماره تا

..... واریز نمودم.

نشانی پستی:

پست الکترونیکی:

تلفن تماس:

کدپستی:

حق اشتراک هر شماره: ۶۰۰۰۰ ریال

حق اشتراک سالانه با هزینه پست سفارشی: ۳۲۰۰۰۰ ریال

اشتراک ارسال چهار شماره فصلنامه به صورت الکترونیکی ۲۰۰۰۰ ریال می باشد.

نشانی دفتر فصلنامه علمی - ترویجی مطالعات فرهنگی - اجتماعی خراسان: خراسان جنوبی -

بیرجند - خیابان محلاتی - اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان جنوبی

دورنگار: ۰۵۶-۳۲۳۲۳۲۷۷

تلفن: ۰۵۶-۳۲۳۲۳۳۹۳-۴

<http://Farhangekhorasan.ir>